

آموزش فا در کنفرانس (۷)

لی هنجی

فهرست

۲	آموزش فا در کنفرانس بین‌المللی فای ایالات متحده غربی
۳۵	آموزش فا در شهر شیکاگو
۴۰	آموزش فا در کانادا، ۲۰۰۶
۵۰	آموزش فا در کنفرانس فا در پایتخت ایالات متحده

آموزش فا در کنفرانس بین‌المللی فای ایالات متحده غربی

لی هنگجی، ۲۶ فوریه ۲۰۰۵

(تشویق طولانی) عصر بخیر! شما سخت کار می‌کنید.

زمستان به پایان رسید و اینک بهار است. در طول روند طولانی تاریخ بشریت، دقیقاً همچون چرخه بهار، تابستان، پاییز و زمستان، تغییرات روی داده است، و انواع و اقسام چیزها به‌طور پیوسته اتفاق افتاده است، که بدین طریق برای بشریت فرهنگی که در این مرحله پایانی مورد نیاز بود بنیان گذاشته و خلق شده است. در طی اعصار، تزکیه‌کنندگان و شیوه‌های تزکیه بسیار زیادی بوده‌اند، اما در بین همه روش‌های تزکیه، تفاوت‌هایی وجود دارد. در طی دوهزار سال گذشته یا بیشتر، برخی از مذاهب اعتقاد راستین به‌وجود آمدند. اگرچه مردم آن مذاهب، به خدایان ایمان دارند، ولی شیوه‌های تزکیه مذاهب متفاوت است، و آن‌ها حتی با مذاهب دیگر مخالفت کرده و آن‌ها را قبول ندارند. البته، دلیلی برای مخالفت کردن‌شان با یکدیگر وجود دارد: برای این است که بتوانند شکل‌های مذهبی خود را ثابت و بدون تغییر نگه دارند. به عبارت دیگر، اعتقاد راستین افراد به خدایان شکل‌های مختلفی را به خود گرفته است. قبل از اینکه اصلاح فا در دنیای بشری آغاز شود، هیچ روش تزکیه منحصربه‌فردی در کیهان به‌عنوان شیوه تعیین شده‌ای که به‌طور همگانی [تمرین شود]، به‌طور ویژه طراحی نشد، روشی که همه مردم دنیا که به خدایان اعتقاد داشتند ملزم به پیروی از آن باشند. این چیزی است که هرگز قبلاً روی نداده بود. همان‌طور که متوجه شده‌اید، روش تزکیه‌ای که مریدان دافا امروز تمرین می‌کنند نیز، متفاوت از شکل مذاهب و شیوه‌های تزکیه در سراسر هر دوره از تاریخ است. آن فقط متفاوت نیست: در حقیقت، وقتی توجه کنید، تفاوت‌ها بسیار عظیم هستند. در گذشته خدایان همگی یک موضوع را دیدند، این که، آن‌ها فکر می‌کردند موجودات بشری نمی‌توانند به‌طور موفقیت‌آمیزی تزکیه کنند مگر این که انتخاب کنند جامعه عادی را ترک کنند و در دنیای مادی تزکیه نکنند. هنگامی که افراد با اموری مواجه می‌شوند که با منافع شخصی و سود عملی آن‌ها درگیر می‌شود، و هنگامی که هر نوع فکری با یک تزکیه‌کننده در جهان «واقعی» تداخل پیدا می‌کند، برای تزکیه‌کنندگان واقعاً مشکل است که خود را ارتقاء دهند، و این باعث می‌شود کسانی که می‌خواهند آن‌ها را نجات دهند برای تحقق آرمان‌شان در تنگنا قرار گیرند. به همین دلیل است که هیچ‌کسی قبلاً جرأت برگزیدن این شیوه را نداشت. درخصوص نجات موجودات در مقیاسی وسیع و داشتن تعداد بسیار عظیمی از تزکیه‌کنندگان، آن‌ها احساس کردند که هیچ راهی برای اداره کردن تزکیه‌کنندگان یا نجات آنان، زمانی که با اجتماع عادی آمیخته می‌شوند وجود ندارد. به همین دلیل است که با شیوه‌های تزکیه و راه‌های نجات در گذشته، هیچ‌کسی حتی جرأت نکرد درباره آن فکر کند، چه رسد به این که به‌طور واقعی کاری کند که تزکیه‌کنندگان، این امر را در جهان مادی به مرحله عمل برسانند.

مسیری که مریدان دافا امروز درحال پیمودن آن هستند بی‌سابقه است. در فکر افراد زیادی این عقیده ثابت شکل گرفته است که، وقتی فردی سرسپرده یک مذهب باشد یا یک تزکیه‌کننده باشد، کارکردی ندارد مگر این که از اجتماع کناره‌گیری کرده و دنیای مادی را ترک کند. بنابراین مسیر تزکیه مریدان دافا، هیچ نمونه قبلی و هیچ الگویی ندارد. همیشه گفته‌ام که مریدان دافا در تزکیه هیچ الگویی ندارند. و این‌طور نیست که فقط در تزکیه شخصی‌تان باید مسیر خودتان را بی‌پیمایید- حتی شکل تزکیه‌ای که به شما منتقل کرده‌ام نیز هیچ مثالی برای پیروی کردن ندارد. بنابراین شما قطعاً خودتان باید این مسیر را روشن کنید. و چرا این‌طور است؟ شاید قبلاً از طریق تجربیات خودتان در تزکیه این را درک کرده‌اید، و من قبلاً در موقعیت‌های مختلف درباره این فا صحبت کرده‌ام: به‌خاطر این است که مسئولیت تاریخی‌ای که به مریدان دافا اعطاء شده بسیار عظیم است، تعداد بی‌شماری از موجودات ذی‌شعور را شامل می‌شود، و الزامات برای مریدان دافا فوق‌العاده بالا است. به‌علاوه، در دنیای امروز کیفیت مادرزادی روح اصلی موجودات ذی‌شعور ارزشمند و مهم است. همان‌طور که می‌دانید، شما مریدان دافا هستید، و شما

بخشی از مریدان دافای دوره اصلاح فا هستیید. مریدان دافای دوره اصلاح فا مسئولیت‌های عظیمی دارند، و مفهوم این عنوان، بی‌نهایت گسترده است. توانایی شما به عنوان مریدان دافا برای کسب آن اندازه تقوای عظیم چیزی است که بی‌نظیر بودن راه تزکیه‌تان را مشخص کرد. اگر این شکل از تزکیه را بر نمی‌گزیدید یا اگر هر یک از شیوه‌های تزکیه در گذشته را انتخاب می‌کردید، آن هنگام شما، مریدان دافای دوره اصلاح فا، نمی‌توانستید به اهداف تزکیه‌تان نائل گردید، نمی‌توانستید مسئولیت عظیم رسالت‌تان را به انجام برسانید، چه رسد به اینکه می‌توانستید به سطوحی برسید که مریدان دافا قرار است به آن‌ها برسند، یا به مقام‌های دستیابی‌ای نائل شوید که قرار است به آنها نائل شوید.

بنابراین، این موضوعی را به همراه می‌آورد: برای یک فرد بسیار سخت است که از جهان مادی رها شود، که در بین موجودات انسانی به طور موفقیت‌آمیزی تزکیه کند. به علاوه، هیچ سرمشقی از تاریخ به عنوان مرجع به‌جا نمانده است، و تزکیه کردن با پیروی کردن از مذاهب گذشته یا دوره نوین، مؤثر نیست. مردم فهمیده‌اند که راهبان بودیستی چگونه تزکیه می‌کنند، مسیحیان و کاتولیک‌های صومعه‌نشین چگونه تزکیه می‌کنند، و مردم دنیا چگونه باید به خدا(یان) ایمان داشته باشند. اما اعتقاد داشتن به خدا(یان) مسلماً از فردی که خودش را تزکیه می‌کند متفاوت است، زیرا هنگامی که شما [فقط] به خدا(یان) ایمان دارید، بهترین وضعیت این است که خدا(یان) تا اندازه‌ای شما را محافظت خواهند کرد و به شما رحمت عطا می‌کنند، یا در موارد مربوط به افرادی که به طور استثنائی خوب هستند، آن‌ها می‌توانند به بهشت یک خدا صعود کرده و یک موجود عادی آن‌جا شوند. اما در تمام این وضعیت‌ها هیچ‌کسی به مقام دستیابی نمی‌رسد. از یک نظر، اعتقاد، با تزکیه کردن یکسان نیست، و از طریق تزکیه فرد می‌تواند به یک مقام دستیابی برسد. به عبارت دیگر، فرد با یک مقام دستیابی، فقط یک موجود معمولی در آسمان‌ها نخواهد بود- او موقعیتی الهی خواهد داشت. و درخصوص مریدان دافا، آن‌ها لازم است که به مقام‌های دستیابی خارق‌العاده‌ای نائل گردند. از آنجاکه مسئولیت عظیم است، تزکیه‌کننده به آن سطح سوق داده می‌شود. او مجبور است آن اندازه مسئولیت را بپذیرد، بنابراین گستره سختی‌ای که در این رابطه پیش می‌آید عظیم است. این‌جا درباره درجه چالش‌هایی که توسط نیروهای کهن بر شما تحمیل می‌شود صحبت نمی‌کنم، بلکه به بیان دقیق درباره سختی‌هایی که توسط خود مسیر تزکیه ایجاد می‌شوند صحبت می‌کنم. شما سختی‌هایی را در رابطه با آن، و رنج‌هایی را که باید در این مسیر تزکیه تحمل شود و این‌که چه قدر دشوار است از بشر بودن فراتر رفت تجربه و احساس کرده‌اید. در طی مسیر تزکیه‌تان، شما انواع افکار بشری، هر نوع چیزی در رابطه با علائق شخصی‌تان، و همه نوع تصور و عقیده‌ای را که از هر لحاظ [برای تعدیل کردن شما] به ذهن شما خطور می‌کند تجربه می‌کنید، و غیرمنطقی بودن که توسط احساسات و توهم به وجود می‌آید، و احساسی که وقتی ذهن‌تان درخصوص سخت بودن رها کردن وابستگی‌های بشری مبهم است، چیزهایی هستند که با آن به هم پیچیده شده است. و شما در زندگی روزمره‌تان، خانواده، جامعه، کار و تزکیه را برای اداره کردن دارید، به اضافه فشاری که توسط آزار و اذیت بر شما به عنوان مریدان دافا وارد می‌شود و چالش‌هایی که در هر موضوعی در ارتباط با آزار و اذیت وجود دارد. درحقیقت، همه آن‌ها فقط بخشی هستند که شما قادر به درک آن هستید- همچنین بخش دیگری است که نمی‌توانید احساس کنید. آنچه که انجام می‌دهید معمولی به نظر می‌رسد، و کارهایی را که انجام می‌دهید بسیار شبیه آن چیزی به چشم می‌آیند که مردم عادی با تحمل سختی‌ها می‌توانند انجام دهند. اما این فرق دارد. همان کار، هنگامی که به وسیله مریدان دافا انجام می‌شود متفاوت است از انجام آن توسط مردم معمولی. چون آن‌چه شما بر دوش می‌کشید و تحمل می‌کنید متفاوت است.

در لایه ظاهری این‌گونه است که وضعیت‌ها یکسان به نظر می‌آیند، اما در حقیقت آن‌ها متفاوت هستند. و چرا این‌طور است؟ یک مثال برای‌تان بیان می‌کنم. مسیحیانی در نقاط مختلف دنیا هستند که هرگاه هنگام سالگرد رنج و مرگ عیسی فرا می‌رسد، واقعه‌ای را اجرا می‌کنند که برخی از افراد واقعاً خودشان را به یک صلیب به میخ می‌کشند. شاید آن‌ها این کار را انجام می‌دهند تا به خدای‌شان نشان دهند که آن‌ها نیز آن رنج را تجربه می‌کنند. اما آن از رنجی که عیسی متحمل آن شد، قطعاً متفاوت است. چرا متفاوت است؟ هنگامی که عیسی مصلوب شد، موجودات بشری نتوانستند ببینند که او درحال پرداخت تاوان گناهان موجودات انسانی بود، و مقدار بسیار عظیمی از گناه و کارما از تعداد بسیار عظیمی از مردم درحال وارد آوردن فشار به او بود- تعداد و مقدار هر دو عظیم بودند، و آن بی‌نهایت سنگین بود. این آن چیزی بود که باعث چنین رنج عظیمی برای او شد. در

آن زمان هم که شکنجه نمی‌شد، هنوز قادر نبود با آرامش بایستد. بار سنگین او به‌حدی عظیم بود که حتی نفس کشیدن یک چالش بود. نوع رنجی که از فشار و مقدار بسیار عظیمی از گناه و کارمای موجودات بشری بر او فرود آمد، ضربه روحی دهشتناک، و عکس‌العمل‌های هر یک از سلول‌های بدنش در مقابل آسیب اعمال‌شده - آن‌ها اموری نیستند که یک فرد عادی بتواند تحمل کند. آن، چیزی نیست که مردم عادی بتوانند در مقابل آن تاب آورند. و تصور کنید علاوه بر چنین عذابی به صلیب کشیده شود، برای او نظیر چه چیزی بود. [برخی از چیزهایی که به نظر می‌رسد] یکسان هستند، در حقیقت ورای آن چیزی هستند که مردم عادی بتوانند تصور کنند. [برخی چیزها ممکن است] بسیار شبیه امور مردم عادی به نظر آید، درحالی که وضعیت پشت آن‌ها کاملاً متفاوت است - آن‌ها مثل شب و روز هستند.

حتی با این که استاد مقدار قابل توجهی از کارمایی را که مریدان دافا در آغاز داشتند کم کرد، از آنجا که مسئولیت‌های به‌دوش کشیده شده مریدان دافا عظیم است، در طی تزکیه مریدان دافا، به‌جز مشکلات پیش‌آمده توسط مقدار خاصی از کارما که تحمل می‌کنند، اساساً همه رنج‌های‌شان نتیجه‌ی روند رشد شین‌شینگ آن‌ها است. این آزار و شکنجه چیزی است که توسط نیروهای کهن بر ما تحمیل شد، و چیزی نیست که اصلاح‌فا به آن نیاز داشت. با وجود آن، شما آن‌را با موفقیت تحمل کردید. مهم نیست که سفر چقدر سخت و عذاب‌آور بوده است، هنگامی که با این مشکلات مواجه شدید توسط آن‌ها متوقف نشدید، و به مسیر الهی‌تان ادامه داده‌اید. البته، برخی از شما همان‌طور که به پیش می‌روید می‌لغزید، پیاپی سقوط می‌کنید و می‌افتید. برخی کاملاً به‌خوبی و منضبط به پیش رفته‌اند. مهم نیست چه چیزی، با این حال، وضعیت کلی تزکیه مریدان دافا و موقعیت اعتباربخشی فای مریدان دافا پایدار و محکم بوده است. همان‌طور که خدایان به آن می‌نگرند، می‌بینند که وضعیت و روند تزکیه مریدان دافا نمی‌تواند نقش بر آب شود. به‌عبارت دیگر، مهم نیست که سفر چقدر سخت بوده است، با وجود این که هیچ روش تزکیه‌ای شبیه این هرگز قبلاً وجود نداشته، مریدان دافا به‌طور موفقیت‌آمیزی در میان چالش‌ها مبارزه کردند. همان‌طور که به‌فا اعتبار می‌بخشید بسیاری از چیزها با شکل امور مردم عادی، مشابه، یا همانند است. اما عوامل پشت آن امور، و نقطه شروع مریدان دافا برای انجام امور، مسئولیت‌های به‌دوش کشیده‌شده توسط مریدان دافا و اهداف‌شان، به‌طور بنیادی از آن امور مربوط به افراد عادی متفاوت است.

درحال حاضر به علت جداسازی و مداخله‌ای که عوامل نیروهای کهن و عوامل کیهان قدیم در دنیای انسانی ایجاد کرده‌اند، خدایان نمی‌توانند به‌طور آشکاری اینجا ظاهر شوند، و اهریمنان مداخله‌کننده و نحوه برچیده شدن و از بین رفتن‌شان نمی‌تواند به موجودات ذی‌شعور نشان داده شود. دیدن شکل‌هایی که در آن، مریدان دافا کاملاً از مردم عادی متفاوت هستند، به‌واسطه این جداسازی همیشه مسدود شده است. در طی این زمان، قبل از اینکه اصلاح دنیای بشری توسط فا وارد شود اهریمنان کارهای آسیب‌رساننده‌ای را انجام دادند. منظور از انجام اصلاح فا در این دنیای انسانی ابداً برای این نیست که مریدان دافا یا اصلاح فا در توهّم نهاده شوند. محیط سه‌قلمرو برای اصلاح فا آفریده شد، به این منظور که این مکان برای اصلاح فا ساخته شود و به قلمروهای خدایی آسیب رسانده نشود. به همین دلیل است که ما از این محیط و این رویکردهای انسانی برای اعتباربخشی به فا استفاده می‌کنیم. اما این بدین مفهوم نیست که ما مداخله نیروهای کهن را در اصلاح فا تأیید می‌کنیم، بدین مفهوم نیست که نظم و ترتیب‌های‌شان را قبول داریم. اجتماع بشری در تصور باطل به سر می‌برد، و مردم نمی‌توانند ببینند کیهان به‌طور حقیقی چگونه است یا وضعیت واقعی موجودات را ببینند. این چگونگی هستی موجودات در این سطح است، اما وضعیت در طی اصلاح فا توسط دافا اداره می‌شود و بر طبق آنچه که لازم است، تغییر می‌کند به‌طوری که دافا بتواند موجودات را نجات دهد. حقیقت این است که، در این زمان مریدان دافا باید کارهایی الهی انجام دهند، زیرا برای مریدان دافا، دیگر تزکیه شخصی‌شان مقدم‌ترین و مهم‌ترین نیست. هدف، نجات موجودات و دوباره‌سازی افلاک گول‌آسا در طی اصلاح فا است. شما باید کارهای اصلاح فا و کارهایی را برای نجات موجودات انجام دهید، بنابراین شما باید موانع پدیدار شده توسط این محیط را پاک کرده و به دافا اعتبار بخشید. در این موقعیت، که در طول تزکیه‌تان تغییرات واقعی را در خودتان نمی‌توانید به‌طور کامل ببینید، همان‌طور که خدایان می‌توانند ببینند؛ بلکه در بین مداخله و آزمایشاتی که از طریق آن‌ها وابستگی‌هایتان را به‌طور دردناکی رها کردید، به افکار درستی که از مطالعه پیوسته فا نشأت می‌گیرد تکیه کرده‌اید، و شما درحال پیش رفتن بوده‌اید. واقعاً

بدست آوردن آن مشکل است، اما مریدان دافا به‌طور کلی آن‌را بدست آوردند. این با وجود آزار و شکنجه چند سال گذشته علیه مریدان دافا که توسط نیروهای کهن برنامه‌ریزی شد، مخصوصاً باشکوه است. مریدان دافا به‌عنوان یک کل، حقیقتاً از آن با موفقیت گذر کردند. بدون توجه به این که چه نوعی از چیزها در طی این دوره زمانی برایتان روی داد، و حتی اگرچه چیزهای خاصی که واقعاً نمی‌بایستی اتفاق می‌افتادند، روی دادند و بسیاری از چیزهای ناخوشایند پیش آمد، به‌طور کلی واقعاً خوب بوده است، و شما به‌عنوان یک کل، حرکت به سمت جلو را ادامه دادید.

سفر هنوز تمام نشده، و آزار و شکنجه هنوز به پایان نرسیده است، بنابراین شما باید راه‌تان را ادامه دهید. در ارتباط با باقی‌مانده سفر، فکر می‌کنم شما اکنون تا حدودی اطمینان دارید. اگرچه بیش از حد دیر شد، ولی موجودات اهریمنی بسیاری که به مریدان دافا آزار و آسیب رساندند و با اصلاح فا تداخل ایجاد کردند هم اکنون به‌طور عمیقی پشیمان هستند: «چرا ما در گذشته فالون‌گونگ را مورد آزار و شکنجه قرار دادیم؟ اگر فالون‌گونگ را مورد آزار و اذیت قرار ندادیم هرگز دچار این مخمصه وحشتناک نمی‌شدیم.» آنچه که می‌گویم این است که، آینده‌ای که پیش روی مریدان دافا قرار دارد روشن‌تر و درخشان‌تر می‌شود، و شما همه می‌توانید اکنون آن‌را مشاهده کنید. وضعیت کلی اصلاح فا در کیهان به‌طور سریعی دگرگون شده است، زیرا اصلاح فا با سرعتی که از همه زمان‌ها پیشی می‌گیرد به سمت جلو درحال پیشروی است. آن درحال نزدیک‌تر و نزدیک‌تر شدن به این بُعد «واقعی» است، و به‌حدی نزدیک‌تر و نزدیک‌تر می‌شود که با چشم بشری قابل رؤیت می‌شود. آن از سطح میکروسکوپی به لایه سطحی نزدیک‌تر می‌شود، و آن محدوده [از فضا] که باقی مانده است هم اکنون بسیار اندک است. البته، اگر چه محدوده باقی‌مانده در لایه سطحی بُعد بشری هم‌اکنون کوچک‌تر است، ولی همان‌طور که می‌دانید، عوامل پایانی از سطوح بالاتر بوده، و اندازه‌های آن عوامل جداشده اکنون بزرگ‌تر هستند. به همین دلیل است که اکنون کمبود شیطان بعد از کاهش ارواح سطح پایین و اهریمنان پلید، توسط عوامل جداشده درحال جبران است. اگر چه پیشروی درحال شتاب یافتن است، ولی هنوز موانع وجود دارند. اما علی‌رغم آن، هم‌اکنون این‌طور است که گویی خوبی و اهریمن در دو کفه ترازو قرار دارند و اهریمن کاملاً تعادلی را [که زمانی داشت] از دست داده است، درحالی که کفه ترازو در سمت مریدان دافا تقریباً تا انتها سنگینی می‌کند. به‌عبارت دیگر، موفقیت اصلاح فا و تزکیه مریدان دافا اکنون واقعیاتی اجتناب‌ناپذیر هستند. به هر حال کار ما هنوز کاملاً به انجام نرسیده و در ارتباط با تزکیه شخصی، هر مرحله در تعیین این که آیا مریدان دافا می‌توانند به کمال برسند ممکن است حیاتی باشد. فکر می‌کنم مهم نیست که چیزها در نهایت چقدر دور می‌روند، مداخله چقدر وحشتناک می‌شود، یا اگر اصلاح فا باعث شود که شما کاملاً از همه چیز آگاه شوید، هنوز نیاز دارید که به طریقی شرافت‌مندانه و درست تزکیه کنید، و توسط هر چیز مثبت یا منفی تحت تأثیر قرار نگیرید - مطمئن باشید که توسط هیچ تغییر رضایت‌بخش وقایع ناشی شده از وضعیت، یا توسط هر نوع وضعیتی که ممکن است پیش آید مورد مداخله قرار نگیرید.

در واقع با بودن در میان این همه، شما اکنون کاملاً معقول هستید، و می‌توانید به بسیاری از چیزها با افکار درست نگاه کنید و در پایان به آرامی درباره کارها بیندیشید. با تأثیر افکار درست‌تان، وضعیت کلی اعتباربخشی به فای مریدان دافا را به‌طور مؤثری مستحکم کرده‌اید. از آنجاکه هم‌اکنون به‌بلوغ رسیده‌اید چیزهای بسیاری را می‌فهمید. آن از این که هر موج تداخل بلوا ایجاد کند ممانعت می‌کند و هیچ شکافی برای عوامل شیطانی جهت بهره‌برداری به‌جای نمی‌گذارد. هر گاه که بین مریدان دافا افکار انسانی پدیدار می‌شود، چیزی است که اهریمن از آن امتیاز می‌گیرد، و موجودات شیطانی از آن برای انجام اعمال بدی استفاده می‌کنند که می‌خواهند انجام‌شان دهند. هنگامی که افکار انسانی مریدان دافا حداقل می‌شود، وقتی افکار درست‌شان قوی می‌شود، وقتی که معقول و استوار می‌شوند، اهریمن هیچ چیزی ندارد تا از آن سوءاستفاده کند و این باعث می‌شود موقعیت اعتباربخشی فای مریدان دافا پایدارتر شود. اخیراً، عدم ثبات که از داخل میان مریدان دافا به‌وجود بیاید نادر شده است. و من فقط در باره [مریدان دافای] خارج از سرزمین چین صحبت نمی‌کنم، این امر در ارتباط با مریدان دافای سرزمین چین نیز صدق می‌کند: آن‌ها نیز استوارتر و استوارتر شده‌اند.

البته، با توجه به اینکه این تزکیه است، برخی از وابستگی‌ها که از افکار بشری سرچشمه می‌گیرند به‌طور حتم متحلی می‌شوند، زیرا این تزکیه موجودات انسانی است، نه خدایان. بنابراین از آنجاکه آن تزکیه موجودات انسانی است، در طی تزکیه،

طرز تفکر بشری، خود را نشان خواهد داد و به همین دلیل است که نمونه‌هایی از افراد را خواهیم دید که کوشا نیستند. برخی از شاگردان مستعدند طوری شوند که از روی هوس کاری را انجام دهند، و برخی از شاگردان هستند که افکار درست آن‌ها کاملاً ضعیف است. آن‌ها توسط نیروهای کهن برای انجام کارهای بد مورد استفاده قرار گرفته‌اند. از میان این درس‌ها، همه شما همان طور که به فا اعتبار می‌بخشید به آن توجه خواهید کرد و در زمانی که پیش رو دارید توسط عوامل اهریمنی مورد استفاده قرار نخواهید گرفت. در ارتباط با آن شاگردانی که فا را مطالعه نمی‌کنند، افرادی که افکار درست‌شان ضعیف است، آن‌هایی که افکار بشری بیش از حدی دارند، و آن‌هایی که به انجام کارهای بد ادامه می‌دهند، بگذارید به شما بگویم: تعداد فرصت‌هایی که برای شما باقی مانده رو به کاهش است. من می‌دانم حتی با این که کارهای زیادی را که لطمه‌ای به دافا است انجام داده‌اید، حقیقتاً نمی‌خواهید دافا را ترک کنید. وقتی همه آن چیزها به پایان برسد و هنگامی که همه مریدان دافا درحال رسیدن به کمال باشند، با این حال، شما قصد دارید چه کار کنید؟ و قبل از این که آن اتفاق بیفتد، دور ریختن موجودات انسانی در گستره‌ای عظیم آشکار می‌شود. هنگامی که این دور ریختن فرا می‌رسد، شما می‌خواهید چه کار کنید؟ استاد همه چیز را می‌داند، اما چیزی نخواهم گفت. به پیش بروید و نشان دهید که چگونه هستید، خواه آن چیزی مثبت باشد یا منفی. شما می‌توانید یک مرید دافای درستکار و شرافتمند باشید یا به بخش انسانی‌تان وابسته باشید. در دنیای عادی می‌توانید برای هر آنچه که مردم عادی به دنبال آن هستند زندگی کنید، یا می‌توانید از روی ترس، در اوام یک حیات خفت‌بار را به‌کندی بگذرانید، اما از آنجا که نزدیک دافا آمده‌اید، امیدوارم فرصتی برای نجات شما باشد، و به همین دلیل است که فرصت‌هایی را به شما می‌دهم. من همیشه فرصت‌هایی را به شما خواهم داد، اما این که بتوانید یک مرید دافا شوید، این که آن فرصت‌ها را بخواهید، و این که بتوانید به خودتان بیایید و به شیوه‌ای مسئولانه برای خودتان زندگی کنید... در این مرحله از زمان چیزها نمی‌توانند به‌کندی به‌جلورفتن ادامه دهند. حتی اگر شروع به جبران آن همه کنید و اکنون سعی کنید که بفهمید، فرصت‌های باقی‌مانده کم هستند. فکر می‌کنم که پس از زمان کوتاهی حتی این فرصت‌های اندک به‌پایان خواهند رسید.

کارهایی که هم‌اکنون مریدان دافا در مخالفت با آزار و شکنجه درحال انجام آن هستند، مردم دنیا را شگفت‌زده کرده است. مردم استحکام، مهربانی و بردباری خارق‌العاده و خردمند بودن مریدان دافا را دیده‌اند، که وقتی مورد آماج حملات و سرکوب عنان‌گسیخته بودند، به نمایش گذاشته‌اند. بسیاری از مردم می‌گویند: «شاگردان فالون‌گونگ بسیار شگفت‌انگیز هستند. آن‌ها چنین افراد مستحکمی هستند و در مقابل چنین شیطان بزرگی تاب آورده‌اند.» تمامی دولت، که توسط پلیدترین حزب بدنهاد کنترل می‌شود، با سرکوبی تمام عیار، حملات و اختناق را هدایت کرده است، و سراسر ماشین تبلیغات کشور، در مقیاسی وسیع برای فریب مردم به جعل دروغ‌ها پرداخته است، باعث شده تقریباً تمام جمعیت در آزار و شکنجه شرکت کنند. مریدان دافا از عهده تاب‌آوردن و گذر از این بدنهادترین سرکوب و چنین دوران وحشت کمونیستی ظالمانه، برآمده‌اند. این حقیقتاً مردم دنیا را مبهوت ساخته است و آن باوجود این حقیقت است که مردم دنیا فقط می‌توانند قسمتی را که برایشان ملموس و واقعی است ببینند. آن‌ها نمی‌توانند آنچه را که در درون مریدان دافا نهفته است یا مفهوم ژرف و عمیق دافا را درک کنند، و نمی‌توانند وضعیت مریدان دافا را به‌عنوان ترکیه‌کنندگان بفهمند، اما نمود ملموس آن، برای بیدار کردن آن مردمی که با اهریمن همراه می‌شوند و به روشنی فکر نمی‌کنند کفایت می‌کند. مریدان دافا چگونه چنین برجسته عمل کرده‌اند؟ چگونه قادر بوده‌اند در بحبوحه این آزار و شکنجه، چنین مصممانه افکار درست‌شان را حفظ کنند؟ چگونه قادر بوده‌اند باعث شوند که اهریمن درحالی که مریدان دافا را شکنجه می‌کند توسط خودش سقوط کند؟ این بدین دلیل است که آن‌ها موجوداتی از فای درست و روشن‌بینی درستی هستند که توسط دافا ساخته و پرداخته می‌شوند و آنان مریدانی از دافا هستند که بنیادهای فطری عظیمی (کیفیت مادرزادی فوق‌العاده) دارند و کسانی هستند که با مأموریت‌هایی اعطا شده، در سفر به‌سوی خداشن هستند. درحقیقت، در طی این زمان قبل از این که نیروی عظیم اصلاح فا وارد شود، آن‌ها باعث دگرگونی‌هایی در اوضاع این جهان شده‌اند. همچنین، هر کاری که مریدان دافا از طریق افکار و اعمال درست‌شان به نمایش گذاشته‌اند، هم‌اکنون میدان دافا را در این بُعد مادی موجودات انسانی به‌وجود آورده است، و این میدان تأثیری فوق‌العاده و مثبت داشته است. همگی شما هنوز در روند ترکیه کردن هستید، [و اگر برای آن نبود،] اگر رویکرد دیگری اتخاذ می‌شد، نمود عینی این میدان تا حالا غالب می‌بود. اگر آن برای این حقیقت نمی‌بود که مسیر ترکیه‌تان هنوز به پایان نرسیده است، این میدان درست دافا باعث از بین رفتن هر عامل پلید در این

دنیا و همه عوامل منحرف گذشته می‌شد، آن‌ها را پاک کرده، و مکان‌های آن‌ها را تخلیه می‌کرد. شما شاهد بودید که قبلاً اهریمن در آزار و شکنجه فالون‌گونگ چقدر مهاجم و وحشی بود. چرا اکنون این قدر به‌طور متفاوتی عمل می‌کند؟ زیرا کارهای اهریمنی، عوامل متنوعی که افراد بد را تغذیه می‌کرد، و میدانی که در گذشته شکل داده بودند، از بین برده شده‌اند و عوامل درست بی‌شماری از دافا، درحال مهار کردن و نابود کردن آن چیزهای شیطانی هستند. افراد پلید، نیروی محرک پشت خود را از دست داده‌اند و حالا در یک شکست هستند.

به عبارت دیگر، افراد زیادی هستند که با وجود دگرگونی‌های عظیمی که درحال روی‌دادن است، هنوز ذهنی تیره و مبهم دارند. زمان آن است که بیدار شوند و به آنچه درحال انجام آن هستند آگاه شوند. حقایق و اصولی را که من، لی‌هنگجی، آشکار کرده‌ام، در طی هزاران سال، احتمالاً، میلیون‌ها سال، هرگز آشکار نشده‌اند، یا قبلاً توسط هیچ نجات‌دهنده‌ای، بدون درنظر گرفتن این که چه کسانی بودند، توسط هیچ یک از موجودات روشن‌بینی که به این دنیای انسانی قدم گذاشتند، بدون درنظر گرفتن این که چند نفر بوده‌اند، یا توسط هیچ یک از موجودات فناپذیری که به حقایق خاصی روشن‌بین شدند، بدون در نظر گرفتن این که چه تعداد بوده‌اند، آشکار نشده‌اند. (تشویق) این چیزی نیست که یک فرد عادی بتواند انجام دهد. و آنچه را که مریدان دافا به نمایش گذاشته‌اند، در طی روند تزکیه‌شان، در تزکیه‌شان نشان داده‌اند، و آنچه که قادر بوده‌اند به آن بصیرت یابند و اعتبار ببخشند همگی فراسوی آن چیزهایی هستند که مردم عادی می‌توانند درک کنند، و این‌ها نمی‌توانند با وضعیت‌های تزکیه در گذشته مقایسه شوند. بیشتر این که، درخصوص نجات موجودات در یک چنین گستره عظیمی، و این شکل تزکیه با سازمان‌دهی آزاد-مخصوصاً این که افراد هنگامی که تحت این چنین مدیریت آزاد قرار دارند چگونه تزکیه می‌کنند- این چیزها نیز بی‌سابقه هستند. به عبارت دیگر، بدون توجه به اینکه از چه زاویه‌ای به آن نگاه می‌کنید، آن باید باعث شود که خودتان به آرامی و به‌طور واقعی چیزها را مورد تأمل قرار داده، و سعی کنید با ذهنی روشن این پدیده را که دافا در گستره‌ای عظیم اشاعه می‌یابد درک کنید.

وضعیت از ۲۰ ژوئیه ۱۹۹۹ به‌طور پیوسته تغییر کرده است. شما همگی دیده‌اید که وضعیت اصلاح فای دافا در کیهان سریع‌تر و سریع‌تر تغییر کرده است و بیشتر و بیشتر به شکلی که برای موجودات انسانی اینجا ملموس باشد تجلی می‌یابد. اما همیشه شاگردان زیادی بوده‌اند- و البته آنچه که اینجا درباره آن صحبت می‌کنم شاگردان داخل سرزمین چین را شامل می‌شود- که می‌گویند، «ما می‌خواهیم همگام با پیشرفت اصلاح فا به پیش برویم، هرچه را که استاد می‌گوید، انجام خواهیم داد.» اما درحقیقت هنگامی که کارهایی واقعاً لازم است انجام شوند، ممکن است به شما صراحتاً نگویم که این موقعیت تازه‌ای است. شما همه می‌دانید که در اعتباربخشی به فا وضعیت عوض می‌شود و این اجتناب‌ناپذیر است. قطعاً بین این زمان که استاد درحال انجام اصلاح فا است و زمان قبل که استاد اصلاح فا را انجام داد تفاوتی وجود دارد. با هر کاری، قبل یا بعد از این که انجام می‌شود و حتی در طی روند انجام شدن آن، کارها به تدریج تغییر می‌یابند. و زمانی که چیزی یک حوزه وسیعی را در بر می‌گیرد، آن شامل تغییراتی در وضعیت می‌شود.

بنابراین هر کسی درباره پیش رفتن همگام با پیشرفت اصلاح فا صحبت می‌کند، اما هنگامی که «نه شرح و تفسیر» مطرح شد، بسیاری از شاگردان درک نکردند. سپس من دو مقاله کوچک شامل «چرخاندن چرخ به سوی دنیای بشری» را نوشتم. در آن مرحله به‌نظر رسید که هر کسی ناگهان فهمید: «اوه، استاد آن را انجام داده است، بنابراین ما نیز باید آن را انجام دهیم.» اما در واقع اگر مریدان دافا درباره آن به آرامی، معقولانه و بدون استفاده از افکار بشری، فکر کرده بودند، بلافاصله آن را درک می‌کردند: آیا امکان دارد که با وجود هر اعتقادی به حزب کمونیست چین بتوانید به کمال برسید یا این ایده که حزب کمونیست چین، که مریدان دافا را سرکوب می‌کند، خوب است؟ این قطعاً غیرممکن است، مگر نه؟ مریدان دافای ما «نه شرح و تفسیر» را خوانده‌اند و از آنجا که آن حزب، آن ماهیت را دارد، درباره این بیندیشید که چه تعداد از مردم دنیا توسط آن همراه شده‌اند و بدین ترتیب به خدایان اعتقاد ندارند و چه تعداد از مردم از آن پیروی کرده و مریدان دافا را شکنجه می‌کنند و علیه دافا مرتکب گناه می‌شوند. آیا می‌توانیم آن مردم را نجات ندهیم؟ آیا می‌توانیم موافق آن باشیم؟ بنابراین من توانستم ببینم که برخی از شاگردان هنوز خود را توسط طرز تفکر بشری‌شان عقب نگاه می‌داشتند و برخی از آن‌ها فاقد افکار درست بودند و فکر کردند

که آن درگیر امور سیاسی شدن است. به همین دلیل بود که آن دو مقاله کوچک را نوشتیم. با این حال می‌دانم که در سرزمین چین هنوز گروهی از شاگردان هستند که افکار بشری‌شان ایفای نقش می‌کند و نمی‌خواهند درک کنند. درحقیقت، آیا این ترس و وابستگی به منافع شخصی نیست که باعث می‌شود آن‌ها را رها نکنند؟ در نجات دادن، ما نمی‌توانستیم کارها را از این راحت‌تر سازیم - آیا این گفته نشد که افراد حتی می‌توانند در اظهارنامه‌های‌شان از اسم مستعار استفاده کنند؟ مهم نیست که از چه نامی استفاده می‌شود، آنچه که خدایان به آن می‌نگرند قلب مردم است. خدایان می‌توانند آنچه را که مردم در حال فکر کردن به آن هستند و آنچه را که در حال انجام آن هستند، ببینند. درخصوص افرادی با دلایلی که خارج از کنترل‌شان است، آن‌ها می‌توانند از هر نامی استفاده کنند. اسامی افراد روی زمین به‌هیچ‌وجه در آسمان‌ها مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. هنگامی که مردم روی زمین به کسی نامی می‌دهند، آیا فکر می‌کنید که خدایان پیروی کرده و او را به آن نام می‌خوانند؟ این کار را نمی‌کنند. به‌علاوه، تعداد زیادی از مردم با اسامی یکسان هستند. مردم روی زمین شماره‌گذاری شده هستند و آن‌ها با شماره به آنان اشاره می‌کنند. (حضار می‌خندند)

مطرح کردن این چیزها برای گفتن این نیست که بسیاری از شاگردان نمی‌توانند با امور به پیش بروند یا این‌که آن‌ها دیرفهم هستند. آنچه که هست، این است که طرز تفکر برخی از افراد توسط عوامل حزب در حال مورد تداخل قرار گرفتن است - عوامل اهریمنی حزب در حال تأثیرگذاری هستند. افکار افرادی که آن‌ها را قادر می‌ساخت که به‌طور آشکاری آنچه را که هست ببینند، در میان فرهنگ حزب که توسط اهریمن خلق شد، درهم و برهم شده است. آن فرهنگ منحرف از طریق تزریق هدف‌مند، از دبستان، سپس دبیرستان، و تمام مسیر تا بزرگسالی در شما شکل گرفت و آن حتی از زمانی که شروع به آموختن و به‌خاطر آوردن چیزها کردید، شروع شد. به‌عبارت دیگر، امروزه در سرزمین چین هر کسی به شیوه فرهنگ حزب شیطانی فکر می‌کند. البته، اگر در اصلاح فا این حزب بدنهاد فالون گونگ را مورد آزار و شکنجه قرار نداده بود، پس مسئله‌ای نمی‌بود، زیرا بسیاری از فرهنگ‌ها و ایده‌های درهم و برهم، در اصلاح فا به‌طور طبیعی اصلاح خواهند شد. تزکیه‌کنندگان نیازی نمی‌داشتند که در این رابطه کاری انجام دهند، و روح اهریمنی آن حزب نیز اصلاح می‌شد و بدین ترتیب نجات می‌یافت. اما زمانی که شروع به آزار و شکنجه فالون گونگ کرد، به اهریمنی‌ترین روح تبدیل شد، زیرا این زمان هنگامی است که مریدان دافا در حال اعتباربخشی به فا هستند و دافا اصلاح فا را به انجام می‌رساند. بنابراین مریدان دافا لازم است به‌وضوح ببینند که آن چه چیزی است، و افرادی که نمادی از آن هستند باید موضع‌شان را در خصوص این‌که آیا از آن شیطان بدنهاد پیروی خواهند کرد یا آنچه را که درخشان و حیاتی جاودانه است برمی‌گزینند، به‌طور واضح بیان کنند. آن‌ها باید اکنون این موضوع را خردمندانه درک کنند. خدایان برای پاکسازی آن از [صحنه] بشریت مصمم هستند. و همچنین، آن واقعاً در طی این چند سال به شیوه‌ای اهریمنی و وحشتناکی مریدان دافا را مورد آزار و شکنجه قرار داده و با اصلاح فا تداخل ایجاد کرده است. بنابراین چرا مردم دنیا لازم است موضع خود را بیان کنند؟ زیرا هر کسی [از سرزمین چین] چیزهایی در ارتباط با دنباله‌روی از آن گفته است. هنگامی که افراد همان‌طور که به عضویت حزب [کمونیست]، اتحادیه [جوانان کمونیست]، یا پیشاهنگان [جوان کمونیست]، درمی‌آمدند قسم خوردند، آن‌ها همه مشت بالا بردند و سوگند یاد کردند که برای تمام عمرشان برای خاطر کمونیست شیطانی مبارزه می‌کنند و حیات‌شان را وقف حزب بدنهاد خواهند کرد. روح شیطانی حزب بدنهاد در حال بهره بردن از این مسئله و مورد آزار و شکنجه قرار دادن آن افراد تا سرحد مرگ است. روح شیطانی مدعی است که آن افراد در گذشته عهد و پیمانی بستند که جان‌شان را برای آن می‌دهند، بنابراین از آن برای آزار و شکنجه افراد استفاده می‌کند. همچنین، عوامل حزب بدنهاد هنوز در افکار و جسم آن‌هایی وجود دارد که به‌وضوح ماهیت آن را نمی‌بینند. بنابراین چگونه می‌توانید ماهیت آن را به‌وضوح نبینید؟ و بعد از این‌که آن کار را انجام دادید، باید آن‌ها را از بین ببرید.

البته، من قبلاً در ارتباط با مسئله حزب شیطانی خیلی صریح نبودم، و این بدین دلیل بود که در آن زمان خواستم به دادن فرصت‌هایی به موجودات ذی‌شعور، شامل روح شیطانی تسخیرشده حزب بدنهاد ادامه دهم. دلیل دیگر این است که در آن زمان، عوامل اهریمنی بیرونی خیلی خیلی زیادی در حال شرکت در تداخل با دافا و آزار و شکنجه مریدان دافا بودند، بنابراین با آن انبوه عظیم موجودات شیطانی متنوع غول‌آسا که به داخل سه‌قلمرو فشرده شدند و در مقابل ما قرار داشتند، بهترین رویکرد

تمرکز بر از بین بردن آنان بود. پس از این که از بین رفتند، نیاز داشتیم کسی را که باعث شد که آن شیاطین پلید در مرحله اول اینجا بیایند شناسایی کنیم. چه کسی آزار و شکنجه فالون گونگ را در دنیا آغاز کرد و در تمام مدت نقش راهنما را ایفاء کرد؟ آن حزب شیاطینی و آن آدم رذل مضحک نوع بشر بود. آن سردسته اهریمنی مضحک، رئیس آن حزب بود، مگر نه؟ تحت هدایت حسادتش، انجام کارهای اهریمنی علیه مریدان دافا را در این دنیا رهبری کرد. آن چیز، که به وجود آمده از یک روح سطح پایین باز پیدا شده به عنوان یک موجود انسانی است، به خودی خودش هیچ چیزی نیست. حسادت او دقیقاً برای روح اهریمنی حزب بدنهاد که از آن استفاده کند مناسب بود. بنابراین آن فرد بد و روح شیاطینی در ارتکاب جرم شریک شدند. آن فرد بد رهبری کردن را پذیرفت، در حالی که روح شیاطینی حزب بدنهاد مجرم واقعی بوده است که خودش را به بدن‌های انسانی چسباند تا مریدان دافا را آزار و شکنجه کنند. و همه عوامل اهریمنی که از فراسوی سه قلمرو پایین آمدند از روح شیاطینی حزب بدنهاد استفاده می‌کردند تا با همدیگر، مریدان دافا را مورد آزار و شکنجه قرار دهند، و در آزار و شکنجه، همه شیاطین در آن درگیر شده‌اند. شما این چیزها را که درباره آن‌ها صحبت می‌کنم می‌دانید. «نه شرح و تفسیر» برای مدتی است که چاپ شده است و شاگردان بسیاری هم‌اکنون در ارتباط با آن بسیار روشن هستند.

وضعیت در طول اصلاح فاسلاً به‌طور پیوسته تغییر می‌کند. فردی زمانی از من پرسید: «استاد، هم‌اکنون به چه مرحله‌ای باید رسیده باشیم؟» و من گفتم: «فقط کاری را که درحال حاضر باید مشغول انجام آن باشید انجام دهید.» اصلاح فاسلاً در کیهان لحظه به لحظه، همان‌طور که صحبت می‌کنیم تغییر نمی‌کند. (حضرار می‌خندند) وقتی در اصلاح فاسلاً لازم است برخی از انواع دگرگونی اتفاق بیفتد، یک موقعیت به‌طور حتم ظاهر می‌شود، اما پیدایش وضعیت جدید، وابستگی‌های خاصی را برمی‌انگیزد که از افکار بشری نشأت می‌گیرد. زیرا این تزکیه انسان‌ها است، وابستگی‌هایی که هنوز وجود دارند تأثیری خواهند داشت. این دلیل آن است که چرا یک احساسی که درست نیست در درون برخی از افراد برخواهد خاست، و آن‌ها حتی دارای ذهنی تیره و مبهم می‌شوند و چیزها را همان‌طور که یک فرد عادی درک می‌کند می‌فهمند. بعد از اینکه «نه شرح و تفسیر» منتشر شد، در مرحله‌ای برخی از شاگردان که درک نکردند، درباره چیزهایی شبیه این که آیا ما درحال سیاسی شدن هستیم درحال صحبت بودند. درحقیقت، افراد بدی که شما را مورد آزار و شکنجه قرار می‌دهند می‌توانند به هر کاری که انجام می‌دهید برچسب «سیاسی شدن» بزنند و هر کاری که انجام می‌دهید می‌تواند تحریف شود، زیرا آن‌ها برای آزار و شکنجه شما مصممانه کوشش می‌کنند، آن‌ها مصمم هستند که کارهای کثیفی را در حق شما انجام دهند. بنابراین از هر چیزی که می‌گویید استفاده خواهند کرد و آن‌را تغییر می‌دهند تا به شما تهمت بزنند، و بدون توجه به اینکه آنچه انجام می‌دهید چقدر خوب است، آن‌ها می‌گویند که شما کار بدی انجام داده‌اید. هنگامی که آزار و شکنجه توسط آن‌ها را افشاء می‌کنید آن‌ها خواهند گفت که شما درحال «درگیر شدن در امور سیاسی» هستید و از آن برای عصبی کردن مردم استفاده کرده و سعی در توجیه آزار و شکنجه خودشان می‌کنند. اجازه ندهید آنچه که آن افراد بد می‌گویند شما را تحت تأثیر قرار دهد. مردم عادی نمی‌توانند تزکیه‌کنندگان را تحت تأثیر قرار دهند. تزکیه‌کنندگان نمی‌توانند توسط مردم عادی تحت تأثیر قرار گیرند. با گذر از میان این همه، شما واقعاً منطقی‌تر شده‌اید. فکر می‌کنم از حالا به بعد هیچ‌یک از عواملی که می‌خواهند با دافا تداخل کنند و موقعیتی را که در آن، مریدان دافا به فا اعتبار می‌بخشند و موجودات را نجات می‌دهند مختل کنند، قادر نخواهد بود مریدان دافا را آشفته سازند. اخیراً، من در بسیاری از کارهایی که مریدان دافا درحال انجام آن هستند اصولاً درگیر نشدم و درباره آن‌ها خیلی کم صحبت کرده‌ام، زیرا شما همگی می‌دانید که اکنون چه کاری باید انجام دهید. کارها را برطبق نحوه پیشرفت اصلاح فاسلاً انجام دهید.

هر فردی برای اعتباربخشی به فاسلاً سفر خودش را دارد. بسیاری از شاگردان گرد هم آمده‌اند و رسانه‌های مختلفی را تأسیس کرده‌اند، و بسیاری از شاگردان شیوه‌های مختلفی را برای اعتباربخشی به فا و نیز شیوه‌های مختلفی برای روشننگری حقیقت و متوقف کردن آزار و شکنجه یافته‌اند. این خوب است که جلو رفته و آن کارها را انجام دهید. من می‌دانم که اخیراً واقعاً به‌خوبی کار کرده‌اید و درحال بهتر و بهتر شدن هستید. استاد حقیقتاً خوشحال است. گاهی اوقات که نگاهی به اینترنت می‌کنم، روزنامه‌ها را ورق می‌زنم یا برنامه‌های تلویزیون را تماشا می‌کنم، همان‌طور که به کارهایی که درحال انجام آن هستید گوش می‌کنم و آن‌ها را می‌بینم، کاملاً تحت تأثیر قرار می‌گیرم. قبلاً به‌ندرت این گونه احساس می‌کردم. اکنون وضعیت خیلی سریع

در حال دگرگون شدن است، و مریدان دافا به بلوغ رسیده‌اند. درستی‌ای که آن‌ها به نمایش گذاشته‌اند واقعاً فوق‌العاده است. شاگردانی که در مهنتن در حال روشنگری حقیقت هستند، به‌ویژه... در هوای یخبندان، تحت شرایط دشوار، زمانی که پس‌انداز و پول بسیار اندک است... آن مریدان دافا بر انواع و اقسام چالش‌ها غلبه کرده و برای روشنگری حقیقت در حال فعالیت هستند، موجودات ذی‌شعور را نجات می‌دهند و به فا اعتبار می‌بخشند. عزم راسخی را که نشان داده‌اند آسمان و زمین را به لرزه درآورده است. همه‌ی خدایان آن‌را دیده‌اند. آن فوق‌العاده است، حقیقتاً فوق‌العاده. البته، همین در برنامه‌ریزی‌های دیگر نیز صدق می‌کند. [به‌عنوان مثال] کسانی هستند که روشنگری حقیقت و اعتباربخشی به فا را در کنسول‌گری‌ها و سفارت‌خانه‌ها یا تحت شرایط مختلف ادامه داده‌اند. بدون توجه به اینکه کجا هستند، مریدان دافا سرشار از نوری درخشان هستند و در حال انجام اعتباربخشی به فا هستند.

همین‌جا به صحبت‌هایم خاتمه می‌دهم. در مدت زمان باقی‌مانده، اگر می‌خواهید درباره چیزی بپرسید، بگذارید طبق معمول آن‌را انجام دهیم (تشویق) - می‌توانید پرسش‌های خود را روی یک برگه کاغذ نوشته و بالا بفرستید، آن‌را جواب می‌دهم. به برخی از پرسش‌هایی که [در حال حاضر] بر اساس موقعیت کنونی دارید پاسخ می‌دهم. اگر پرسش‌هایی دارید، می‌توانید برگه پرسش‌تان را بدهید.

مرید: استاد محترم، لطفاً «پادشاه مقدسی که چرخ را می‌چرخاند» را تشریح کنید. (حضار می‌خندند و تشویق می‌کنند)

معلم: آن شاگردان مان که متون شاکيامونی را خوانده‌اند می‌دانند که در گذشته وقتی شاکيامونی فا را آموزش داد، درباره «پادشاه مقدس چرخ قانون» صحبت کرد، به‌صورت «پادشاه مقدسی که چرخ را می‌چرخاند» نیز شناخته می‌شود. نام پادشاه مقدس که چرخ را می‌چرخاند اغلب در دنیای بشری استفاده شد در حالی که پادشاه مقدس چرخ قانون، عنوانی است که در آسمان‌ها به کار می‌رود.

زمانی بودا شاکيامونی گفت که پادشاه مقدس چرخ قانون تواناترین و قدرتمندترین تاتاگاتا در جهان است. یک بودا تاتاگاتا پادشاه قانون^۱ است. پادشاه یک بهشت بودا یک تاتاگاتا است. ما بر مبنای باورهایی در تزکیه و روشن‌بینی، آن‌را «تاتاگاتا» می‌نامیم. «تاتاگاتا»^۲ به این معنی است که بودا با حقیقت و قدرت انجام هر کاری که بخواهد، آمده است. به همین دلیل مردم دنیا پادشاهان قانون را «تاتاگاتاها» می‌نامند، که راه صحیح دیگری برای درک آن است، چراکه آنها [تاتاگاتاها] درک حقایق در آن سطح را به‌دست می‌آورند، و در میان تمام موجودات قلمروی خودشان، آنها بالاترین هستند و بالاترین حقایق آن سطوح را می‌فهمند. به همین دلیل است که آنها پادشاه قانون هستند، یعنی پادشاهان موجودات در سطحی خاص یا آن گروه از موجودات. البته نسبت به انسان‌ها، موجودات بی‌شماری وجود دارند که تاتاگاتا هستند، که یکی از آنها پادشاه مقدس چرخ قانون است. چرا بودا شاکيامونی به‌طور خاص نام پادشاه مقدس چرخ قانون را آورده است؟ به این علت که پادشاه مقدس چرخ قانون قرار بوده به دنیای بشری بیاورد تا فا را آموزش داده و مردم را نجات دهد. البته ممکن است شنیده باشید که بودا شاکيامونی همچنین گفت مایتریا به دنیای بشری می‌آید و مردم را نجات می‌دهد. در واقع «مایتریا» یک اسم است، و «پادشاه مقدس که چرخ را می‌چرخاند» یک عنوان است - عنوان یک پادشاه - که اگر با اصطلاحات بشری بگوییم، خوب، یک عنوان شغلی است. (معلم می‌خندند) (تشویق)

همانطور که قبلاً توضیح دادم، خدایانی که در سطوح نزدیک به سه‌قلمرو هستند بعد از دوره‌ی زمانی مشخصی باید جایگزین شوند. این عمل جایگزینی باعث ایجاد مشکلی می‌شود، بدین‌گونه که موجودات ذی‌شعور در قلمروهای پایین‌تر، قرار است مفهومی ابدی در خصوص خدایان داشته باشند، اما اگر فرض کنیم یک خدا [مکان خود را] ترک کند و برود و مردم نفهمند کجا رفته است، اگر کسی نمی‌داند، آنگاه این جایگزینی مداوم، موجودات ذی‌شعور در سه‌قلمرو را در وضعیتی آشفته قرار می‌داد. موجودات ذی‌شعور قلمروهای پایین، احساسات (چینگ) دارند، پس سردرگم می‌شدند. موجودات فکر می‌کردند: «برای خدایی که به او ایمان دارم، چه اتفاقی افتاده است؟ او نه، او رفته است. اکنون در غیبت او چه کسی مراقب من است؟» این

مشکلی است که ظاهر می‌شود. بنابراین خدایی که جایگزین شده به مراقبت از افرادی که قرار بود توسط خدای قبلی نجات داده شوند، ادامه می‌دهد. و به خاطر اینکه او جایگزین خدای قبلی شده، او نیز هم‌زمان عنوان خدای قبلی و حتی تصویر او را به خود می‌گیرد. تصویر آنها یکسان نیست، ولی اصولاً یکسان هستند، آنها کاملاً شبیه و همانند هستند. به‌طور بنیادی بگوییم، چیزی که جایگزین شده، عنوان آن خدا یا بودا است. همه بودی‌سات‌وا گوان‌یین را می‌شناسند. خوب آیا می‌دانید چند بودی‌سات‌وا گوان‌یین وجود داشته است؟ اگر آنها کنار هم می‌نشستند جمعیت زیادی می‌شد. او... احتمالاً زمانی طول می‌کشید تا آنها را شمرد! و بودا شاکيامونی چطور؟ - چند عدد از او وجود داشته؟ آن نیز رقم قابل توجهی است. در طول ۲۵۰۰ سال گذشته هزاران عدد از او وجود داشته است. چند بودا آمی‌تابا وجود داشته؟ چند عیسی وجود داشته؟ چند مریم مقدس وجود داشته؟ چند موجود خدایی محترم سرمنشاً وجود داشته؟ آنها نیز از نظر تعداد، جمعیت زیادی هستند. و من در مورد چیزی شبیه بدن‌های قانون آنها صحبت نمی‌کنم یا درباره اینکه آنها مانند خودشان را می‌سازند [صحبت نمی‌کنم]. [از آنجاکه بسیار به سه‌قلمرو نزدیک هستند - و وقتی کسی به سه‌قلمرو نزدیک باشد، احساسات درون سه‌قلمرو، رفتارهایی که موجودات در سه‌قلمرو بروز می‌دهند، و عواملی که از افکار و عقاید افراد مادی می‌آید، مستقیماً دیده می‌شود و مستقیماً به جایی که او قرار دارد منعکس می‌شود - این چیزها با آن خدایان مداخله می‌کنند. آنها خدایانی خارج از سه‌قلمرو هستند و از موجودات ذی‌شعور داخل سه‌قلمرو متفاوتند، اما هنوز هم، وقتی مسائل برای مدت‌زمانی طولانی ادامه می‌یابد برای آنها به‌منزله مداخله است.

می‌دانید، قبلاً اصلی را به شما گفتم؛ فرد هر چه را ببیند داخل مغزش ریخته می‌شود. وقتی چیزهای خوب زیادی وارد شود، او شخص خوبی خواهد بود. و وقتی با چیزهای بد زیادی پر شود، شخص بدی خواهد بود. زمانیکه یک مرید دافا به‌طور مستمر کتاب‌های دافا را می‌خواند، او موجودی از فای درست است، و زمانی که او به‌سوی خدا شدن تزکیه می‌کند پادشاه قانون خواهد شد. خدایان رفتار موجودات ذی‌شعور در سه‌قلمرو را از مکان‌های بالا مشاهده می‌کنند. و اگرچه آنها خدا هستند، اما در طول زمان، آنها نیز به‌طور مشابه تحت تأثیر قرار می‌گیرند. موجودات در سه‌قلمرو، هر چند بسیار با خدایان متفاوتند، اما هنوز می‌توانند آنها را تحت تأثیر قرار دهند. به همین علت است که در زمانی مشخص خدایان نزدیک سه‌قلمرو باید جایگزین شوند. آنها مجبورند که جایگاه خود را ترک کنند و بروند. وقتی آنها جایگاه‌شان را ترک می‌کنند، آن مردمی در پایین که آنها سعی داشتند نجات‌شان دهند، هنوز نام مسیح، بودا شاکيامونی، بودی‌سات‌وا گوان‌یین، [یا هر کسی که هست] را صدا می‌زنند. پس بعد از ترک آن خدا چه اتفاقی خواهد افتاد؟ چه کسی مراقب آنها خواهد بود؟ وقتی یک خدا جایگاهش را ترک می‌کند از اداره کردن هر چه که قبلاً اداره می‌کرد دست می‌کشد. بنابراین قبل از اینکه ترک کند، شخصی را نجات می‌دهد و او را بالا می‌برد و برای اینکه جایگزین او شود، به او همان قدرت فا را می‌دهد، و می‌گذارد که آن فرد نجات‌یافته تصویری همانند او را تزکیه کند، که یک بدنی الهی است؛ و در پایان تصویر آنها شبیه هم خواهد شد. به‌خاطر اینکه خدای قبلی اجازه داده او تصویر خدای قبلی را تزکیه کند، او بسیار به خدای قبلی شباهت دارد. اما عوامل خود او نیز [با آن تصویر] ترکیب می‌شود، بنابراین اگرچه شباهت‌ها بسیار زیاد است اما یک تفاوتی در ظاهر وجود دارد. و تقوای عظیم، برکت، و قدرت‌های الهی آنها تقریباً یکسان هستند. زیرا فردی که جایگزین می‌شود قبل از اینکه بتواند آن کار را انجام دهد باید به آن سطح برسد. این‌گونه نیست که بگوییم نام شما الف است و نام او ب و وقتی شما به آن بالا برسید و کسی از شما بپرسد که چه کسی هستید، بگویید من الف هستم و ب نیستم. به این شکل نمی‌شود. باید بودی‌سات‌وا گوان‌یین باشید، باید عیسی باشید، و باید بودا شاکيامونی باشید، و باید موجود خدایی محترم سرمنشاً بایسید و غیره. نام‌های زمینی شما دیگر نمی‌تواند استفاده شود. پس تمام اینها برای آن است که بگوییم بعد از گذشت مدت‌زمان مشخصی، خدایان جایگزین می‌شوند، هر چند جایگاه الهی، عنوان الهی، و تقوای عظیم آن خدا تغییر نمی‌کنند.

درباره بودا مایتریا، می‌دانید، در دنیای بشری تعداد زیادی بوده‌اند که از عهده آن برآمدند تا از طریق تزکیه، بودا مایتریا شوند. برای نمونه، «راهب [با] کیسه پارچه‌ای» وجود داشت که تا بودا [مقام] مایتریا تزکیه کرد. وقتی در این دنیای بشری بود، همیشه یک کیسه‌ی پارچه‌ای با خود به‌دوش می‌کشید. وقتی برای صدقه‌گدایی می‌کرد، غذاهایی را که دریافت می‌کرد در کیسه می‌ریخت و آن را بر پشتش حمل می‌کرد. راهب کیسه پارچه‌ای اغلب در ناحیه‌ی هانگ‌جو بود. در منطقه جنوب رودخانه

یانگ‌تسه در تابستان هوا تقریباً گرم می‌شود، از این‌رو او دکمه‌های پیراهنش را باز می‌گذاشت، و شکمش معلوم می‌شد؛ و او تا حدودی چاق بود. بنابراین از آن به بعد، بودا مایتریا در منطقه هان در چین به این شکل به تصویر در آمده است. [آنها آن ارتباط را درست کردند] زیرا وقتی به پاری‌نیروانا رسید [و در آستانه ترک کردن این زمین بود]، شعری به جای گذاشت که نشان می‌داد او مایتریا است، [در آن] گفته است «مایتریا، مایتریا، مایتریای حقیقی.» راهبان و دیگران در آن زمان معنی آن را نفهمیدند. آنها فکر کردند او بازپیدا شده مایتریا بود. فکر کردند: «اوه پس راهب کیسه پارچه‌ای واقعاً بازپیدا شده مایتریا بود.» اما در حقیقت، او بازپیدا شده مایتریا نبود. او به‌سوی مایتریا شدن تزکیه کرده بود. و به همین خاطر در بودیسم تبتی، راهبان به‌سوی یک بودای منتخب تزکیه می‌کنند. آنها به‌روشنی نمی‌دانند که دلیل اصلی آن چیست. اما در حقیقت هدف این است. وقتی شخص تزکیه خود را تمام کند، جایگزین خدای قبلی می‌شود. اما همیشه این روح کمکی است که تزکیه کرده و جایگزین می‌شود.

افراد زیادی در طول تاریخ به‌سوی بودا مایتریا شدن تزکیه کرده‌اند. هر یک در حقیقت از یک بهشت آسمانی انتخاب و به پایین فرستاده شدند تا تزکیه کنند. مایتریا جایگاه یک بودا است، و نام فا [برای] یک بودا است. در زمان بودا شاکيامونی، یکی از مریدانش قرار بود به‌سوی مایتریا شدن تزکیه کند، بنابراین بودا شاکيامونی درباره این صحبت کرد که بودا مایتریا در زمان پایان دارما به دنیای بشری پایین می‌آید. اما در واقع او درباره مایتریای آن زمان صحبت نمی‌کرد. او در مورد عنوان یک بودا سخن می‌گفت و اینکه چگونه در آینده یک بودا مایتریا به دنیای بشری پایین خواهد آمد. به عبارت دیگر از آنجاکه آن عنوان یک بودا است، اینکه آن خدای بعدی چه کسی است چیزی نبود که برای مردم دنیا افشاء شود، و نام اصلی او دیگر مهم نمی‌بود. اما امروز با رسیدن به این مرحله از تاریخ، موجودات ذی‌شعور به این آگاه شده‌اند که پادشاه مقدس چرخ قانون و بودا مایتریا قرار بوده به دنیای بشری پایین بیایند و بنابراین ارتباط دقیق بین این دو مهم شده است. اینکه بودا مایتریایی که در این زمان می‌آید چه کسی است، چیزی است که موجودات ذی‌شعور به آن اهمیت می‌دهند. در گذشته انسان‌ها اجازه نداشتند درباره جایگزینی عنوان بودا بدانند، چه رسد به اینکه بتوانند بدانند خدایی که آن جایگاه را می‌گیرد چه کسی است. اما صحبت درباره آن در محیط موجودات آسمانی، در میان مریدان دافا، اشکالی ندارد.

پس به عبارت دیگر، مایتریایی که شاکيامونی درباره‌اش صحبت کرد در حقیقت آن بودا مایتریایی است که به این دنیا پایین می‌آید تا در دوره آخر جهان، در روزهای آخر بشر، مردم را نجات دهد. در واقع برخی در دنیای بشری می‌دانستند- و این به مردم مشرق‌زمین محدود نیست، چراکه برخی در جوامع غربی نیز می‌دانستند- که آن کسی که واقعاً می‌آید مایتریا است. خدایی که آن عنوان بودا را دارد تنها نجات‌دهنده موجودات ذی‌شعور در کیهان است، عالی‌ترین پادشاه پادشاهان در آسمان است، و تحت نام بودا مایتریا، موجودات ذی‌شعور کیهان را نجات می‌دهد. بنابراین، با توجه به اینکه او عنوان بودا مایتریا را استفاده می‌کند، قبل از اینکه به دنیای بشری پایین بیاید چه کسی بوده است؟ او از مکانی حتی بالاتر آمد، در سطوح مختلف بسیاری بازپیدا شد، و همان‌طور که پایین می‌آمد، سطح به سطح، در سطوح مختلف خدایان مختلفی بود و وقتی از سطوح مختلف می‌گذشت عنوان فا در هر یک از آن سطوح را به خود می‌گرفت. و وقتی هنگام پایین آمدن به قلمروی فا رسید، پادشاه مقدس چرخ قانون بود، که به‌صورت پادشاه مقدسی که چرخ را می‌چرخاند نیز شناخته می‌شود. (تشویق)

تحت شرایط عادی، اینکه کسی از سطحی بالا پایین بیاید و مستقیماً جایگزین یک خدای معین شود بسیار نادر است. و اینکه یک خدا در همان سطح مستقیماً جانشین [خدای دیگر] شود نیز به‌ندرت اتفاق می‌افتد. اما اینکه خدایانی یکی پس از دیگری در همان سطح خلق شوند اتفاقی معمول است. این‌طور نیست که حتماً همه خدایان باید از پایین به‌سوی آنجا تزکیه کنند. به عبارت دیگر، بسیاری [از خدایان] در روندی طبیعی، در قلمروهای بالاتر خلق می‌شوند. و از زمان آفرینش سه قلمرو، تعداد آنهایی که به پایین فرستاده شده‌اند و آنهایی که بعداً تزکیه کرده و به بالا برگشتند کم نبوده است. به همین دلیل است که بعدها این عمل کسب جایگزینی عنوان یک بودا یا خدا خیلی معمول شد. پادشاه مقدس چرخ قانون، همان مایتریایی است که در این دوره از زمان پایین می‌آمد تا مردم را نجات دهد. و «مایتریا» یک عنوان بودا شد. شاکيامونی گفت که آن مایتریا که در میان مریدانش بود مقام دستیابی بودی‌سات‌وا را کسب کرد. بنابراین در ذهن مردم، مخصوصاً در میان [معتقدین] مذهبی، این باور شکل گرفت که قبل از اینکه مایتریا به دنیای بشری پایین بیاید به مقام دستیابی «بودی‌سات‌وا» می‌رسد، و وقتی به دنیای

بشری بیاید و وظیفه نجات مردم را به انجام برساند، به مقام دستیابی تاتاگاتا اعتبار می‌بخشد، یعنی مقام دستیابی «بودا». بودا شاکيامونی درباره اصلی کلی صحبت می‌کرد که تحت شرایط عادی اتفاق می‌افتد، به‌جای اینکه کل ماجرای مایتریای، یا یک مایتریای بخصوص را بگوید. به هر حال، بودا شاکيامونی درباره پادشاه مقدس چرخ قانون با جزئیات زیادی سخن گفت و درباره او بسیار صحبت کرد. همان‌طور که می‌دانید، متون بودیستی ۵۰۰ سال بعد از اینکه بودا شاکيامونی دنیای بشری را ترک کرد گردآوری شد. بنابراین همان‌طور که نسل‌های بعدی آنها را منتقل می‌کردند، کم‌کم خیلی از چیزهایی که بودا در آن زمان گفته بود را از دست دادند. زمانی که متون بودیستی نوشته می‌شدند، بیشتر چیزهای ثبت‌شده کلمات اصلی بودا شاکيامونی نبودند. علاوه بر آن، متون کاملاً شرایط و مقتضیات، زمان‌ها، یا مکان‌های آموزش فای بودا شاکيامونی و اینکه او دقیقاً به چه چیزی اشاره می‌کرد را حفظ نکردند. بنابراین گفته‌های او درباره پادشاه مقدس چرخ قانون که به دنیای بشری پایین می‌آید به‌طور کامل ثبت نشده است.

من نمی‌گویم که متون بودیستی شاکيامونی خوب نیستند. در گذشته مردم می‌توانستند با متون او تزکیه کنند، و بوداهایی بودند که از امور مراقبت می‌کردند. اما از آنجا که دنیای بشری دنیایی فاسد و پر از خیانت است، قلمروهای بالاتر این‌طور مقرر کردند که هر فایی که برای مردم دنیا به‌جای گذاشته می‌شود نمی‌تواند کاملاً صحیح باشد. به همین علت است که بیشتر کلمات اصلی بودا شاکيامونی نتوانست در آن زمان حفظ شود. آن‌طور که انسان‌ها بیان می‌کنند، آن «اراده آسمان» بود. آن‌طور که خدایان می‌بینند آن از ملزومات اصلاح فا بود. چرا این‌گونه بود که کلمات اصلی عیسی نیز به همین شکل توسط کسانی که بعداً آمدند از حافظه‌ها گردآوری شد؟ چرا لا‌تودی بعد از یک عمر آموزش داتو فقط ۵۰۰۰ کلمه باقی گذاشت؟ دقیقاً به این دلیل که متون کامل و درست نمی‌توانست برای این دنیای فاسد بماند؛ خدایان بالاتر ممنوع کردند که متون کامل و صحیح برای انسان‌ها باقی بماند. در واقع، متون صحیح برای بشر باقی نمی‌ماند، زیرا اولاً اجتماع بشری اجتماع خدایان نیست و سه‌قلمرو قرار است دنیایی باشد که اصول در آنجا وارونه باشند. باقی گذاشتن متون حقیقی و درست در اینجا توهینی به خدایان است. تنها قلمروی فا و قلمروهای بالاتر از آن، جهان‌های خدایان و بوداها هستند که فای صحیح و متون صحیح را دارند. علت دیگر این است که خدایان هرگز کاری را فقط برای صرفاً یک هدف انجام نمی‌دهند و در نتیجه عوامل بسیار زیادی دخیل هستند. آنها می‌دانستند که علت نهایی برای آفرینش و وجود سه‌قلمرو و نژاد بشر این بود که در نهایت، در اصلاح فا از آن استفاده کرد. آنها نخواستند فایی که آموزش داده بودند برای بشر باقی بماند و بعدها با فای بزرگ اصلی کیهان که در طول اصلاح فا و در پایان آموزش داده می‌شود، مداخله کند. این دلیل اصلی است. وقتی بعد از آن مردم چیزهای خاصی را دوباره به خاطر آوردند و متون را جمع‌آوری کردند موضوعی از این بود که افراد می‌خواستند کاری خوب انجام دهند و در جستجوی خدایان باشند، و آن کاملاً متفاوت است. (تشویق)

شاگرد می‌پرسد: آیا الزاماتی که در جوآن فالون درباره نخوردن الکل بیان کرده‌اید شامل تمام مشروبات و غذاهایی است که حاوی الکل است؟ برای مثال، خوردن آبجو به‌همراه غذا (حاضرین می‌خندند)، خوردن یک کاسه فرنی از برنج تخمیرشده برای صبحانه، یا گاهی خوردن یک تکه شکلاتی که با الکل پر شده در زندگی روزمره‌مان (حاضرین می‌خندند). آیا این چیزها قانون نخوردن الکل را نقض می‌کند؟

معلم: اگر واقعاً درک کرده باشید که تزکیه برای چیست، تمام این چیزها را درک خواهید کرد. اما جامعه امروزه هر چیزی را به آشفتگی کشانده است. حتی وقتی شما الکل نمی‌نوشید چیزهای الکلی وجود دارند که با غذایی که می‌خورید مخلوط می‌شود. بنابراین حتی وقتی هیچ الکلی ننوشیده‌اید هنوز در شکم‌تان الکل دارید. حال که جامعه این‌گونه است، برای اینکه تماماً از آن جلوگیری کنید مجبورید خوردن آن را متوقف کنید، آیا این‌طور نیست؟ همچنین، در اجتماع غربی مسئله رسم و عرف وجود دارد؛ آنها (مخصوصاً فرانسوی‌ها) نوشیدنی‌های الکلی با غذای‌شان می‌خورند، این بخشی از عادت غذایی آنها است. بنابراین وقتی همه این کار را می‌کنند و شما انجام نمی‌دهید، خانواده‌تان ممکن است فکر کند شما کمی عجیب هستید. به همین دلیل است که در گذشته وقتی اشاعه فا را آغاز کردم گفتم که شرایط به این شکل باشد، پس برای شاگردان جدید

نوشیدن یک گیلای کوچک از آن مسئله مهمی نیست. در تزکیه چیزی که اهمیت دارد قلب و ذهن تان است. اما درحالی که یک تزکیه کننده هستید، اگر بخواهید کوشا باشید، تزکیه را بسیار جدی در نظر خواهید گرفت. اگر شخص بتواند حقیقتاً استاندارد بالایی برای خودش قائل شود، سعی خواهد کرد درخصوص این مسائل بهتر عمل کند. اما برعکس، اگر فکر کند که این چیزها مهم نیستند، با خودش سست تر و شل تر خواهد شد، و این گونه [نتایج] متفاوتی دریافت می کند.

حالا که در این موضوع هستیم، کمی درباره خودم صحبت می کنم. می دانید، چند سال پیش استاد به ندرت مدتی طولانی در یک مکان می ماند. زیرا در میان آزار و شکنجه، دسته هایی از موجودات اهریمنی در بعدها دیگر همه جا به دنبال من بودند. عوامل شیطانی بسیاری در آن زمان تمام بعدها سه قلمرو را پر کرده بودند. و آنها افراد بد را به جستجوی من فرستاده بودند تا تمرکز من بر انجام اصلاح فا و از بین بردن موجودات شیطانی را مختل کنند. به همین دلیل است که به طور مستمر در حرکت بودم. در آن زمان اصولاً تمام ساعات روز در ماشین بودم، و روزانه سفر می کردم. در سطری از یکی از شعرهایم نوشتم: «هزاران مایل سفر با ماشین»، در واقع توصیفی است از آن موقعیت. با حرکت مداوم، و با حمایت خدایان و گونگ نیرومند، چیزها از نظر شیاطین مخفی ماند، و آنها مکان مرا پیدا نکردند. تقریباً هیچ کسی نمی دانست کجا هستم. قصد داشتم به سرعت عوامل اهریمنی را پاکسازی کرده و پیشروی اصلاح فا را تسریع کنم، و باید از مداخله با بسیاری از مسائل اصلاح فا جلوگیری می کردم. همزمان با انجام این کار در حال نظاره شاگردان نیز بودم که چگونه عمل می کنند. این باعث ایجاد مشکلاتی در غذا خوردن شده بود. در همه جاهایی که می رفتم رستوران چینی وجود نداشت (همه می خندند)، بنابراین بسیاری از اوقات غذاهای آمریکایی، ژاپنی، کره ای، یا اروپایی می خوردم. تمام غذاها برای من خوب هستند. اما در خیلی از رستوران ها وقتی داخل می شوید و بدون سفارش چیزی برای نوشیدن صرفاً غذا می خورید، صاحب آنجا دلخور می شود (معلم می خندند)، مخصوصاً وقتی صافی طولانی برای نشستن باشد؛ بسیاری از رستوران ها بیشتر سودشان از فروش نوشیدنی است. پس راه حلی یافتم. امروزه آبجوی بدون الکل وجود دارد، بنابراین برای حل این مسئله آبجوی بدون الکل سفارش می دادم. اکنون که این را گفتم، منظورم این نیست که از مثال من پیروی کنید.

صحبت در این باره چیزی را به خاطر آوردم. در تمام این سال ها جنبه ای از فا هست که برای شما مطرح نکردم. در سال ۲۰۰۰ زمانی که آزار و شکنجه واقعاً شدید بود، شاگردان در سرزمین اصلی چین درحال افشای تبلیغات افتراآمیزی بودند که شیطان علیه استاد ساخته بود، و چیزی که یکی از شاگردان گفت در ذهن من مانده است. و این نگرشی است که باید تصحیح شود. آن سردسته شیطان و ح.ک.چ دروغ هایی ساختند و به شاگردان مان گفتند که معلم شان بسیار ثروتمند بوده، و چگونه چنین و چنان آپارتمان های مجللی در پکن و چانگ چون داشته، و اینکه چه سبک زندگی پر تجملی داشته است. زمانی که در چین فا را آموزش می دادم سبک زندگی من در حقیقت کاملاً ساده بود. خوب، یک شاگرد در سرزمین اصلی چین گفت: «استاد ما بهترین است و او این گونه نبوده است. اگر استادمان این گونه بود من از ایشان پیروی نمی کردم.» از [شنیدن] آن غمگین شدم، و بیشتر از هر زمانی درک کردم موجودات الهی پیشین که برای نجات مردم پایین آمده بودند چه سختی ها و دردهایی را متحمل شدند. تزکیه درباره تزکیه خود فرد است - چرا به دیگران نگاه می کنید؟

من به شما تزکیه را آموزش داده ام، اما به این معنی نیست که من نیز مانند شما درحال تزکیه هستم. اگر این گونه می بود، و اگر ما بد شده بودیم، آنگاه شما از تزکیه دست می کشیدید؟ آیا به این شکل عملی می بود؟ در هیچ کجای فایی که آموزش دادم نیامده است که استاد باید مانند تزکیه کنندگان از میان تزکیه طاقت فرسا عبور کند. شیطان مرا مورد حمله قرار داده است زیرا من به جای موجودات ذی شعور رنج می کشم. و وقتی این تزکیه دافا است - که تزکیه افراد مستلزم ترک کردن دنیای مادی نیست و مریدان از انواع و اقسام اقشار هستند - چگونه استاد می تواند مانند همه مریدانش باشد؟ و چرا باید مانند آن شاگردانش که بیشترین کارما یا بیشترین سختی را دارند زندگی کند؟ اگر این طور پیش آید که استادان کارها را متفاوت از شما انجام دهد و شما احساس کنید که آن خوشایند شما نیست، آنگاه قصد دارید از تزکیه کردن دست بکشید؟ آیا این [تصور و عقیده شما که] استادی که شما را نجات می دهد باید مانند مریدانش باشد، نتیجه مسموم شدن با فرهنگ حزب ح.ک.چ نیست؟ آیا موجودات بشری واقعاً می خواهند استادشان، کسی که رستگاری را به مردم عرضه کرده، همراه آنها از میان رنج بشری بگذرد؟ و

فقط آنگاه او را تایید می‌کنند؟ در حقیقت چیزی که می‌خواهم بنا بگذارم و مسائلی که قصد دارم در طول اصلاح فاعل حل‌شان کنم شامل این است که دیگر، موجودات الهی که برای نجات مردم پایین می‌آیند توسط موجودات ذی‌شعور در سه‌قلمرو آزار و شکنجه نشوند. موجودات الهی که مردم را نجات می‌دهند پایین آمده‌اند تا مردم را برهانند، بنابراین نمی‌توانند مانند موجودات بشری باشند. در گذشته آنها مانند چیزی که موجودات بشری تجربه می‌کنند از میان رنج بسیار گذر می‌کردند یا حتی بدتر از انسان‌ها عذاب می‌کشیدند، چراکه نجات مردم سخت بود و آن موجودات الهی کارمای انسان‌ها را به‌دوش کشیده و تحمل می‌کردند. همچنین به این خاطر بود که الگوی خودشان را برای بشر به‌جای بگذارند تا انسان‌ها از آن بیاموزند. آنها با خواست قلبی خود برای خاطر موجودات بشری از میان آن می‌گذشتند تا به آنها بیاموزند که چگونه به‌درستی زندگی کنند. بنابراین آیا موجودات الهی که کارمایی ندارند مجبورند که حتی یک ذره زجر بکشند؟ این کارمای موجودات بشری بود که به آنها فشار می‌آورد.

موجودات الهی که مردم را نجات می‌دهند واقعاً نمی‌توانند با موجوداتی که درحال نجات یافتن هستند یکی درنظر گرفته شوند. فرض کنید کسی درون گودالی از گل و لجن افتاده است: آیا این معقول است که او پیشنهاد مرا برای اینکه او را بیرون بکشم رد کند و بگوید: «شما باید درون گودال بپری و مثل من باشی قبل از اینکه به تو اجازه دهم مرا نجات دهی؟» چنین چیزی نیست. در طول این آزار و شکنجه شیطانی، [فکر کنید] چه تعداد از شاگردان بعد از دیدن، خواندن، یا شنیدن تبلیغات افتراآمیز علیه استاد، سقوط کردند. در گذشته وقتی فا را آموزش می‌دادم اصلی را توضیح دادم. برای اینکه مسئله را روشن کنم [مثالی می‌زنم]، یک چیزی که در فرهنگ حزب ح.ک.چ می‌گویند این است که: «قبل از اینکه دیگران را نصیحت کنید که خوب عمل کنند، باید اول خودتان به‌خوبی عمل کنید.» بنابراین بعد از اینکه برخی کار بدی انجام داده باشند و دیگران آن را به آنها گوشزد کنند، آنها می‌گویند: «تو خودت به‌خوبی عمل نکرده‌ای. به من نگو چه کنم. اگر می‌خواهی به من بگویی که چه کار کنم، خودت اول باید بتوانی به‌خوبی عمل کنی.» دقیقاً مانند عقیده و تصویری که در بالا آوردم، منطق آنها در اینجا به انحراف رفته است. چنین موضوعی وجود ندارد که استادی که مردم را نجات می‌دهد خودش را به‌خوبی اداره نمی‌کند. آن یک باوری نادرست است که از فرهنگ منحرف حزب بدنهاد زاده شده است. به‌عبارت دیگر، این عقیده که یک موجود الهی، بدون توجه به اینکه چه رویکردی برای نجات مردم برمی‌گزیند، باید با موجودات بشری یکسان باشد، به‌هیچ‌وجه درست نیست. موجودات الهی می‌توانند انتخاب کنند که به مردم با کلام‌شان آموزش دهند یا با الگو بودن، اما آن عمل‌شان نتیجه‌بخشندگی و رحمت آنها است، اما مطلقاً به‌خاطر این نیست که مجبور به آن باشند. باید در این مورد روشن باشید. (تشویق) زمانی که شاکيامونی و عیسی بر روی زمین بودند، برای موجودات بشری بسیار رنج کشیدند. اما حقیقت این است که اصلاً مجبور نبودند این کار را بکنند. آن به‌علت کارمای عظیمی بود که آنها به‌جای موجودات بشری تحمل کردند، و به‌علت این حقیقت که چیزهای مرتبطی وجود داشت که به‌وسیله‌ی فای قلبی کیهان نمی‌توانست هماهنگ شود. آن دربرگیرنده‌ی این بود که در میان انسان‌ها برای صدقه‌گدایی کنند و مورد بدرفتاری و آسیب آنها قرار بگیرند، حتی تا حدی که کل زندگی‌شان سخت بود. همه‌ی شما باید در این باره روشن باشید.

برگردیم به چیزی که اول می‌گفتم، اگر چیزی الکی در غذای‌تان یا در یک تکه شکلات باشد، موضوع مهمی نیست. اما اگر استاندارد بالایی برای خود در نظر داشته باشید در موقعیت‌های این‌چنینی بهتر عمل خواهید کرد. این‌طور نیست که شاگردان جدید و شاگردانی که فا را زیاد مطالعه نکرده‌اند فقط به‌خاطر این چیزها خوب در نظر گرفته نشوند. خودتان آن را بسنجید. فا درباره این موضوع آموزش داده شده است، و استاد به شما آموخته است که در تزکیه تا حد امکان با جامعه مردم عادی تطابق داشته باشید. هر چند، مثل همیشه کسانی هستند که [برای خود] تعیین کرده‌اند که کوشاتر [از سایرین] باشند و استانداردهای بالاتری برای خودشان قائل باشند. این چیزی است که تفاوت‌های [بین افراد] محسوب می‌شود. اگر شما به‌عنوان یک تزکیه‌کننده‌ی دافا، بگویید که مجبورید الکل بنوشید، پس یک وابستگی دارید.

شاگرد: اصلاح فای هر چیزی در کیهان به مرحله آخر رسیده و تاریخ در حال وارد شدن به دوره‌ای جدید است، اما حالت احترام گذاردن ما به استاد یک‌دست نشده است. (حاضرین می‌خندند)

معلم: منظورتان نحوه احترام به استاد است؟ در واقع از همان ابتدا که آموزش فا را شروع کردم این موضوع را روشن ساختم که مردم به هر شکلی می‌توانند مرا مورد خطاب قرار دهند: شما می‌توانید مرا به نامم صدا بزنید، به من بگویید معلم، مرا استاد بنامید - همه خوب است. استاد برای این چیزها سخت‌گیر نیست. اما اگر شما یک مرید حقیقی دافا هستید، نمی‌توانید مستقیماً مرا با نامم مورد خطاب قرار دهید. اگر مردم عادی مرا به نامم صدا بزنند اشکالی ندارد - آنها می‌توانند هرطور که بخواهند مرا صدا بزنند. اما مریدان دافا باید مرا «استاد» یا «معلم»، و غیره بنامند. این به خودتان بستگی دارد، و هرطور که بخواهید می‌توانید مرا مورد خطاب قرار دهید. اما مطمئن شوید که مرا «بودا» مورد خطاب قرار نمی‌دهید. چرا که هر چه باشد، استاد با بدنی بشری در حال آموزش فا است و با استفاده از شکلی بشری شما را نجات می‌دهد، او در این دنیا با بدنی بشری ظاهر شده است. یک بدن بشری نمی‌تواند یک بودا نامیده شود. بودا نامیدن یک بدن بشری بی‌حرمتی به بوداها است. آنگاه برخی از شاگردان ممکن است فکر کنند: «من در قلبم می‌دانم شما چه کسی هستید.» خوب، پس این دانستن شما در قلبتان است (حاضرین می‌خندند، تشویق می‌کنند)، و در قلبتان هر چه بخواهید مرا صدا بزنید اشکالی ندارد.

مرید: مریدان دافا از چنگدو و نان‌چونگ استان سیچوان بالاترین درودشان را می‌فرستند و مایلند سلام و احترام‌شان را به استاد برسانند. استاد، برای آن مردمی که در مناطق کوهستانی دور هستند و دسترسی به اطلاعات ندارند باید چه کار کنیم؟

معلم: از مریدان دافا از نان‌چونگ سپاسگزارم. آن مسئله‌ای نیست. بیایید فراموش نکنیم در مورد بسیاری از چیزها، آیا بدن‌های قانون استاد وجود ندارند؟ و بسیاری از خدایان نیز هستند که در حال ایفای نقشی مثبت و کمک کردن هستند. بیشتر اینکه مریدان دافای زیادی در سرزمین اصلی چین وجود دارند، و آنها کارهای زیادی انجام خواهند داد. حتی اگر آن افراد واقعاً به اطلاعات دسترسی نداشته باشند، هنوز راه‌هایی برای اداره کردن مسائل وجود دارد. و اگر آنها واقعاً از قلم بیفتند، آنگاه راه‌هایی هست که به آن رسیدگی شود. اما در حقیقت آنها از قلم نخواهند افتاد. آیا می‌دانستید بعد از اینکه نه شرح و تفسیر بیرون آمد، تنها در عرض یک ماه تمام چین در مورد آن مطلع شد؟ از آنجاکه آنها برای تمام مردم هستند - مخصوصاً مردم چین - هر کسی مطمئناً یک فرصت خواهد داشت. (تشویق) برخی از روستاهای دور وجود دارد که واقعاً جدا افتاده هستند، اما خدایان به توزیع آنها کمک می‌کنند. و همان‌طور که آنها پخش می‌شوند مردم به سرعت از آنها آگاه می‌شوند، زیرا در این زمان بسیار حساس هر کسی باید موضع خود را مشخص کند.

مرید: برای بسیاری از مردم در سرزمین اصلی چین، مخصوصاً ۶۰ میلیون عضو ک.ک.ج، به‌طور آشکار دیدن سرشت شرور حزب شیطان و خروج کامل از آن، مدت‌زمانی طول می‌کشد. وقتی زمان ملغی شدن و محو شدن حزب بدنهاد شروع شود، چه بر سر مردمی می‌آید که آنگ آن جانور بر پیشانی‌شان است؟

معلم: وقتی خدایان شروع به انجام کاری می‌کنند قطعاً همه چیز را در نظر می‌گیرند، و به همه فرصتی برابر داده خواهد شد. همان‌طور که در آینده می‌بینید، غیرممکن است که شخصی برود بدون اینکه در طول این دوره اصلاح فا و در این زمان که دافا به‌طور عمومی اشاعه می‌یابد، درباره این [دافا] نشنود. وقتی مردم دنیا سعی می‌کنند از مورد آزار و اذیت واقع‌شدن اجتناب کنند و می‌گویند هرگز درباره دافا نشنیده‌اند، این حقیقت ندارد. البته این دوره زمانی که مریدان دافا در حین اعتبار بخشی به فا تزکیه می‌کنند، متفاوت است، و این‌طور نیست که همه بتوانند مرید دافا شوند. اما این امری مهم است که شامل دقیقاً هستی موجودات ذی‌شعور می‌شود؛ حتی هستی سه‌قلمرو به‌خاطر اصلاح فا است. اگر نجات تمام موجودات - چیزی به این مهمی - به تک‌تک افراد روی زمین اطلاع داده نشود، اگر پس از اینکه هر چیزی گفته و انجام شد، به موجودات ذی‌شعور اطلاع داده نشود، آنگاه من، یعنی کسی که اصلاح فا را اداره می‌کند، قطعاً نمی‌گذارم از زیر مسئولیت شانه خالی کنند. (تشویق) همه مردم در این باره آگاه خواهند شد، حتی یک فرد نیز از قلم نخواهد افتاد. و بنابراین انتخاب در دستان خود آنها است، و موضوع حیاتی، این

است. تمام سه‌قلمرو، سال‌های بسیار طولانی تاریخ و موجودات ذی‌شعور درون سه‌قلمرو همگی برای این خلق شدند، بنابراین مردم/امروزه چگونه می‌توانند جا بمانند؟ آن غیرممکن است. فکر نمی‌کنم [چیزی که توصیف کردید] مسئله‌ای باشد.

مرید: استاد محترم، اخیراً برخی از شاگردان موادی را از بعدهای دیگر احساس کرده‌اند که به‌سختی آنها را تحت فشار قرار داده است. آیا این مربوط به وضعیت اصلاح فا است؟

معلم: چندی پیش تعدادی از شاگردان سرفه می‌کردند، و برخی از شاگردان واکنش‌های غیرعادی خاصی داشته‌اند، به‌خصوص در دوره بعد از انتشار نه شرح و تفسیر. آن کار عواملی است که در بدن‌های مردم منزل کرده و متعلق به روح شیطانی حزب بدنهاد است. زمانی که افکار درست می‌فرستید باید آنها را از بین ببرید. آنها نمی‌توانند بیشتر از این تأثیری بر مریدان دافا بگذارند، اما مداخله می‌کنند. اساساً تمام مداخلات اخیر، شامل انواع دیگری از مداخلات، نتیجه کار آن عوامل شیطانی است.

عوامل شیطانی که در تاریخ ۲۰ ژوئیه ۱۹۹۹ از خارج به درون سه‌قلمرو به‌پایین فشرده شدند، تا درجه‌ای پاکسازی شده‌اند که اصولاً مقدار کمی باقی مانده است. قبل از اینکه نیروی عظیم اصلاح فا به این بُعد سطحی برسد، هنوز عواملی اینجا خواهد بود که از قبل توسط نیروهای کهن به‌وجود آمده، همراه با عواملی از روح شیطانی حزب پلید، کارهای شیطانی انجام می‌دهند. اما از آنجاکه در این بعد، گونگی وجود دارد که پیش از این به‌جای گذاشته، و برخی خدایان صالح وجود دارند، همراه با مریدان دافا و عوامل خوب‌شان، آنها اکنون عوامل شیطانی‌ای که مریدان دافا را مورد آزار و اذیت قرار می‌دهند تا مرحله‌ای پاکسازی کرده‌اند که حتی یک بخش از ۱۰۰ میلیون بخش نیز باقی نمانده است - تعداد زیادی از شیاطین نابود شده‌اند. چیزی که اکنون در بعد سطحی باقی مانده تنها هشت یا نه درصد از چیزی است که قبلاً اینجا وجود داشت. (تشویق) و عوامل روح شیطانی حزب بدنهاد در سطح وسیعی درحال نابود شدن هستند و اخیراً به‌طور خاص به‌سرعت پاکسازی شده‌اند. آنها در بعدهای دیگری که اصلاح فا در آنجا کامل شده است، پاکسازی شده‌اند. [چیز باقی‌مانده] در بُعد سطحی اکنون حتی یک ده‌هزارم کل مقداری که قبلاً وجود داشتند هم نیست، و آن تنها حدود هفت درصد از بُعد سطحی به‌حساب می‌آید. میدانی که دافا در این دنیا به وجود آورده چهل‌وپنج درصد از چیزی است که باید این بُعد را پر کند. اگر به تناسب آن نگاهی بیندازید [خواهید دید که] عواملی که به‌وسیله نیروهای کهن در بعد سطحی باقی‌مانده، اهریمنان فاسد، و روح شیطانی حزب بدنهاد در مجموع پانزده درصد محسوب می‌شود، درحالی که میدانی که دافا در این بعد بنیان نهاده، چهل‌وپنج درصد را پر می‌کند - و حتی تأثیر خود مریدان دافا در آن محسوب نشده است. وقتی تمام عوامل شیطانی که مریدان دافا را مورد آزار و اذیت قرار می‌دهند با هم جمع کرد، آنها فقط پانزده درصد هستند. این به ما می‌گوید که در طول این زمان، قبل از اینکه نیروی عظیم اصلاح فا وارد سطح شود، عوامل دافا چهل‌وپنج درصد از میدان بعدی این سطح را پر می‌کند، یعنی جایی که موجودات بشری هستند، و آن حتی شامل خود مریدان دافا نمی‌شود.

مرید: لطفاً درباره چگونگی ایجاد تمایز بین تزکیه‌مان و شغل‌مان صحبت کنید. بسیاری از پروژه‌های ما هم اکنون در اداره خود با چالش‌هایی مواجه هستند.

معلم: اگر آن چیزی باشد که شامل کار مریدان بر روی اعتباربخشی به فا است، پس آن [روند] به‌خودی خود تزکیه است. اما شما نمی‌توانید مطالعه فا را با کار دافا جایگزین کنید - این‌گونه نمی‌تواند انجام شود. آیا به شما نگفتم که باید سه کار را انجام دهید و همگی آنها را به‌خوبی انجام دهید؟

خارج از سرزمین اصلی چین برخی شاگردان، رسانه‌ها و نهادهای شرکت‌مانندی برپا کرده‌اند که هدفش اعتباربخشی به فا است و آنها را به شیوه‌ای مدیریت می‌کنند که شرکت‌های عادی اداره می‌شوند. و هیچ مشکلی در این رابطه وجود ندارد، فکر نکنید که این اشتباه است. اگر چیزی نتواند به شیوه‌ای عادی اداره شود پس شاید آن برای اعتباربخشی به دافا خوب نباشد. اداره کردن یک رسانه، برپا کردن یک شرکت و غیره - این شکل‌ها در اجتماع بشری وجود دارد. موجودات بشری رویکردی اسلوب‌دار برای مدیریت امور برمی‌گزینند و مریدان دافا می‌توانند از آن یاد بگیرند، و شما نمی‌توانید بگویید این اشتباه است. اما برای یک

دوره زمانی خاص قبل از اینکه شرکت به طور کامل بتواند به شکلی عادی عمل کند، چالش‌هایی وجود خواهد داشت. اما به تدریج باید به مرحله‌ای برسید که آن واقعاً به شکل یک شرکت اداره شود، و به این شیوه می‌تواند نقش مؤثرتری به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در اعتباربخشی به فا ایفا کند. بنابراین فکر می‌کنم باید بهترین سعی خود را بکنید تا با دیگران همکاری کرده و امور را به‌خوبی هماهنگ کنید. وقتی چیزی به اعتباربخشی میدان دافا به فا منفعت می‌رساند، باید بهترین سعی خود را بکنید تا آن را به‌خوبی انجام دهید.

مرید: تعدادی از افراد خانواده من که تزکیه نمی‌کنند نمی‌توانند درک کنند چرا نه شرح و تفسیر منتشر شده است. این کوتاهی‌هایی در تزکیه من، مریدان، در گذشته را منعکس می‌کند. چگونه می‌توانم این نوع از مداخله را پاک کنم؟

معلم: حتی اگر اعضای خانواده شما قبلاً چیزها را درک کردند، آن در سطحی ظاهری بود. شما به آنها کمک نکردید تا واقعاً حقیقت را درک کنند.

از زمانی که نه شرح و تفسیر منتشر شد، یک موضوعی که اتفاق افتاد این بود که [برخی از شاگردان] بیانیۀ کناره‌گیری از حزب را از جانب اعضای خانواده‌شان صادر کردند. وقتی تعدادی از اعضای خانواده امتناع کردند، [این شاگردان می‌گفتند:] «تو نمی‌توانی امتناع کنی! قصد داریم که نماینده تو باشیم و تو را از حزب خارج کنیم.» (حضار می‌خندند) در حقیقت، اگر آنها از این کار امتناع کنند آن واقعاً به حساب نمی‌آید. شما می‌توانید از جانب دیگران این کار را انجام دهید، اما آنها باید موافق آن باشند و اگر راضی به این کار نباشند آن به حساب نمی‌آید. حتی خدایان باید به انتخاب‌های یک شخص نگاه کنند. این نشان می‌دهد که خیلی از شاگردان به‌خوبی عمل نکرده‌اند، به‌طور کافی انجام نده‌اند یا اینکه در روشننگری حقیقت برای خانواده‌شان موفق نبودند. آیا می‌دانید بزرگترین دلیل آن چیست؟ آن به این خاطر است که شما آنها را خانواده خود می‌بینید به‌جای اینکه آنها را عضوی از موجودات ذی‌شعور ببینید یا صرفاً مانند همه موجودات مستقل دیگر. شما باید به‌طور جدی و با دقت حقیقت را برای اعضای خانواده‌تان روشن کنید، همان‌گونه که برای سایر مردم دنیا این کار را انجام می‌دهید. وقتی آنها را به‌عنوان اعضاء خانواده در نظر می‌گیرید و آن را جدی نمی‌گیرید نتایج آنقدرها خوب نخواهد بود. یا اگر فکر کنید: «او عضو خانواده‌ام است، پس من می‌توانم نماینده او باشم»، این‌گونه عملی نیست. حتی شکل‌گیری سه‌قلمرو برای اصلاح فای امروز بوده است، بنابراین مردم نمی‌توانند چیزی به این عظمت را سرسری بگیرند. آیا هر موجودی این قدر ساده است؟ در لحظه بحرانی، آیا هیچ موجودی هست که بتواند کاملاً نماینده فرد دیگری باشد؟ آیا هیچ موجودی هست که بتوان او را از فرصت انتخاب آینده خودش منع کرد؟ در آن لحظه بحرانی، تمام موجودات باید تصدیق کنند که چگونه هستند. بنابراین اگر در خانواده‌تان چنین سناریویی دارید [که تشریح کردید]، بنابراین باید با دقت حقیقت را روشن کنید. شما می‌توانید به نمایندگی از اعضاء خانواده‌تان به‌جای آنها هر کار معمولی را انجام دهید، اما وقتی نوبت به چیزی می‌رسد که شامل آینده یک موجود است - چیزی این قدر مهم - هیچ کسی نمی‌تواند دیگری را نمایندگی کند. اگر واقعاً می‌خواهید اعضاء خانواده خود را نجات دهید، پس حقیقت را همانطور که برای مردم دیگر روشن می‌کنید برای آنها روشن کنید. زیرا جنبه آگاه‌شان همه چیز را می‌داند، «در این زندگی شما عضو خانواده من هستی، اما در زندگی بعدی چه کسی می‌داند ما با چه کسانی نسبت خواهیم داشت. تنها در این دوره زندگی، رابطه ما با هم مقدر شده است.» درست مانند اقامت در یک مسافرخانه است: شما به‌طور موقت برای یک شب آنجا منزل می‌کنید و روز بعد راه‌تان از هم جدا می‌شود. چه کسی می‌تواند جای دیگری را بگیرد؟ واقعاً به این صورت است.

مرید: چگونه می‌توانیم در آفریقا به دادخواهی علیه افراد سرور کمک کنیم تا به سمت بهتر شدن حرکت کنیم؟ هم اکنون مداخله مداومی وجود دارد. در اصلاح فا، نقش دادخواهی علیه جیانگ در آفریقا چیست؟

معلم: تمام این کارهایی که انجام داده‌اید را تأیید می‌کنم و شما کار بزرگی انجام داده‌اید. می‌گویم که کارهای باشکوه زیادی در آفریقا انجام دادید که موجب غافلگیری و ترسیدن شیطان و افراد بد شده است، به مردم دنیا کمک کرد تا سرشت شیطان را ببینند و اثر خوبی بر نجات موجودات ذی‌شعور داشت. آنها کارهایی هستند که باید انجام شوند، و شما آنها را بیهوده

انجام نداده‌اید. اینکه چگونه کارها را حتی بهتر انجام داده و چگونه کارها را به پیش برد، آن هنوز به شما بستگی دارد. و آن میزانی که کارها را انجام می‌دهید نیز به شما بستگی دارد. در واقع، تاجایی که به هر تزکیه کننده مربوط می‌شود، شما همگی در مسیری قدم بر می‌دارید که باید خودتان آن را برگزینید. و شما آن کارها را بسیار خوب انجام داده‌اید. بعضی اوقات وقتی به چیزهایی که انجام داده‌اید نگاه می‌کنم حقیقتاً می‌خواهم بگویم «آفرین!»

مرید: یکی از اقوام من عضو حزب [کمونیست] است و در سرزمین اصلی چین زندگی می‌کند. او نمی‌خواهد از حزب بیرون بیاید. بارها تلاش کرده‌ام او را متقاعد کنم اما او از گوش کردن امتناع می‌ورزد. زمانی که پاکسازی صورت گیرد، آیا او زندگی‌اش را از دست می‌دهد؟ (حاضر می‌خندند)

معلم: (معلم می‌خندند) اینکه کسی پاکسازی شود یا نشود، نگه داشته شود یا نشود، این چیزها متعلق به مرحله بعد است. در حال حاضر ما باید فقط به نجات مردم فکر کنیم. وابسته بودن به چیزی که در آینده اتفاق می‌افتد خوب نیست، چراکه وقتی اصلاح فا به اینجا برسد آن استانداردهای خودش را [برای قضاوت] دارد. اما مطمئناً یک چیز هست: مهم نیست ما چه کار می‌کنیم، بخش بزرگی از مردم دیگر قابل نجات نیستند. در میان آنها ممکن است کسانی باشند که نمی‌خواهند به حقیقت گوش کنند، کسانی که وقتی حقیقت گفته می‌شود از شنیدن امتناع می‌ورزند، و کسانی که نمی‌خواهند نه شرح و تفسیر را بخوانند. این انتخاب آنها است. شما کاری که باید انجام دهید را انجام داده‌اید. مریدان دافا درحالی که در معرض شیطانی‌ترین آزار و شکنجه هستند، هنوز درحال نجات موجودات ذی‌شعور هستند و بر انواع و اقسام چالش‌ها فائق می‌آیند تا به مردم درباره حقایق بگویند. اما برخی از افراد نمی‌خواهند گوش دهند. و بیشتر اینکه، مریدان دافا درحال نجات مردم هستند درحالی که تحت آزار و شکنجه قرار دارند. خوب، عدم تمایل مردم به گوش دادن یا خواندن [درباره حقیقت] نیز راهی است که بدین‌وسیله مردم انتخاب خود را انجام می‌دهند. اگر آنها نخواهند نجات یابند پس ما انتخاب دیگری نداریم به جز اینکه بگذاریم با حزب بدنهاد بروند.

مرید: من قبل از اینکه تزکیه را شروع کنم شغلی نداشتم و از آن زمان کار نکرده‌ام. از زمانی که تزکیه را شروع کردم اوقات فراغت زیادی داشتم تا فا را اشاعه دهم. آیا این مطابق با روش تزکیه ما که باید در هماهنگی با جامعه عادی باشد، هست؟ آیا من باید به دنبال یک شغل باشم؟

معلم: اگر خانواده شما هیچ مشکل مالی ندارد و سختی‌های دیگری هم ندارد پس آن به خودتان بستگی دارد که کار کنید یا نکنید. و آن هیچ ربطی به این ندارد که شما از راه تزکیه‌مان خارج باشید. می‌دانم که تعدادی از شاگردان پول زیادی قرض کرده‌اند و هنوز هم سر کار نمی‌روند، می‌گویند «آنقدر در اعتباربخشی به فا مشغول هستیم» که نمی‌توانند کار کنند. آنها توانایی بازپرداخت پولی که قرض کرده‌اند را ندارند، و هم چنان به قرض کردن بیشتر ادامه می‌دهند. این یک مشکل است. آیا به این اصل فا که استاد درباره التزام به بازپرداخت بدهی‌ها آموزش داده‌اند، فکر کرده‌اید؟ اگر شما تزکیه را برگزیده باشید یا به کمال رسیده باشید، اما وقتی می‌خواستید ترک کنید یا به کمال برسید و یک خدا شوید هنوز قرض‌های‌تان را نپرداخته بودید، چه کسی آن را می‌پرداخت؟ حتی اگر به یک مرید دافا بدهکار باشید، هنوز هم غیرقابل قبول است. البته وقتی برخی شاگردان می‌گویند: «من نمی‌خواهم آن را برگردانم. آن هدیه به شما باشد»، آن موضوع دیگری است. پس آن یک هدیه است، و آن متفاوت از مفهوم بدهکار شدن است. شما نمی‌توانید به افراط بروید. شاید فکر کنید: «از آنجاکه اعتباربخشی به فا به‌رحال به‌زودی پایان خواهد یافت نیازی نیست قرضی که به شما بدهکارم را بپردازم، زمانی که وقتش فرا برسد همه چیز تمام خواهد شد. و همه چیز به سرانجام خواهد رسید.» (حاضر می‌خندند) چگونه می‌تواند به این شکل باشد. آیا این فکر درست است؟ این بی‌مسئولیتی است. آیا نگفتم که یک مرید دافا باید شخص خوبی باشد، در هر شرایطی باید شخص خوبی باشد. بیشتر مریدان دافا هم شغل‌شان را انجام می‌دهند و هم به فا اعتبار می‌بخشند. البته اگر نیازی ندارید کار کنید، مشکلات مالی ندارید، و نگرانی ندارید که وقتی کارها را انجام می‌دهید خانواده‌تان سخت تحت تأثیر قرار گیرند، پس آن متفاوت است. هر کسی خانواده و محدودیت‌های اجتماعی و خانوادگی دارد، و هر کسی درحال تزکیه خود در این اجتماع بشری است و درحال اعتباربخشی به فا

در این دنیای مادی است. چرا باید شما [که قرض‌های‌تان را نمی‌پردازید] کاری انجام دهید که از الزامات فادور شوید. البته اگر کسانی که شما به آنها بدهکار هستید بگویند که به پول‌شان نیازی ندارند یا خانواده‌تان محتاج کار کردن شما نباشند، پس آن موضوع دیگری است و البته مشکلی نیست.

مرید: استاد لطفاً برایمان معنی عمیق‌تر «چرخاندن چرخ به‌سوی دنیای بشری» را شرح دهید.

معلم: «چرخاندن چرخ به‌سوی دنیای بشری» - پس آن کدام چرخ است که چرخانده می‌شود؟ البته آن چرخ قانون (فالون) است. (تشویق) آیا چرخاندن چرخ قانون به‌سوی دنیای بشری، انجام اصلاح فاد به‌سوی دنیای بشری نیست؟ معنای آن این است. (تشویق)

مرید: از زمانی که این متن استاد «چرخاندن چرخ به‌سوی دنیای بشری» منتشر شد، برخی از مریدان فکر کرده‌اند که این متن برای مریدان است که بخوانند، درحالی که دیگران فکر کردند آن باید در روزنامه‌ها پخش شود تا اینکه مردم عادی نیز بتوانند آن را بخوانند. من مطمئن نیستم چگونه آن را باید اداره کرد.

معلم: این اشکالی ندارد که اجازه دهیم مردم عادی نیز آن را بخوانند. در میان مردم عادی، کسانی هستند که آگاهند و کسانی که می‌توانند آن را درک کنند. اما قطعاً در میان آنان مردم سرگردانی نیز هستند که نمی‌توانند آن را درک کنند. بنابراین ممکن است اثر منفی داشته باشد. جامعه بشری اکنون این‌گونه است. بنابراین وقتی به مسائل خاصی می‌رسد، در میان خودتان درباره آنها بحث و گفتگو کنید. آن مانند چاپ عکس استاد در روزنامه است: از آنجا که معلم گفت می‌توانید آن کار را انجام دهید، آن کار را انجام دادید، و مسئله‌ای نبود. اما نمی‌توانید نوشته‌ها و آنچه را که گفته‌ام بر روی فلایرها چاپ کرده و آنها را توزیع کنید. شما باید این کارها را تا آنجا که امکان دارد خردمندانه انجام دهید. مسئول بودن نسبت به فاد و نجات موجودات ذی‌شعور، مسئول بودن نسبت به خودتان است.

مرید: در اجتماع غربی بعضی مردم عادی وجود دارند، مخصوصاً پروفیسورها و اساتید دانشگاه‌ها، که به‌شدت به مطالعه کمونیسم شیطانی و مارکسیسم - لنینیسم شیطانی علاقه دارند. اما این مردم عضو حزب بدنهاد در چین نیستند. استاد لطفاً به ما بگویید چگونه باید به این مردم عادی کمک کنیم.

معلم: نه شرح و تفسیر را به آنها نشان دهید و بپرسید: «چگونه مطالعه ما از مطالعه و تحقیق شما پیشی گرفته است؟» (تشویق) مگر نه؟ ما از آن جامعه آمده‌ایم و این مطالعه و تحقیق ما است، که برآمده از تجربیاتی دست اول است. بیایید ببینیم تحقیق چه کسی کامل‌تر و دقیق‌تر است، و به‌تفصیل درباره آن صحبت کنیم. (استاد می‌خندند) (تشویق)

مرید: من ماه گذشته فاد را کسب کردم. استاد متشکرم که با رحمت مرا نجات دادید. پس از اینکه فاد را کسب کردم خیلی زود در کار دافا شرکت کردم، و بعضی اوقات آنقدر مشغولم که هیچ زمانی برای انجام تمرین‌ها پیدا نمی‌کنم. خیلی بابت این ناراحت هستم. استاد، لطفاً دوباره به ما بگویید چگونه یک شاگرد جدید می‌تواند مسیر تزکیه خودش و اعتباربخشی به فاد را به‌خوبی طی کند.

معلم: هیچ راه میانبری برای هیچ یک از شاگردان در تزکیه وجود ندارد، و آن برای شاگردان جدید نیز صدق می‌کند. تنها محکم و استوار تزکیه کنید و سه کاری که مریدان دافا باید انجام دهند را به‌خوبی انجام دهید. آن چیزها شاید معمولی به نظر بیایند، اما تمام تقوای عظیم شما، و هر چیزی که مریدان دافا در آینده کامل خواهند کرد، از این کارها می‌آیند. نگران نباشید، به افراط نروید. همه چیز را به‌طور معمولی و خردمندانه انجام دهید. به این شکل است که باید تزکیه کنید. «هرجا اراده‌ای وجود داشته باشد، راهی وجود دارد. [خواستن توانستن است.]»

مرید: شاگردان غربی چگونه باید به کناره‌گیری از حزب نگاه کنند. آیا شاگردان غربی که قبلاً در سرزمین اصلی زندگی می‌کردند توسط روح شیطانی حزب کمونیست تحت تأثیر قرار گرفتند؟

معلم: بعضی‌ها بله و بعضی‌ها خیر. زمانی که غربی‌ها به چین می‌روند خیلی از آنها لزوماً عضوی از حلقه‌های مردم چین نمی‌شوند، بنابراین بسیاری از آنها تحت تأثیر قرار نمی‌گیرند. اما تعداد بسیار کمی هستند که سعی کرده‌اند به درون حزب بدنهاد راه یابند. اما در ارتباط با مریدان دافا، [روح شیطانی حزب] آنها را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد، هر جا که باشند.

مرید: درود استاد! من هم اکنون از حزب بیرون آمده‌ام. اما شهریه حزب به‌طور خودکار از حقوق ماهیانه‌ام کسر می‌شود. درباره آن باید چه کار کنم؟ (حضار می‌خندند)

معلم: آن را دزدیِ فرقه شیطانی در نظر بگیرید. (حضار می‌خندند و تشویق می‌کنند) این مسئله‌ای نیست.

مرید: برخی از شاگردان می‌خواهند به خویشاوندان یا اعضای خانواده‌شان که در گذشته‌اند کمک کنند که از حزب بیرون بیایند آیا ضرورتی به انجام این کار هست؟

معلم: اشکالی ندارد. مشکلی در آن مورد وجود ندارد، چراکه از این دنیا رفته‌اند و نمی‌توانند بیایند و از/یک تایمز بخواهند تا اظهاریه آنها را چاپ و منتشر کنند یا به صورت آنلاین منتشر کنند، مگر نه؟ (حضار می‌خندند) (تشویق) پس بله می‌توانید این کار را انجام دهید. و آیا این تفاوتی ایجاد می‌کند؟ بله می‌کند. (تشویق)

مرید: برخی از مریدان خارج از چین برای خروج از حزب از نام مستعار استفاده می‌کنند آیا آن مشابه وقتی است که از نام اصلی خود استفاده می‌کنند، یعنی، درخصوص باور درست‌شان، افکار درست‌شان و اعمال درست‌شان؟

معلم: مشابه هم هستند. همان‌طور که قبلاً گفتم، استفاده از نام مستعار اشکالی ندارد، چراکه خدایان به قلب مردم نگاه می‌کنند. اما انجام آن به‌صورت رسمی [کناره‌گیری علنی] می‌تواند در جامعه بشری الهام‌بخش مردم باشد و برای نجات مردم الزامی است.

پرسش: چگونه باید خرد خود را به کار گیرم و از رسانه تلویزیون یا سینما استفاده کنم تا بتوانیم بهتر راه خود را در میان جریان اصلی جامعه باز کنیم؟

معلم: اگر چنین مهارت‌هایی دارید پس بروید آن را انجام دهید. استفاده از چنین رویکردهایی برای اعتباربخشی به فاش‌افشاء کردن آزار و شکنجه و نجات موجودات ذی‌شعور البته که بهتر است. شما در صورتی می‌توانید راه خود را در جریان اصلی اجتماع باز کنید که یک مسئله را حل کرده باشید، و آن این است که حقیقتاً بتوانید کارهای خوب تولید کنید. اما محدودیت‌های مالی نیز باید مورد توجه قرار گیرد. همین امر برای نهادهای رسانه‌ای نیز صدق می‌کند. اگر آنها را واقعاً به‌خوبی اداره کنید، قطعاً راه‌شان را به جریان اصلی اجتماع باز خواهند کرد و به طبقه جریان اصلی رسانه می‌پیوندند. البته آن عالی خواهد بود. می‌دانم که روی بسیاری از امور به‌سختی کار می‌کنید و آنها را خوب انجام خواهید داد. بر این باورم که با گذشت زمان، آن روز فرا می‌رسد، قطعاً آن روز خواهد آمد. (تشویق) چیزی را که قبلاً گفتم تکرار می‌کنم: آنها نه‌تنها به‌خوبی اداره خواهند شد، بلکه در آینده به‌طور قطع درجه یک خواهند بود و رسانه اصلی خواهند بود. (تشویق) زمانی که نژاد بشر به درک تمام این مسائل برسد فکر نمی‌کنم دیگر علاقه‌ای به چیزهای دیگر داشته باشد، و امکان شنیدن اطلاعات دافا و انتخاب یک آینده فوق‌العاده برای خود، اولین و مهمترین مسئله برای‌شان خواهد بود. (تشویق)

مرید: وقتی که محصولات ساخت چین در آمریکا فروخته می‌شود، پول حاصل از آن به چین سرازیر خواهد شد و برای آزار و شکنجه شاگردان فالون گونگ مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنابراین من دیگر محصولات ساخت چین را خریداری نمی‌کنم. آیا این طرز فکر من درست است؟

معلم: البته چیز اشتباهی در این مورد وجود ندارد. آیا بسیاری از شاگردان ما نیز [خرید یا تجارت] با آنها را تحریم نکردند؟ (معلم می‌خندند) اما به نظر می‌رسد که وقتی فقط شاگردان ما آنها را تحریم کنند، تأثیر آن خیلی بزرگ نباشد. (معلم می‌خندند) و اگر این مسئله برای تان سختی‌های مالی به وجود می‌آورد آن را انجام ندهید. اگر برای تأمین کالاهای ضروری زندگی، آنها را می‌خرید پس مسئله‌ای نیست. اما اگر تمام مردم در کل دنیا می‌توانستند به چیزی که اشاره کردید پی ببرند، برای شیطان ترسناک می‌بود.

مرید: اگر یک شخص عادی نگرشی مثبت در مورد دافا داشته باشد اما هم‌چنان درک درستی از حزب شیطانی و روح شیطانی آن نداشته باشد، چه اتفاقی برایش خواهد افتاد؟

معلم: آن بستگی به شرایط خاص خود او دارد، چراکه نگرش شخص در مورد دافا اولین و مهمترین چیز است. اما اگر او با اطمینان کامل از حزب شیطانی حمایت و آن حزب شیطانی را به رسمیت بشناسد پس در خطر بزرگی است.

مرید: شاگردان در سرزمین اصلی چین می‌خواهند از استاد بپرسند: بسیاری از مردم عادی در مرحله‌ای عضو گاردهای کوچک قرمز [کمونیست] و لیگ جوانان [کمونیست] بودند. لطفاً به ما بگویید آیا آنها نیز باید هم‌چنان [از آن سازمان‌ها] کناره‌گیری کنند؟

معلم: پاک کردن علامت به جای مانده از شیطان ضروری است. گرچه اعلام کناره‌گیری یک تشریفات است، اما اگر یک شخص بتواند قدم پیش گذارد و آن را اعلام کند، یعنی اگر بتواند آن قدم را بردارد، آنگاه از طریق آن روند تفکرش تغییر کرده و بدنش از عوامل مسموم پاک می‌شود. برخی از افراد گفته‌اند: «نیازی نیست که آن را بنویسم. من در قلبم کناره‌گیری کرده‌ام.» ممکن است آن واقعاً در پاکسازی آن عوامل مسموم در بدن مؤثر نباشد. و خدایان درحال نظاره این هستند که آیا افراد محکم و استوارند یا خیر. از آنجاکه انگیزه‌های ژرف‌تر در پشت افکار یک شخص پیچیده است، اعمال شخص است که وضعیت درست او را نشان می‌دهد.

مرید: بسیاری از مردم عادی می‌گویند: «من پرداخت شهریه به لیگ [جوانان] را خیلی پیش از این متوقف کرده‌ام. از خیلی پیش از این دیگر عضو حزب نیستم. نیازی نیست که تشریفات کناره‌گیری از حزب را انجام دهم.» ما چگونه باید به این نگاه کنیم؟

معلم: این نیز همان موضوع است. مسئله تنها تشریفات عضویت در حزب نیست. [این حزب] به‌طور حقیقی مردم را با نشان فرقه شیطانی خود علامت‌گذاری کرده است و مردم را وادار ساخته تا به دسته خودش ملحق شوند. این علامت باید پاک شود. این علامت در دنیای بشری آشکار نیست، و آنچه درحال عمل کردن هستند شامل آن عوامل [حزب] که درون بدن مردم هستند نیز می‌شود. مردم در مقابل پرچم سرخ خونین آن با جان خود سوگند خوردند و قول دادند که حتی جان‌شان را برای آن فدا کنند، پس آیا می‌گویند تنها فکر کردن در درون قلب‌تان، به جای اعلام آشکار آن، می‌تواند کار را انجام دهد؟ درواقع اکنون که بر سر این موضوع هستیم، [می‌گوییم] این حزب بدن‌ها را تا منتهای درجه به‌طور واقعی شیطانی است. از مردم می‌خواهد در مقابل پرچم سرخ خونین خود با جان خود سوگند بخورند، و زندگی‌شان را به حزب شیطانی تقدیم کنند، و تمام زندگی‌شان را برای انجام امر آنها تقدیم کنند. از زمان‌های گذشته تاکنون، حتی یک حزب سیاسی یا سازمان بشری این‌قدر فاسد و وحشی نبوده است.

میرید: برخی از شاگردان غربی فکر می‌کنند که لحن نه شرح و تفسیر طوری است که قبول آن برای جامعه غربی سخت است. وقتی نه شرح و تفسیر را به اجتماع غربی معرفی می‌کنیم به چه چیزی باید توجه کنیم؟

معلم: آن این گونه نیست. همان‌طور که انجام داده‌اید خوب است. بر آن چیزها تأکید نکنید. مطمئناً تفاوت‌هایی بین شیوه تفکر غربی و شرقی وجود دارد، اما در پشت نه شرح و تفسیر عوامل الهی وجود دارد، و آنها اثر مثبتی بر مردم خواهند داشت، چه غربی باشند و چه شرقی. در برخی از موارد مربوط به افراد، عوامل به‌جای مانده از نیروهای کهن مانع آنها می‌شود تا در حال حاضر با دافا سر و کاری داشته باشند- ممکن است مانع او شوند. به شرایط خاصی بستگی دارد. بسیاری از غربی‌ها توسط سم حزب بدنهاد مسموم نشده‌اند، و در آن موارد وقتی شخص با آن مواجه می‌شود ممکن است کمی بی‌تفاوت باشد. آن مسئله‌ای نیست. درخصوص نه شرح و تفسیر، در این زمان آنها یک گام مهم در نجات بشریت هستند. شاید، در مرحله بعدی، هر شخصی بر روی زمین به زودی باید جایگاه خود را تعیین کند که آیا حزب شیطانی را می‌خواهد یا نه. هر شخصی باید آینده خود را انتخاب کند. در کشورهایی که توسط حزب شیطانی اداره نمی‌شوند، در عمل، چیزهای کمونیستی هنوز اجرا می‌شود. آیا یک پیشگویی نگفته است که *** دنیا را اداره خواهد کرد؟

بعضی از افراد گفته‌اند که نه شرح و تفسیر بسیار طولانی است و درخواست کرده‌اند که آیا آن می‌تواند مختصر و مفیدتر شود. جواب خیر هست. در طول بیش از صد سال پیش، گروه کمونیستی شبیه تبهکاران به‌طور پیوسته با دنیای آزاد در جنگ بوده است، اما هیچ کسی قادر نبوده تا کامل توضیح دهد که این حزب بدنهاد واقعاً چیست. جمهوری چین [تایوان] به مدت ده‌ها سال با ج.ک.چ مبارزه کرده است، و مقاله‌هایی درباره ج.ک.چ یکی پس از دیگری نوشته شده است. اما آنها نیز واقعاً در توضیح کامل اینکه حزب بدنهاد چیست، موفق نبودند. ما توانسته‌ایم به‌طور کامل آن را توضیح دهیم، و آن اولین بار است. چگونه آن می‌تواند مختصر شود؟ آیا آن باید تبدیل به یک مقاله کوتاه بی‌خاصیت شود، آن‌طور که قبلاً انجام شده است؟ آیا چنین چیزی می‌توانست مسئولیت عظیمی [که باید داشته باشد] را به عهده گیرد و وظیفه تاریخی‌ای که به او سپرده شده را به انجام برساند؟ هدف ما از توضیح و شرح کامل حزب بدنهاد این است که سرشت فاسد و شرور آن را نشان داده و به مردم کمک کنیم، تا ماهیت آن را ببینند، در نتیجه مردم دنیا را نجات دهیم. همچنین این کار انجام می‌شود تا به مردم دنیا کمک کنیم که درک کنند چرا میدان دافا را به‌طور وحشیانه‌ای مورد آزار و شکنجه قرار داده است. ما «سیاسی بازی» نمی‌کنیم. و این چیزی نیست که امور سیاسی بتواند آن را اداره کند. در قلب من یک آرزوی بزرگ برای نجات موجودات ذی‌شعور هست. ما نیازی نداریم به موجوداتی که افکار نادرست دارند تعهدی بدهیم. تاریخ همه چیز را ثابت خواهد کرد. من به آن حزب بدنهاد فرصت‌های زیادی داده‌ام، و زمانی که شیطانی بودن آن اوج گرفت بارها و بارها به او اخطار دادم و گفتم: «من، لی هنگ‌جی، همه چیز را می‌دانم و می‌توانم همه چیز را توضیح دهم.» اما شیطان آنقدر وحشی شده است که منطق خود را از دست داده است. حتی امروز نیز هنوز میدان دافا را به‌طور احمقانه‌ای مورد آزار و شکنجه قرار می‌دهد. بگذارید ببینیم چه بر سر او خواهد آمد.

میرید: برخی از مردم عادی فکر می‌کنند که نه شرح و تفسیر عالی است، اما آنها دافا را قبول نمی‌کنند؟

معلم: بسیاری از افکاری که مردم عادی دارند نتیجه عقاید و تصوراتشان است که تأثیر می‌گذارد، و آنها چیزهایی می‌گویند بدون اینکه ابتدا به آن فکر کنند. اغلب چیزهایی می‌گویند که واقعاً منظورشان آن نیست و چیزهایی می‌گویند که منظورشان چیز دیگری است. وقتی این‌گونه است، باید به آنها کمک کنید تا معقول شوند. منظورشان از اینکه «دافا را قبول نمی‌کنند» چیست؟ اینکه آنها نمی‌خواهند آن را یاد بگیرند؟ اگر آن را یاد نگیرند اشکالی ندارد. کسی آنها را مجبور نمی‌کند آن را یاد بگیرند. تنها یک فرقه شیطانی کسی را مجبور به یاد گرفتن چیزهای خود می‌کند، و نمی‌گذارد مردم از آن بیرون بروند حتی اگر بخواهند. اما در دافا، ما در آن مسائل وارد نمی‌شویم. اگر می‌خواهید آن را یاد بگیرید، به پیش بروید. اگر نمی‌خواهید یاد بگیرید، اشکالی ندارد. چیزی که امروز به مردم می‌گوییم برای این است که مردم از حقیقت آگاه شوند: می‌خواهم مردم بدانند دافا چیست و چرا حزب بدنهاد آن را مورد آزار و شکنجه قرار داده است، و این کار را می‌کنم تا به مردم کمک کنم ذهن‌شان را

از آن عوامل مسموم خلاص کنند. اینکه آیا مردم بخواهند آن را یاد بگیرند یا خیر، آن به خودشان بستگی دارد. اگر آنها واقعاً دافا را تصدیق نکنند، پس آینده‌شان را انتخاب کرده‌اند.

مرید: از وقتی که نه شرح و تفسیر منتشر شده است بسیار مشغول نوشتن مقاله‌هایی هستم که حزب شیطان را افشاء می‌کند، اما در مطالعه فا شل شده‌ام، چگونه باید بین مسائل تعادل برقرار کنم؟

معلم: این لزوماً مداخله نیست. صرفاً باید برای مطالعه فا زمان پیدا کنید. فا را به‌طور پایدار و استوار مطالعه کنید، و صرفاً از روی رفع تکلیف این کار را انجام ندهید. باید هر سه کار انجام دهید. نوشتن مقاله‌ها بخشی از اعتباربخشی شما به فا است، اما نمی‌تواند جایگزین دو کار دیگر شود.

مرید: برخی از هم‌تمرین‌کنندگان در سرزمین اصلی چین فکر می‌کنند برخی از سرمقاله‌های مینگهویی با روح دافا در تضاد است. چگونه می‌توانیم حمایت آن هم‌تزرکیه‌کنندگان در سرزمین اصلی چین را جلب کنیم؟

معلم: آن مسئله‌ای نیست. زمانی که شخصی می‌گوید مشکلی درباره مینگهویی وجود دارد، آیا آن برای تزکیه مریدان دافا در مینگهویی مفید نیست؟ آن می‌تواند اثری مثبت داشته باشد. اگر چنین چیزی پیش آید، آنها باید صرفاً خودشان را بیشتر تزکیه کنند، و اگر اشتباه کرده باشند باید خودشان را اصلاح کنند. اگر اشتباه نکرده باشند، پس باید استوار باشند و توسط آن شاگردانی که افکار بشری دارند تحت تأثیر قرار نگیرند. البته همیشه این‌گونه نیست که آن شاگردانی [که به مینگهویی اعتراض می‌کنند] افکار بشری دارند. ممکن است آنها رویکردهای بهتری درخصوص امور بلد باشند. در مجموع، با گذشت زمان مینگهویی به خوبی رشد کرده و در مسیر خوبی قرار دارد. شرایط در سرزمین اصلی چین حقیقتاً پیچیده است. برخی شاگردان هستند، که در نتیجه افکار بشری، وابستگی‌های بسیار قوی دارند، و عوامل حزب بدنهاد نیز در کار است و مداخله می‌کند. و همچنین برخی افراد بد هستند که خود را به‌عنوان شاگرد جا می‌زنند. اما ما هیچ نگرانی در این باره نداریم، چراکه آنان دیگر نمی‌توانند با مینگهویی مداخله کنند.

مرید: وقتی استاد در روزهای اولیه فا را آموزش می‌دادند گفتند که نجات راهبان و راهبه‌ها در آخر اتفاق می‌افتد. پس آیا روشنگری حقیقت برای آنها از اولویت پایین‌تری برخوردار است؟

معلم: درست است، نجات افرادی که در مذاهب هستند برای آخر برنامه‌ریزی شد، و اینکه در مرحله بعد انجام شود. برخی افراد گفته‌اند: «چرا مریدان دافا این قدر ویژه هستند، حتی بیشتر از کسانی که در مذاهب هستند؟ چرا شما ابتدا آن سایرین را نجات ندادید و کاری کنید که آنها مریدان دافا شوند، بلکه به‌جای آن، اکنون این افراد را نجات می‌دهید و کاری کردید که مریدان دافا شوند؟» وقتی موجودات بشری به مردم نگاه می‌کنند تنها این دوره زندگی را می‌بینند. اما در حقیقت، در میان مردم امروزه در اینجا، بسیاری از آنها، در تاریخ، جزو اولین گروه مریدان مذاهب اصلی و درست، در شرق و غرب بودند- افرادی که شخصاً آموزش‌های عیسی و شاکيامونی درباره قانون را شنیدند. مریدان دافا معتقدین حقیقی و با باوری درست و استوار هستند. (تشویق) مقدسین، راهبان، دائویست‌ها و مسیحیان مشهور در تاریخ، همگی اینجا در میان مریدان دافا هستند. (تشویق)

مرید: برخی از بودیست‌ها ماجرای بودا شاکيامونی که استاد در سخنرانی هفتم از جوان فالون بیان کرده‌اند را درک نمی‌کنند. آنها گفتند که تمامی تری‌پیتاکا را نگاه کرده اما آن را پیدا نکردند. این موضوع درک آنها از دافا را تحت تأثیر قرار داده است.

معلم: درست است. من می‌توانم درباره هر چیزی در فا به مردم بگویم. می‌توانم درباره هر چیزی از تمام بوداها و خدایان در آسمان‌ها به مردم بگویم. و می‌توانم درباره گذشته، حال و آینده بودا شاکيامونی به مردم بگویم. هیچ‌یک از آنها در هیچ متنی

آورده نشده است. و می‌توانم به مردم درباره گذشته، حال و آینده کیهان و درباره تمام چیزها و تمام موجودات بگویم. می‌توانم درباره خدایانی که بودا شاکيامونی هرگز نام نبرده است، و حتی درباره اینکه چگونه پدید آمدند و کل تاریخچه آنها به مردم بگویم. می‌توانم به مردم درباره کیهان بزرگتر تا بزرگترین گستره آن بگویم، درباره اینکه سطوح مختلف آسمان به چه شکلی هستند - و البته سطوح مختلف آسمان‌ها نیز خدایان هستند - درباره اینکه بدن‌های کیهانی سطوح مختلف چگونه شکل گرفتند... درباره اساس هر چیزی و همه چیز. و تنها من می‌توانم به مردم درباره این چیزها بگویم. (تشیویق) آنچه که می‌توانم به مردم بگویم شامل هر چیزی از تاریخ بشر در سه قلمرو، از کوچکترین تا بزرگترین اتفاقات تاریخ است. آیا متون بودیستی می‌توانستند تمام آنها را ثبت و ضبط کنند؟ آن متون، حتی آنچه که بودا شاکيامونی در زمان حیاتش بر روی زمین گفت را ثبت نکردند. بودا شاکيامونی برای چهل‌ونه سال فا را آموزش داد - آیا آنچه را که صرفاً در آن چند کتاب است آموزش داد؟ آن غیرممکن است، مگر نه؟ موجودات بشری... آنها همیشه با افکار و عقاید بشری برای خود مانع درست می‌کنند. نگران آن چیزهایی که مردم عادی می‌گویند نباشید. افرادی که در حال تزکیه‌اند چه کسانی هستند؟ افرادی که به‌طور حقیقی در راه خدا شدن گام برمی‌دارند چه کسانی هستند؟ افرادی که می‌توانند واقعاً در تزکیه موفق شوند چه کسانی هستند؟ در تمام طول تاریخ، از گذشته تا حال، تنها شما آن را انجام داده‌اید! (تشیویق)

همان‌طور که قبلاً گفته‌ام تزکیه‌های انجام‌شده در گذشته، مذاهب گذشته، و خدایان گذشته که برای نجات مردم به این دنیا پایین آمدند - آیا به‌طور واقعی مردم را نجات دادند؟ کاری که حقیقتاً انجام دادند در واقع بنا گذاشتن فرهنگی برای سه قلمرو و بشریت بود، تا راه را برای اصلاح فای نهایی کیهان هموار سازد. و بیشتر اینکه، آن موجوداتی که نجات یافتند روح کمکی (فو یوان‌سن) افراد بود، به‌جای اینکه خود واقعی آنها باشد. با این حال نیز، آن روح‌های کمکی که نجات می‌یافتند، موجوداتی برگزیده‌شده بودند که به اینجا پایین فرستاده می‌شدند. دلیل آن این بود که، پس از آفرینش سه قلمرو برخی از بدن‌های کیهانی بسیار به سه قلمرو نزدیک بودند، و خدایان نزدیک به سه قلمرو، سه قلمرو را می‌دیدند و حتی در معرض سه قلمرو بودند، بنابراین آن خدایان در معرض آلوده شدن و در نتیجه سقوط بودند. در سه قلمرو احساسات وجود دارد، اصول موجودات ذی‌شعور معکوس است، محیط سخت و خشن است، و مردم وابستگی‌های قوی دارند. از سوی دیگر، خدایان راستین نیک‌خواه هستند، و مستعد این هستند که توسط موجودات ذی‌شعوری که در محیط سخت سه قلمرو هستند مورد مداخله قرار گیرند. به همین علت است که خدایان نزدیک به سه قلمرو نیاز داشتند که به‌طور متناوب جایگزین شوند. به زمان موجودات بشری، آنها مجبور بودند هر ده سال جایگزین شوند. این مسئله‌ای بود که به‌وجود آمد. در عین حال، این ماجرا پدید آمد که افراد از شکل این اجتماع عادی در سه قلمرو استفاده می‌کردند تا با مشقت به تزکیه خود بپردازند و پس از اینکه به کمال می‌رسیدند روح کمکی آنها جایگزین آن خدایی می‌شد که می‌بایست جایگزین شود. برخی موجودات از بهشت‌های خدایان بالا، پایین فرستاده شدند، و در نظر گرفته شدند در این دنیا به‌عنوان روح کمکی انسان‌ها تزکیه کنند. و برخی در واقع به‌صورت شکل‌های دیگری از حیات بازپیدا شدند، و پس از اینکه به کمال رسیدند بازمی‌گشتند و تبدیل به خدایی می‌شدند که می‌بایست جایگزین آن شوند. این ماجرا فقط پس از پدید آمدن سه قلمرو به‌وجود آمد. قبل از آن، چیزی به‌عنوان جایگزین شدن خدایان وجود نداشت. در هر حال، این هدف آفرینش سه قلمرو نبود. این پدیده‌ای بود که پس از آفرینش سه قلمرو به‌وجود آمد، و شیوه‌ای برای حل‌وفصل مسئله مورد تداخل قرار گرفتن خدایان بود. واقعاً برای اصلاح فا بود که سه قلمرو آفریده شد. در طول آن دوره اولیه، هر کاری که خدایان در ارتباط با سه قلمرو انجام دادند، و هر چیزی که در دنیا ظاهر شد، بخشی از روند ساختن یک فرهنگ برای بشریت بود و برای پایه‌گذاری بنیانی برای مردم بود تا بعدها فا را درک کنند.

برای من آسان است که این چیزها را امروز بگویم، و برای شما هم آسان است که آنها بشنوید، درک کنید، و آنها را بفهمید. زمان، فضا، تاریخ، همه چیزها، آسمان و زمین، همه موجودات، تمام اتفاقات، تزکیه، بین و یانگ، سختی و خوشی، انسان و خدایان - صحبت کردن درباره این چیزها برای من زحمتی ندارد. اما آیا می‌دانستید که مفهوم و معنی هر کلمه طی هزاران سال تاریخ زندگی‌شده واقعی توسعه یافته و به شکلی رسیده است که امروز هست و در طول تاریخ معانی لغات ساخته شدند و توسعه یافتند؟ اساساً در مورد زبان چینی صحبت می‌کنم. تمام چیزها و هر اتفاقی که بشریت درک می‌کند می‌تواند با لغات و

زبان بشری پوشش داده شود، توضیح داده شود و تشریح شود. این چیزی نیست که بتوانید تنها با اختراع یک زبان انجام دهید. باید چیزی عمیقاً ریشه‌دار باشد، چیزی که مردم واقعاً حس کنند، مستقیماً تجربه کرده، و با آن زندگی کنند- یک روند خلق شده برای مردم که ریشه در تجربه واقعی دارد که اثری عمیق از خود به جای می‌گذارد. فقط آن گاه است که مردم می‌توانند معنی منتقل شده به وسیله یک حرف، یک کلمه یا یک اصطلاح را درک کنند. شما می‌توانید فایه را که امروز آموزش می‌دهم حتی بدون کوچکترین تأخیری درک کنید، اما بدون آن روند تاریخی شاید هیچ ایده‌ای نمی‌داشتید که امروز درباره چه چیزی صحبت می‌کنم.

«تزکیه» چیست؟ تزکیه چه معنایی می‌دهد؟ چگونه یک فرد تزکیه می‌کند؟ تزکیه شبیه چیست؟ تزکیه‌کنندگان چگونه هستند؟ اگر مردم تمام این‌ها را درک نمی‌کردند آن یک مشکل می‌بود. پس آنهایی که مشابه بودا شاکيامونی، لاتوڈی و عیسی بودند، باید به این دنیا پایین می‌آمدند و تمام این چیزها باید به صورت واقعیت زنده توسعه می‌یافت تا برای بشریت این فرهنگ را به جای گذارد، به مردم آموزش دهد که آن چه معنایی می‌دهد، و آنها را قادر کند که درک کنند آن چیست. و چیزی که درباره آن صحبت می‌کنم، روندی که تزکیه‌کنندگان متحمل شدند و بدین وسیله، تزکیه سخت آنها و باور راستین‌شان آنها را به کمال منجر کرد، و نیز مسائل مشابه آنها را هم دربرمی‌گیرد. بوداها، داووها و خدایان روند پیشرفت رسیدن به مقام دستیابی از طریق باور راستین و تزکیه حقیقی را به جای گذاشتند، و مردم به درکی از اینکه اینها چه هستند رسیده‌اند. اما با اینکه اینها گفته شد، تمام آنها هنوز از شکل تزکیه‌ای که مریدان دافا امروزه تمرین می‌کنند متفاوت است. و به همین دلیل است که می‌گویم هیچ الگویی برای تزکیه مریدان دافا وجود ندارد- شما باید به مسیر خود نور بتابانید و آن را روشن کنید.

مرید: در روند تلاش برای نجات یتیمان و در روشنگری حقیقت، تیم نجات‌دهنده متوجه شد با این کار می‌توانند حقایق را برای تمام بخش‌های جامعه بیشتر روشن کنند، مانند بخش‌های مالی و حکومتی. همچنین متوجه شدیم که آن روندی است از تلاش برای همکاری و بهتر کار کردن با سایر تیم‌های روشنگری حقیقت. استاد، لطفاً ما را راهنمایی کنید که چگونه می‌توانیم تلاش‌هایمان را مضاعف کنیم و در به‌کارگیری منابع محدود دافا که در حال حاضر در اختیار داریم، بهتر عمل کرده و یتیمان را بخوبی نجات دهیم.

معلم: [بسیاری از] شما در حال فکر کردن و برنامه‌ریزی درباره چیزی هستید که توصیف کردید. آن در روند پیشرفت است. این کار درستی برای انجام دادن است، و باید انجام شود. از آنجاکه این چیزها جنبه‌های بسیار زیادی از جامعه را دربرمی‌گیرد، شامل حکومت ایالات متحده، فقط اگر به‌طور استوار آنها را انجام دهید تأثیر دلخواه شما را خواهند داشت. بهتر است که وارد موضوعات خاص کارها نشوم، زیرا شما کسانی هستید که باید جزئیات را اداره کنید. اما این ابتکار عمل باید انجام شود. ما نمی‌توانیم مراقب فرزندان مریدان دافا نباشیم- فرزندان که خانواده خود را از دست داده‌اند. آنها مریدان کوچک من هستند و هم تزکیه‌کنندگان کوچک شما. به‌عنوان استادشان، در تمام این مدت به این مسئله فکر کرده‌ام. خواهان این بوده‌ام که آنها را به کوهستان بیاورم، و کنار هم جمع کنم و یک مدرسه برای آنها بنا کنیم که با هم رشد کنند. (تشویق)

مرید: هم اکنون برخی از شاگردان هنوز فکر می‌کنند که وقتی به لحاظ فیزیکی از میان پاکسازی کارما می‌گذرند و نمی‌توانند از بستر بلند شوند آن نتیجه کارمای خودشان است، و به خاطر این که وارد مرحله نهایی شده‌ایم کارما باید از بین برود. آیا این شیوه تفکر درست است؟

معلم: نه کاملاً. این اتفاق می‌افتد زیرا یک شخص در طول زندگی کارما ایجاد می‌کند. وقتی شما تزکیه می‌کنید، این [از بین رفتن کارمای بیماری]، در میان چیزهای دیگر، روندی است که به‌طور پیوسته کارمای شما از بین می‌رود. تا زمانی که یک شخص در این دنیا زندگی می‌کند کارما به‌وجود می‌آورد. بنابراین، در طول دوره تزکیه‌تان، کارما به‌طور مستمر کاهش یافته و از بین می‌رود. اما مریدان دافا در حال انجام تزکیه اصلاح‌فا هستند و از این رو کارمای آنها بسیار کمتر از کارمای مردم عادی است، و پاکسازی آن نوع کارما نباید آنقدرها برای آنها سخت باشد. آیا به شما نگفتم که این چیزها در هر قدم‌تان در این مسیر، برای

شما تزکیه‌کنندگان، نظم و ترتیب داده شده است؟ بنابراین [پاکسازی کارمای‌تان] قدم به قدم، دقیقاً تا به امروز، نظم و ترتیب داده شده است. شما حتماً مقدار کمی کارما نیز دارید که به‌تازگی به‌وجود آمده است، اما وقتی مریدان دافا به چنین چیزهایی به‌طور صحیحی نگاه کنند و آنها را به‌درستی اداره کنند، این چیزها می‌توانند نقشی مثبت ایفا کنند، و مقدار آنها آنقدر نیست که بتوانند با اعتباربخشی مریدان دافا به‌فا مداخله کنند. در مرحله‌ای که اکنون در آن هستیم، چیزهایی از این نوع، اصولاً به میزان بسیار زیادی کاهش یافته است، چراکه قرار نیست با اعتباربخشی مریدان دافا به‌فا مداخله کنند.

پس چرا حوادثی تقریباً جدی پیش آمده است؟ همانطور که به شما گفتم، انواع و اقسام عوامل شیطانی از شکاف‌هایی که مریدان دافا دارند، وقتی که هنوز وابستگی یا افکار بشری‌ای دارند که هنوز پیدا نکرده‌اند، سوء استفاده می‌کنند. در حال حاضر بزرگترین، و واضح‌ترین نوع مداخله، در کار بودن روح شیطانی حزب بدنهاد است. مخصوصاً اکنون، که وقتی سایر عوامل شیطانی تا درجه‌ای پاک شده‌اند که تعداد کمی مانده است، آنچه هنوز باقی است کار عوامل شیطانی حزب پلید است. انواع مداخله و آزار و شکنجه‌ای که امروز اتفاق می‌افتد ریشه در آن دارد. پس باید آنها را بشناسید و به‌طور جدی هدف قرار دهید و آنها را از بین ببرید. مردم عادی باور نمی‌کنند که حزب بدنهاد یک روح شیطانی و اهریمن‌های فاسد دارد، اما مریدان دافا آن را باور دارند. آن میدان روح شیطانی است که حزب بدنهاد را قادر می‌سازد ریشه‌ای در این دنیا داشته باشد. در مدت بیش از صدسال، از زمان کمون پاریس، روح شیطانی میدان بزرگی در این بعد بشری شکل داده است. تراکم این میدان قبلاً خیلی زیاد بود. گرچه غرب علیه حزب و تعالیم شوروانه آن است، اما درواقع خود غرب نیز روش کمونیسم اهریمنی روح شیطانی حزب بدنهاد را به اجرا درآورده است. مالیات‌های بالا و سطح بالای رفاه اجتماعی که در جامعه غربی به اجرا درمی‌آید، دقیقاً چیزی است که حزب شیطانی در ابتدا حامی آن بود. فقط این‌طور است که حزب شیطانی از خشونت استفاده کرده تا به زور چیزهایی را از مردم تصاحب کند، درحالی که در غرب آن از طریق ابزار قانونی انجام می‌شود. در اصل، همگی آنها چیزهای کمونیسم شیطانی را اجرا می‌کنند، به‌جای آنکه به‌گونه‌ای عمل کنند که یک اجتماع بشری واقعی باید انجام دهد. چرا علی‌رغم این‌که اجتماع غرب مخالف تعالیم شوروانه کمونیسم است، این پدیده اتفاق افتاده است؟ دقیقاً به این خاطر که عوامل شیطانی در بعدهای دیگر در کار هستند. در چین، آنها کمونیسم شیطانی را در شکل و ظاهر به اجرا درمی‌آورند، درحالی که در اصل، آنها دسته‌ای اراذل و اوباش و یک فرقه هستند که در هم پیچیده شده و یکی شدند. در غرب، در ظاهر آنها مخالف کمونیسم شیطانی هستند، اما در اصل، آن را اجرا می‌کنند.

مرید: اخیراً اپک تایمز پیشگویی‌های زیادی درباره سقوط حزب شیطانی منتشر کرده است. استاد، ممکن است لطفاً در رابطه با این موضوع کمی ما را راهنمایی فرمایید؟

معلم: آن‌ها برای مردم عادی به‌جای ماندند که آنها بخوانند، و خدایان در سطوح مختلف که به این دنیا پایین آمده بودند این کار را انجام دادند. مریدان دافا صرفاً باید به پیمودن مسیرشان در اعتباربخشی به‌فا تمرکز کنند.

مرید: شما در این باره صحبت کرده‌اید که چگونه کهکشان راه شیری از کیهان جدا می‌شود تا سه قلمرو پاکسازی شود. آیا این معنی را می‌دهد که سه قلمرو، کهکشان راه شیری است و نه منظومه شمسی؟

معلم: بله، قبلاً آن را گفته‌ام، مگر نه؟ خوب درحقیقت مکان دقیق سه قلمرو چیزی نیست که بتوان با [مفهوم] بشری یک گستره ثابت درک کرد. اگر از منظر انسان امروزی ماده‌گرا دیده شود، منظومه شمسی محدوده سه قلمرو در این سطح است. اما اجزاء دیگری که چشم بشر نمی‌تواند ببیند، اجزایی که توسط ذرات ذره‌بینی مختلف شکل گرفته‌اند، مرتبط با بُعدهای مختلف و حتی پهناورتری هستند. در سطح ظاهری جاییکه موجودات بشری هستند، آن مرتبط با منظومه شمسی است؛ گستره یک سطح ذره‌بینی خاص، مرتبط با کهکشان راه شیری است؛ و سطوح ذره‌بینی‌تر، مرتبط با گستره‌های وسیع‌تر هستند. سه قلمرو به‌وسیله ترکیب ذرات بی‌شماری شکل گرفته است، ذراتی که از نظر اندازه، از ذره‌بینی تا ذرات بزرگتر گسترده هستند. ذرات مختلف، قلمروهای مختلف و گستره‌های مختلفی را شکل می‌دهند. درحقیقت این صرفاً چیزی است که می‌توان با فکر بشری و

زبان بشری توصیف کرد. و این فقط برای توصیف گستره‌هایی است که چشم بشری می‌تواند ببیند، و می‌تواند توصیف شود و [گستره‌های] بعدهاى مختلف شکل گرفته به وسیله ذرات مرتبط با آن. درحقیقت، گستره‌ی بزرگتری از سه‌قلمرو، مرتبط با کل جهان کوچک است. آن «آسمان و زمین» که [خدایی به‌نام] پنگو آفرید، همانطور که در افسانه آمده است، در حقیقت این گستره بود. اما توصیف این محدوده به این شکل نیز دقیق نیست، چراکه [برخی از چیزهای] درون این محدوده نیز مرتبط با قلمروهایی هستند که اجزاء داخلی‌شان خارج از سه‌قلمرو است. زبان بشری محدود است، و آموزش فا به‌صورتی که در هماهنگی با تفکر بشری باشد غیرممکن می‌سازد که فا را با واژه‌هایی بیان کرد که نظرات و تفکراتی را دربربگیرد که شامل همه جنبه‌ها و اصول تمام سطوح باشد. وقتی راه شیری از بقیه بدن کیهانی جدا می‌شود، به‌نظر می‌رسد که این گستره جدا شده است، و به‌نظر می‌رسد که شما دیگر ورای این راه شیری، بدن کیهانی را نمی‌بینید؛ بدون توجه به اینکه چشمان بشری یا تلسکوپ‌های موجودات بشری چقدر توانا باشند، آنها دیگر نمی‌توانند آن را ببینند. اما درواقع، در قلمروهای مختلفی که سه‌قلمرو را شکل می‌دهند وضعیت متفاوت است. به‌هرجهت این فا به موجودات بشری که در روند تزکیه هستند آموزش داده می‌شود. زبان سخت و پیچیده می‌تواند تزکیه کردن را برای بسیاری از افراد سخت کند. فقط وقتی یک شخص به‌طور حقیقی در تزکیه موفق می‌شود و به کمال دست پیدا می‌کند می‌تواند ببیند که کیهان به‌طور حقیقی چگونه است. زمین و سه‌قلمرو فقط پس از مدت‌زمانی که فا دنیای بشری را اصلاح می‌کند و پاکسازی کامل هر دو تمام شده باشد می‌تواند [به جایگاه خود] بازگردند.

مرید: متوجه شدم که وقتی کارهای خاصی که به‌خوبی انجام داده نشده بودند، بعداً مورد رسیدگی قرار گرفتند، وضعیت کلی اصلاح فای ما با سرعت بیشتری به پیش می‌رود. بنابراین وقتی مریدان در مناطق مشخصی به‌خوبی عمل نمی‌کنند، آیا آن پیشرفت کلی اصلاح فا را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟

معلم: پیشرفت اصلاح فا تحت تأثیر قرار نمی‌گیرد، اما اعتباربخشی مریدان دافا به فا می‌تواند تحت تأثیر قرار گیرد، می‌تواند برای امور مانع ایجاد کند. علت این است که در آن موارد، سایر مکان‌ها به‌طور کامل پاکسازی شدند درحالی که در آن مکان [که عقب مانده] شیطان هنوز اثرگذار است، آزار و شکنجه نمی‌تواند پایان یابد، و شیطان نمی‌تواند پاکسازی شود. می‌دانید، امروزه مردم با شتاب بیشتر و بیشتری به‌سوی انحطاط سقوط می‌کنند، و اخلاقیات مردم امروزه به‌طور وحشتناکی تنزل کرده است. اگر آن متوقف نمی‌شد موجودات بشری واقعاً نمی‌توانستند بیش از این نگهداشته شوند، علی‌رغم هر آرزویی هم که یک فرد داشته باشد.

مرید: اپک تایمز یک شرکت رسانه‌ای است که برای عامه مردم در نظر گرفته شده است. اکنون تعداد کمی از شاگردان مشغول فروش آگهی‌ها هستند. اخیراً یک هماهنگ‌کننده در انجمن [فالون دافا] به‌طور فعالانه‌ای در این زمینه شروع به کمک کرده است، اما برخی از شاگردان آن را درک نمی‌کنند. استاد لطفاً به ما بگویید چگونه می‌توانیم شاگردان بیشتری را در آن درگیر کنیم.

معلم: بله، این خوب است که یک هماهنگ‌کننده بخواهد در کارهای اپک تایمز کمک کند. فردی که یک موقعیت مسئولیتی دارد درحقیقت یک هماهنگ‌کننده است، و چیزی که کلیدی است درگیر کردن تعداد بیشتری از افراد توانمند است. هر یک از اشخاص به‌صورت واحد نقشی به چه بزرگی را می‌توانند ایفا کنند؟ فقط وقتی که گروه به‌طور یک واحد کامل نقش خود را ایفا می‌کند، هماهنگ‌کننده خوب انجام داده است. وقتی که یک هماهنگ‌کننده خودش خوب عمل می‌کند، خوب، اگر شما تنها کسی هستید که خوب عمل می‌کنید، پس در آن صورت باید فقط یک شاگرد متوسط باشید. نکته کلیدی این است که باید نقش یک هماهنگ‌کننده را ایفا کرده و وظایف یک هماهنگ‌کننده را انجام دهید. و چیز دیگری را ذکر می‌کنم. هماهنگ‌کنندگان در تمامی مناطق باید این رویکرد کنترل همه امور بزرگ و کوچک را کنار بگذارند. هر منطقه باید آزادی عمل به شاگردان در آن محل بدهد، و وقتی برای اعتباربخشی به فا ابتکار عمل دارند از آنها حمایت کنند. مانع آنها نشوند، مگر آنهایی

که اغلب به افراط می‌روند. مریدان قدیمی دافا اکنون به بلوغ رسیده‌اند و در حال پیمودن مسیرشان به سوی کمال هستند. باید در این مورد روشن باشید.

مرید: آیا شاگردان اروپای شرقی باید از حزب [کمونیست] و لیگ جوانان کناره‌گیری کنند؟

معلم: هر شخصی بر روی این زمین باید موضع خود را در این خصوص برگزیند، اما در حال حاضر [چیزی که گفتید] مهم‌ترین چیز نیست. هر چه باشد، حزب بدنهاد در اروپای شرقی از هم فروپاشیده است. اگر هنوز افرادی در آنجا هستند که وفادارانه به آن باور دارند و از پیروان آن حزب پلید هستند، پس آنها نیز مانند دیگران از بین خواهند رفت. ح.ک.چ آخرین نهاد مهم روح شیطانی حزب بدنهاد است، و برای نجات مردم چین [ما باید] روح شیطانی حزب بدنهاد را متلاشی کنیم.

مرید: فکر می‌کنم که شاگردان غربی نه شرح و تفسیر را مسئله‌ای مربوط به شاگردان چینی‌مان در نظر می‌گیرند. ممکن است کمی در این باره ما را راهنمایی فرمایید؟

معلم: اساساً بیشتر مربوط به شاگردان چینی است. آن مسئله‌ای نیست. اما هر کسی در دنیا باید موضع خود را مشخص کند، و بسیاری از مردم حتی در غرب نیز ماهیت ح.ک.چ پلید را نمی‌بینند.

وقتی که مردم می‌گویند فالون گونگ عالی است، معانی گوناگونی از آن وجود دارد. یکی این است که، بیش از صد سال مبارزه‌ای بی‌وقفه بین بلوک کمونیست و دنیای آزاد وجود داشته است، و واقعاً سخت و شدید بوده است؛ در طول جنگ سرد این طور به نظر می‌رسید که مردم همیشه در تهدید جنگ هسته‌ای بودند. اما هنوز، هیچ کسی از عهده‌ی این برنیامده است که توضیح دهد حزب پلید چیست. آیا کسی تمام آن را گفته است؟ آنها صرفاً به یکدیگر ناسزا پرتاب کردند. بسیاری از مردم و مؤسسات درباره حزب بدنهاد تحقیق می‌کردند، ولی همچنان هیچ کسی آن را درک نکرد. حزب ملی‌گرا (کومین‌تانگ) برای چند دهه با ح.ک.چ مبارزه کرده است، و هنوز هم آنها نتوانستند تشریح کنند که ح.ک.چ بدنهاد چیست. در عین حال، فالون گونگ از عهده‌ی این برآمده تا به روشنی و به طور کامل حزب بدنهاد را توصیف کند. آیا این فوق‌العاده نیست؟ آیا آن به این منجر نشد که دنیا نگاه تازه‌ای به فالون گونگ بیندازد؟ چرا بسیاری از مردم در اجتماع عادی مریدان دافا را تحسین می‌کنند؟ مردم عادی نمی‌توانند بسیاری از امور بشریت را توضیح دهند، اما مریدان دافا می‌توانند آنها را به وضوح شرح دهند، و آن فوق‌العاده است.

فقط غرب نیست - تمام بشریت در دیدن ماهیت این حزب شرور درمانده است. اکنون چیزی که باید فوراً انجام دهید این است که آن افراد چینی که به بدترین شکل مسموم شده‌اند را نجات دهید و کمک کنید افراد چینی ماهیت ح.ک.چ بدنهاد را به وضوح ببینند. اما خیلی‌ها در غرب نیز، حزب شرور را به وضوح نمی‌بینند، و تعداد اندکی حتی از آن حزب پلید حمایت می‌کنند. بنابراین آیا آنها در خطر نیستند؟ فقط این گونه است که در حال حاضر آنچه ضروری است حل کردن این مشکل بسیاری از مردم در چین است که به وسیله آن مسموم شده‌اند؛ به همین دلیل است که آن ملت‌هایی که به آن شدت مسموم نشده‌اند را در اولویت قرار نداده‌ایم. در سایر مناطق [خارج از سرزمین اصلی چین]، تا این لحظه تعداد افرادی که مسموم شده‌اند بسیار اندک است. بسیاری از مردم به تعالیم حزب کمونیست بدنهاد باور ندارند، و حتی آنها را ناپسند می‌شمرند. اما مردم چین متفاوت هستند. در حالی که چندین دهه در فرهنگ حزب پلید آموزش دیده‌اند، چه تعداد از مردم چین هنوز می‌توانند ماهیت حزب بدنهاد را ببینند؟ قبل از انتشار نه شرح و تفسیر، هیچ فرد چینی نمی‌توانست حزب بدنهاد را بشناسد یا آن را به وضوح تشریح کند. حتی وقتی آنها از حزب انتقاد می‌کنند، نمی‌توانند آن را خارج از محدوده آن فرهنگ مهندسی شده حزب انجام دهند. آن قدر مسمومیت توسط آن عمیق بوده است که دیگر ذهن صاف و روشنی ندارند. حتی در اظهارنامه خود برای کناره‌گیری از حزب، از اصطلاحاتی استفاده می‌کنند که توسط حزب شیطانی اختراع شده است. مانند، «من در چین "جدید" به دنیا آمدم،» «من عضو نسلی هستم که زیر پرچم سرخ رشد کرده‌ام،» «تمام زندگی‌ام را برای "حزب" کار کرده‌ام» و مانند آن.

مرید: درود به استاد از طرف مریدان بلغارستان. ما در حال ترجمه جوآن فالون به زبان بلغاری هستیم. ممکن است برای راهنمایی ما چند کلمه بفرمایید؟

معلم: (معلم لبخند می‌زند) اینکه بتوانید کتاب‌های دافا را به خوبی ترجمه کنید در واقع شامل روندی از تزکیه خودتان است. برای انجام ترجمه، به طور کامل از درک‌های سطح بالای یک تزکیه‌کننده استفاده نکنید، چراکه سطح تزکیه هر یک از شما متفاوت است و درک هر شخص از حتی یک جمله از فافتفاوت است و به همین دلیل است که شما بحث‌هایی دارید که حل نشده باقی می‌مانند. تا جایی که معانی کلمات و جمله‌ها در حد معانی ظاهری که در فرهنگ بشر است، حفظ شود، خوب است. از آنجاکه معانی سطح بالا چیزی است که به وسیله آشکار می‌شود، معانی درونی نمی‌تواند در ترجمه لحاظ شود. طرز فکر مردم در شرق و غرب تفاوت‌هایی دارد، بنابراین در مرحله ابتدایی درک فافتفاوت برقرار کردن با آن کمی سخت است. اما اگر یک شخص به طور واقعی سعی کند که آن را یاد بگیرد و آن را بخواند، پس آن او را تحت تاثیر قرار نخواهد داد، چراکه خدایان در کارند.

مرید: آیا منشاء کمونیسم شیطانی متفاوت از حزب بدنهاد است؟

معلم: کمونیسم شیطانی صرفاً چیزی است که برای حزب بدنهاد ساخته شد تا مردم را همراه کند. واقعاً تفاوتی ندارند، آنها یک چیز هستند. یک عضو حزب بدنهاد، یک شخص منفرد است، و دسته‌ای از اعضاء حزب، یک جمعی از حزب است. این جمع حزب ایده‌ای از خود ساخت تا مردم را فریب دهد: آنها گفتند که «پادشاهی آسمان بر روی زمین» را به وجود می‌آورند، که همان به اصطلاح کمونیسم سرور است. چگونه زمین می‌تواند تبدیل به پادشاهی آسمان شود؟ وقتی خدایان سه قلمرو را آفریدند به هیچ وجه قصد نداشتند تا آن را به پادشاهی آسمان تبدیل کنند. بلکه به این منظور بود که برای اصلاح فافتفاوت مورد استفاده قرار گیرد. (معلم می‌خندند) وقتی در آینده سه قلمرو به هستی خود ادامه دهد، شکل اجتماع بشری برای همیشه به صورت اجتماع بشری خواهد بود، چراکه آن چیزی است که کیهان به آن نیاز دارد. تبدیل کردن آن به «پادشاهی آسمان»؟؟ پادشاهی‌های آسمانی در سرتاسر کیهان به تعداد فراوانی وجود دارد- آنها بسیار بیشتر از [دنیاها] بشری هستند. هر چیزی فراتر از بعد سطحی، جهانی از خدایان آسمانی است، و پادشاهی‌های آسمانی در همه جای کیهان هستند.

مرید: سونامی عظیم در جنوب آسیا برای چه بود؟

معلم: وقتی که کارمای بشریت به میزان بسیار زیادی می‌رسد مشکلات پدیدار می‌شود. اما از بسیاری از چیزها می‌توانید ببینید که اکثر آنچه امروزه آشکار می‌شود و بشریت را گرفتار می‌کند عملکرد عوامل نیروهای کهن است، و آن چیزها هیچ کار مثبتی برای مردم انجام نمی‌دهند. وقتی چیزی برای بشریت روی می‌دهد، باید کمک کند تا درسی مثبت از آن گرفته شود، فقط آن گاه است که آن می‌تواند به این منجر شود که مردم واقعاً ببینند که خدایان مردم را تنبیه می‌کنند تا افرادی بیشتری را نجات دهند. اما وقتی این تنبیه فقط به منظور تنبیه کردن مردم انجام شود، فقط ایمان مردم به خدایان را ضعیف می‌کند. آن کارهایی که عوامل نیروهای کهن انجام می‌دهند هیچ کار مثبتی برای بشریت انجام نمی‌دهند؛ وقتی مردم بد می‌شوند آنها صرفاً مردم را دور می‌ریزند. وقوع سونامی در این زمان یک هشدار به مردم بود- سیصد هزار نفر در عرض چند ثانیه از بین رفتند. قبلاً وقتی زمین لرزه بزرگ تانگ‌شان چین را لرزاند، آیا صدها هزار نفر در یک لحظه از بین رفتند؟ ح.ک.چ ادعا می‌کند که دارای ارتشی است که قدرت میلیونی دارد. اگر آنها خیلی بد شوند، شاید همگی آنها نیز در یک لحظه نابود شوند. (معلم می‌خندند) (حضار تشویق می‌کنند) عوامل نیروهای کهن حتی یک ذره هم به موجودات بشری اهمیت نمی‌دهند. فقط مریدان دافا در حال نجات مردم هستند.

مرید: تعدادی از شاگردان قدیمی در سرزمین اصلی چین از آخرین فرصت‌ها برای قدم پیش گذاشتن و اعتباربخشی به فافتفاوت استفاده می‌کنند و تعدادی از آنها برای کناره‌گیری از حزب از نام حقیقی خود استفاده کردند. آنها از ما خواستند تا درودشان را به

استاد ارجمندمان برسانیم. مریدان دافا که در سرزمین اصلی چین در ادارات دولتی کار می‌کنند سلام و درودشان را به استاد محترم می‌رسانند.

معلم: از همگی متشکرم. (تشویق) شاگردانی که توسط شیطان با بیشترین شدت مورد آزار و شکنجه قرار گرفتند، به سبب وابستگی‌هایشان [به این شکل رنج کشیدند]. و به خاطر وابستگی‌هایشان عقب و جلو رفته‌اند: یک روز زیر فشار «اظهاریه ندامت» می‌نویسند، سپس وقتی بیرون می‌روند تأسف می‌خورند و یک اظهاریه می‌نویسند [تا آن ندامت را باطل اعلام کنند]؛ سپس روزی دیگر توسط شیطان بازداشت می‌شوند، کمبود افکار درست منجر به این می‌شود که به شدت تحت آزار و شکنجه قرار گیرند، و سپس باز هم «اظهاریه ندامت» دیگری می‌نویسند و وقتی بیرون بیایند اظهاریه جدید دیگری می‌نویسند. آن شاگردان کسانی هستند که تحت بیشترین آزار و شکنجه قرار گرفته‌اند. از سوی دیگر، برخی از شاگردان افکار درست بسیار قوی دارند و واقعاً به‌طور باشکوهی عمل کرده‌اند. از آنجاکه گزارشات مینگهویی اساساً به هدف افشاء کردن آزار و شکنجه است، جمع‌آوری ماجراهای آن مریدان دافایی که بسیار خوب عمل کرده‌اند در اولویت قرار نگرفته است. در حقیقت، شاگردان بسیار زیادی خود را به‌خوبی اداره کرده‌اند.

شاگرد: چگونه یک شاگرد جدید که تازه چند ماه است که دافا را کسب کرده است زمانش را بین مطالعه جوآن فالون، نوشته‌های جدید استاد، و نوشته‌های قدیمی زیادی که وجود دارد، تقسیم کند؟ ما فا را در دوره اصلاح فا کسب کردیم، بنابراین مایلم در این باره روشن شوم که اولویت با چیست؟

معلم: شاگردان جدید ابتدا باید جوآن فالون را مطالعه کنند و سایر کتاب‌های دافا را به‌عنوان مکمل بخوانند. زمانی که وقت دارید می‌توانید نوشته‌های دیگر از هر زمانی را بخوانید، شامل نکات اصلی برای پیشرفت بیشتر. اما فکر نکنید که وقت تنگ است و شما هنوز باید همه چیز را بخوانید. این‌گونه نیست. وقتی شاگردان جدید بتوانند کارهای مقرر شده برای مریدان دافا را انجام دهند، آن واقعاً خارق‌العاده است. خواندن جوآن فالون مهمترین است. سایر نوشته‌ها را به‌عنوان مطالب تکمیلی بخوانید. زمانی که وقت دارید آنها را بخوانید، و زمانی که وقت ندارید فقط جوآن فالون را بخوانید.

مرید: ممکن است لطفاً درباره اهمیت اجراهای ما صحبت کنید.

معلم: شما در درست کردن و آماده شدن برای گلای سال جدید [چینی] سخت کار کرده‌اید. آن برنامه به‌خوبی انجام شد، اما پس از تنها یک نمایش به پایان رسید و واقعاً احساس می‌شد که سخت است به همین جا ختم شود. و از آن گذشته، آن می‌تواند اثری عالی و مثبت بگذارد، پس چرا آن را به مردم بیشتری عرضه نکنیم؟ می‌توانستید آن را به تعدادی از شهرهای مهم ببرید و از مکانی به مکان دیگر اجراش کنید تا مردم بیشتری امکان دیدن آن را داشته باشند. آیا آن عالی نمی‌بود؟ اما باید یک نکته را در ذهن‌تان می‌داشتید: آن تنها باید توسط کسانی انجام شود که توانایی و شرایط انجام آن را دارند؛ هیچ کسی نمی‌تواند به افراط برود، و هیچ کسی نباید شکلی که تزکیه‌اش دارد یا شرایط ایجاد می‌کند را مختل کند. من گفتم: «کسانی که توانایی و شرایط انجام آن را دارند، پس آنهايي که ندارند، نمی‌توانند [در این تور شرکت کنند]. نمی‌توانید به‌خاطر آن، مدرسه رفتن را متوقف کرده یا از مدرسه غیبت طولانی داشته باشید. یا اگر کسی استطاعت مالی ندارد اما شغل خود را ترک کند تا یک اجراکننده [در تور] باشد، آن نیز عملی نخواهد بود. از آن گذشته، آن باید در حوالی سال جدید باشد، بنابراین مدت‌ش زیاد نخواهد بود. مدرسه رفتن را متوقف نکنید و از شغل خود خارج نشوید. به افراط نروید. این کار باعث ایجاد مشکلات بسیاری می‌شود.

مرید: زمانی که فا دنیای بشری را اصلاح می‌کند، ح.ک.ج به‌طور کامل در دنیای بشری از هم پاشیده می‌شود، بلای عظیمی منتشر خواهد شد، جامعه به هرج و مرج کشیده می‌شود، و مانند آن. کدامیک از این موارد بیشتر از همه مهم خواهد بود؟

معلم: هیچ آشفته‌گی و هرج و مرجی نخواهد بود، مگر نه؟ جامعه بشری توسط خدایان کنترل می‌شود. وقتی خدایان بخواهند جامعه بشری آشفته باشد، گزینه عدم آشفته‌گی وجود ندارد. و زمانی که خدایان بخواهند آن ثبات داشته باشد، هیچ انتخاب دیگری به جز ثبات وجود ندارد. مگر نه؟ و بعد این حقیقت وجود دارد که چیزی به این مهمی برای اصلاح فاعلم و ترتیب داده شده است، پس چگونه چیزها می‌توانند تحت کنترل نباشند؟

مرید: می‌خواهم پروژه جدیدی در بین مریدان سازماندهی کنم، مریدانی که در منطقه تایوان معلم هستند، آن شامل گردآوری یک سری از کتب درسی چینی برای کلاس اول تا دوازدهم می‌شود. از آنجاکه این پروژه کار بسیار زیادی را می‌طلبد، نمی‌دانم آیا آن کارهای اعتباربخشی به فا که مهم‌تر است را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟

معلم: اگر آن در ارتباط با اعتباربخشی به فا است، پس به پیش بروید. اگر هیچ ارتباطی به اعتباربخشی به فا ندارد، پس نمی‌توانید انرژی شاگردان [دافا] را مصرف کنید. اگر به احیای ارزش‌های اخلاقی بشریت کمکی می‌کند نیز خوب است. پس می‌توانید آن را امتحان کنید.

مرید: برخی از شاگردان در کسب‌وکار هستند اما کالاهای شان از سرزمین اصلی چین می‌آید. آیا آنها باید آن نوع کسب‌وکار را انجام دهند؟

معلم: وقتی سندیکاهای بین‌المللی مالی و پولی به حمایت از بقای [ح.ک.چ] ادامه می‌دهند، آن کسب‌وکار کوچکی که انجام می‌دهید قابل اغماض است. شاگردان ما باید امرار معاش کنند، به فا اعتبار بخشند و برای اعتباربخشی به فا شرایطی داشته باشند، پس آن برای ما مسئله بزرگی به حساب نمی‌آید. و علاوه بر آن، اگر آن سندیکاهای مالی بزرگ کاری که انجام می‌دهند را متوقف می‌کردند، آن کسب‌وکار کوچکی که شما انجام می‌دهید به هر حال نمی‌توانست موجب ادامه حیات ح.ک.چ شود. همچنین، با هر کاری که مریدان دافا انجام می‌دهند عناصری از اعتباربخشی مریدان دافا به فا درگیر هستند.

مرید: در سرزمین اصلی چین پس از اینکه برخی از افراد با استفاده از نام مستعار از حزب کنارگیری کردند، ح.ک.چ تصمیم گرفت تا مطالعه ایدئولوژی خود را تقویت کند و اعضاء حزب را ملزم کرد تا آن را مطالعه کرده و یادداشت بردارند. اگر کسانی که از حزب با اسم مستعار کنارگیری کردند مجبور شوند تا در آن جلسات مطالعه شرکت کنند، آیا باز هم توسط آن جانور علامت‌گذاری می‌شوند؟

معلم: یک‌بار که شخص کنارگیری کند، آن تمام است. او در اعماق درون خود درک می‌کند. و یک‌بار که کنارگیری اش را اظهار کند، موجودات خاصی مراقب او خواهند بود. (تشویق)

مرید: مریدانی هستند که در کازینوها کار مرتبط با ورق [و قمار] را انجام می‌دهند. آیا آن کارمای شان را افزایش می‌دهد؟ آیا آنها باید چنان شغلی را نداشته باشند؟

معلم: یک شغل، یک شغل است. اکنون که جامعه بشری به جایی که هست رسیده، اگر بگویید که کار در کازینو بد است، خوب، این روزها کدام یک از شغل‌های اجتماع در واقع شغل واقعی بشری است؟ با شکلی که اجتماع امروزه دارد، هر چیزی همراه با تغییر جامعه در حال تغییر است. بنابراین آن شغل، یک شغل است. اگر شغل‌های دیگری در دسترس باشد پس می‌توانید سعی کنید یکی از آن شغل‌ها را برگزینید. اگر نباشد، پس به پیش بروید و آن شغلی که دارید را انجام دهید، چرا که اکنون جامعه به این شکل هست.

اکنون که به این موضوع رسیدیم می‌خواهم چیز دیگری را ذکر کنم. اغلب وقتی غربی‌ها به کازینو می‌روند در حقیقت برای تفریح و سرگرمی آنجا هستند. اما چینی‌ها، و آسیایی‌ها از سایر کشورها، آنجا می‌روند تا واقعاً قمار کنند و حتی پول زیادی را قمار می‌کنند. علت رفتن آنها به آنجا با هم متفاوت است.

مرید: شما بیان کردید که مریدان دافا وقتی که مقروض باشند نمی‌توانند به کمال برسند، اما من خانه‌ای خریدم با رهن ۵۰ هزار دلار، و بازپرداخت آن ۳۰ سال طول خواهد کشید. (حضار می‌خندند) چگونه باید این را اداره کنم؟

معلم: هیچ چیز در میان موجودات بشری اتفاقی نیست. اگر شما یک وامی از بانک گرفته باشید و چند دهه طول بکشد تا آن را بازپردازید، اما مریدان دافا همگی باید به کمال برسند، پس نمی‌توانید دهه‌ها منتظر بمانید، مگر نه؟ پس این مسائل چگونه اداره خواهد شد؟ خوب، این چیزها شامل مرحله بعدی بشریت است. و در آن صورت، در طول مرحله بعدی بشریت، ساختار اجتماع بشری و چگونگی جامعه تغییر خواهد کرد. همچنین، وقتی مریدان دافا واقعاً نزدیک به رسیدن به کمال باشند، استاد باید برای شما هر چیزی را حل و فصل و از آن مراقبت کند. در حقیقت، در آن زمان شما خودتان این توانایی را دارید که این چیزها را اداره کنید. (تشویق) این موضوع با آنچه که پیش‌تر گفتم فرق می‌کند، چراکه این چیزی است که در طول دوره طبیعی زندگی یک شخص اتفاق می‌افتد. [مشکل وقتی است که] برخی از شاگردان فکر می‌کنند: «می‌توانم پول قرض بگیرم بدون اینکه آن را باز بپردازم. صرفاً ترک خواهم کرد و آن پایان آن خواهد بود.» (حضار می‌خندند) آن نقطه شروع عملی نیست. نمی‌توانید انگیزه‌ای اشتباه داشته باشید.

مرید: (پرسش ترجمه شده) یک سال و نیم است که تمرین کرده‌ام و از جنبه‌های بسیار زیادی، بسیار بهره برده‌ام. از اعماق قلبم از شما سپاسگزارم.

معلم: آن چیزها همگی چیزهایی هستند که شما به آنها اعتبار بخشیده و به آن آگاه شده‌اید. استاد صرفاً در این مسیر در حال کمک به شما است. اگر بتوانید به‌طور استوار تا انتها با موفقیت به انجام برسانید و متزلزل نشوید، و اگر علی‌رغم شکل‌های مختلف مداخله که با آنها روبرو می‌شوید، بتوانید به‌طور حقیقی و استوار ادامه دهید، آنگاه نیازی ندارید از من تشکر کنید - تمام خدایان کیهان شما را تحسین خواهند کرد. (تشویق)

مرید: مریدان دافا از ۲۱ کشور و ۶ منطقه درودهای شان را به استاد ارجمند می‌رسانند - شان دونگ، شهر چانگ‌شا در استان هونان، هنگ‌یانگ، شهر فوشان در استان گوانگ‌دونگ، هی‌یوان، گوانگجو، مائومینگ، شهر ژونگ‌شان، دونگ‌گوان، شن‌ژن، های‌نان، شانجی، چنگدو، لوژو، گویی‌یانگ، جیامیوسی، فوشان، تای‌یوان، آن‌شان، پکن، منطقه فنگ‌تای و منطقه چونگ‌ون پکن، دانشگاه پکن، دانشگاه چینگ‌هوا، تانگ‌شان، شی‌جیاژوانگ، چنگده، تیان‌جین، ژان‌جیانگ، دالیان، یان‌تای، بنشی، چین‌هوانگ‌دائو، شانگهای، کان‌مینگ، شین‌جیانگ، فوژو، هوبی، هونان، هفی، هاربین، کایان، شانجی، یوشان‌جیگ، نان‌جین، لیائونینگ، مغولستان داخلی، هوهوت (حضار می‌خندند)، هلند، ژاپن، نیوزلند، فرانسه، آلمان، اندوزی، سنگاپور، انگلیس، استرالیا، دانمارک، نیپال، تای‌یوان، ماکائو، سوئد، تورنتو، سانفرانسیسکو در کالیفرنیا، اوکلند، سن‌خوزه، کوپرتینو، مالزی، آرژانتین، هنگ‌کنگ، هند، ترکیه، کاراییب، ویتنام.

معلم: از همگی سپاسگزارم. (تشویق پرشور)

من به تمامی پرسش‌ها پاسخ داده‌ام. بدون توجه به اینکه چقدر می‌گویم، هنوز هم خودتان باید مسیر تزکیه را ببیماید. خوب پیمودن این مسیر و تا انتها پیشرفت کردن - چیزی شگفت‌انگیزتر از آن نیست. این را می‌گویم، زیرا در طول این سفر، سختی‌ها، همه نوع آزمایش، امتحانات سخت غیرقابل‌پیش‌بینی خواهید داشت، و مداخلات غیرمنتظره از انواع و اقسام وابستگی‌ها و احساسات خواهید داشت. مداخلات از جانب خانواده، اجتماع، دوستان خوب و حتی هم‌ترکیه‌کنندگان خواهد آمد. و

همراه با این، مداخلاتی ناشی از تغییرات در وضعیت جامعه بشری و افکار و عقاید بشری شکل گرفته در این جامعه وجود دارد. تمام آن چیزها می‌توانند شما را عقب بکشانند تا مانند یک شخص عادی شوید. اما اگر بتوانید از میان تمام اینها بگذرید، می‌توانید به سوی خدا شدن پیشرفت کنید. بنابراین به‌عنوان یک تزکیه‌کننده، چیزی که واقعاً برجسته هست، وقتی است که بتوانید استوار باشید و چنان افکار درست مستحکمی داشته باشید که هیچ چیز نتواند شما را به نوسان درآورد. محکم و استوار باشید مانند الماس، یا گرانیت، آنگاه هیچ چیز نمی‌تواند شما را تحت تأثیر قرار دهد - شیطان صرفاً با دیدن شما خواهد ترسید. اگر هنگام مواجهه با شرایط دشوار، فکر شما بتواند حقیقتاً درست باشد، آنگاه وقتی با آزار و شکنجه شیطان مواجه شوید و وقتی با مداخله روبرو شوید، صرفاً یک جمله از شما که با افکار درست و استوارتان تقویت شده باشد می‌تواند فوراً شیطان را متلاشی کند (تشویق)، و باعث می‌شود کسانی که توسط شیطان مورد استفاده قرار می‌گیرند، برگردند و بگریزند. باعث می‌شود آن آزار و شکنجه شیطان [که] برای شما [برنامه‌ریزی شده] متلاشی شود، و باعث می‌شود آن مداخله شیطان با شما، بدون باقی ماندن اثری از آن، ناپدید شود. یک فکر به‌وجود آمده از باور درست، تمام این کار را انجام خواهد داد. و هر کسی بتواند آن افکار درست را به‌طور مستحکم نگه دارد و این مسافت را طی کند، تبدیل به خدای باشکوهی می‌شود که توسط دافا ساخته شده است. (تشویق طولانی)

منتظر شنیدن چیزهای خوب بیشتری از شما هستیم. (تشویق پرشور)

آموزش فا در شهر شیکاگو

(لی هنگجی، ۲۶ ژوئن ۲۰۰۵)

عصر همگی بخیر! (مریدان: «عصر بخیر استاد!») شما سخت کار کرده‌اید!

اخیراً تقریباً در کلیه کنفرانس‌های فا شرکت کرده‌ام. همان‌طور که می‌دانید، در طول اصلاح فا تغییرات پیوسته‌ای در وضعیت وجود دارد. برای مثال، در حال حاضر در نجات موجودات ذی‌شعور، ضروری است که این مسئله را حل و فصل کنیم که مردم چگونه ح.ک.چ را درک می‌کنند، از این‌رو در خصوص مسائلی دربارهٔ نه شرح و تفسیر کار کرده‌اید. اگر اکنون دربارهٔ مسائل دیگری صحبت می‌کردم، ممکن بود شما را از آنچه در حال انجام آن هستید منحرف کند و به همین دلیل است که قصد ندارم زیاد صحبت کنم. از وقتی وارد شیکاگو شدم، به این فکر می‌کردم که آیا باید به این کنفرانس بیایم یا خیر. (استاد لبخند می‌زند) بعد، پس از اینکه در این باره فکر کردم، تصمیم گرفتم بیایم، زیرا در هر یک از این کنفرانس‌های اخیر، شاگردانی بوده‌اند که تازه قدم پیش گذاشته‌اند و شاگردانی که تازه از سرزمین اصلی چین به اینجا آمده‌اند. و البته، شاگردان خواهان دیدن استاد هستند، بنابراین فکر کردم که بیایم و شخصاً شما را ببینم. (تشویق پر شور)

اجازه دهید از این فرصت استفاده کرده تا چیزی را ذکر کنم. می‌دانید، به‌عنوان تزکیه‌کنندگان دافا در دوره اصلاح فا، این مأموریت تاریخی که دارید - این مسئولیت بزرگ - حقیقتاً عظیم است. آنچه در مقابل شما قرار دارد صرفاً کمال شخصی یا نجات تعداد کمی از مردم نیست. تمام نژاد بشر در مقابل شما قرار دارد، و به‌ویژه مردم چین. بعداً شرایط تغییر خواهد کرد، و [در آن زمان، نجات مردم] آنقدر سخت نخواهد بود. اما در خصوص مسائلی که اکنون وجود دارند، بی‌نهایت سخت است که مردم چین را نجات داد، بسیار دشوار است. از این‌رو برای انجام این کار، انواع و اقسام روش‌ها را یافته‌اید - که مردم پلید را شوکه کرده و آنها را دچار ترس کرده است - و این تأثیر عظیمی در روشنگری حقیقت و نجات موجودات ذی‌شعور داشته است. در خصوص این کارها خیلی خوب عمل کرده‌اید، اما گاهی اوقات بیش‌از حد شتابزده و بیش‌از حد بی‌قرار هستید.

ممکن است اخیراً شنیده باشید که موضوع تحت پیگرد قرار دادن ح.ک.چ به تأخیر انداخته می‌شود. نظری را دربارهٔ این موضوع بیان می‌کنم. مدت‌ها پیش به شما گفته‌ام که یک مرید دافا، یا یک تزکیه‌کننده، هیچ دشمن ندارد. تنها نقشی که شما دارید نجات مردم است و استفاده از ابزارها و اصول بشری برای مجازات مردم یا صدور حکم علیه آنان هیچ ارتباطی به شما ندارد. این موضوعی بنیادی است!

اما به‌منظور متوقف کردن شیطان و افرادی که دیگر قابل نجات نیستند و پیروان سرسخت ح.ک.چ، برای شما ضروری شده که برخی فعالیت‌ها را ساماندهی کنید و کارهایی را انجام دهید. اما برخی کارها به‌وسیلهٔ غیرتمرین‌کنندگان انجام می‌شود. مخصوصاً در اجتماع، بسیاری از مردم در جنبش دموکراسی [چین] شرکت می‌کنند و سازمان‌های سیاسی مختلفی را شکل داده‌اند. آنها آرمان‌های سیاسی دارند و می‌خواهند سیستم سیاسی خاصی داشته باشند که در چین قرار داده شود. هر کاری که انجام می‌دهند، امور بشری هستند. اما در خصوص افشای سرشت شیطان ح.ک.چ، آنها واقعاً تأثیر بزرگی داشته‌اند. در این حالت، رسانه‌هایی که مریدان دافا راه‌اندازی کرده‌اند بخشی از رسانه‌های اجتماع هستند و به‌منظور افشای شرارت ح.ک.چ می‌توانند پوشش وسیعی از آن فعالیت‌ها را ارائه و از آن اقدامات حمایت کنند. آن به مردم چین کمک می‌کند سرشت شیطان ح.ک.چ را

بینند و تا حدی در رهایی مردم چین تأثیر دارد. بنابراین این مشکلی نیست. اما اگر کارها را دقیقاً مانند غیرتمین‌کنندگان انجام دهیم، یا اگر این کارها را مستقیماً به‌عنوان مریدان دافا انجام دهیم، آنگاه این مناسب نیست. هنوز هم، استاد ایده‌هایی را که یافته‌اید و شکل‌هایی را که برگزیده‌اید تأیید می‌کند - آنها اشتباه نیستند.

در زمان پیش رو، نه تنها بشریت باید این افراد بسیار بد را به دادگاه بکشاند و کاری کند که با آنها برخورد شود، بلکه ضروری خواهد بود که ابزارهای صحیح قضاوت بر اساس قانون پایه‌ریزی شود، و در آن مرحله اشکالی ندارد که این کارها انجام شوند. مریدان دافا می‌توانند به غیرتمین‌کنندگان کمک کنند برخی از کارهای صحیح بشری که مشغول انجام آن هستند را هماهنگ کنند، مشکلی در این کار نیست. روند انجام آن می‌تواند در نقش افشاء و متوقف کردن شیطان عمل کند. اما افرادی که قرار است نجات پیدا کنند نباید به دادگاه کشانده شوند. همه در این باره بیندیشید: قبل از اینکه تزکیه دافا را شروع کنید، بسیاری از شما که اینجا هستید نیز قبلاً فریب آن حزب پلید را خورده بودید و عضوی از آن شده بودید، پس آیا واقعاً می‌خواهید آن اعضای ح.ک.چ را که اهریمن آنها را فریب داده به دادگاه بکشانید؟ باید درک کنید که آنها نیز فریب ح.ک.چ پلید را خورده‌اند و همگی آنها موجودات ذی‌شعوری هستند که باید نجات‌شان دهید. باید تمایز دقیقی اینجا قائل شوید. فقط می‌توانید [کشاندن به دادگاه] را درخصوص تعداد کمی از افراد انجام دهید، آنهایی که بی‌نهایت بد هستند. همان‌طور که پیش‌تر گفتیم، انجام این کار اشتباه نیست، چراکه به شوکه کردن و ترساندن شیطان منجر می‌شود، و بشریت آینده مطلقاً اجازه نخواهد داد آن افراد پلید بگریزند، اما با اینکه این را گفتیم، بیش‌ازحد مشتاق نشوید. نمی‌توانید بروید و خودتان آن کار را انجام دهید. آیا آنچه الان گفتیم برای همگی شما روشن است؟ (تشویق)

این را می‌گفتم که اشتباهی در استفاده شما از ابزار قانونی برای متوقف کردن آزار و شکنجه شیطانی نیست، اما وقتی به این می‌رسد که چگونه آن را به انجام برسانید و چگونه به موضوع نگاه کنید، باید ذهن‌تان روشن باشد. از این‌رو به این مسئله اشاره کردم، و باید این‌گونه به آن بنگرید. روش‌های گوناگونی که برای فرونشاندن شیطان به ذهن‌تان رسیده‌اند عالی هستند، چراکه همزمان این آزار و اذیت را افشاء می‌کند و موجودات ذی‌شعور را نجات می‌دهد، باعث می‌شود افراد بیشتری از اهریمن جدا شوند و باعث می‌شود اهریمن در حین اجرای آزار و شکنجه متلاشی شود. مردم چین امروزه، درحالی که ده‌ها سال است که تحت حکومت ح.ک.چ بوده‌اند، به‌طور کامل شستشوی مغزی شده‌اند. کلماتی که مردم چینی سرزمین اصلی استفاده می‌کنند، روش تفکرشان و چگونگی نگرش‌شان نسبت به مسائل، همگی سرشار از چیزی است که ح.ک.چ در آنها القاء کرده است. فقط پس از اینکه افراد چینی سرزمین اصلی به جوامع غربی می‌آیند و مدتی می‌مانند پی می‌برند که ح.ک.چ آنها را به چه چیزی تبدیل کرده است. در این زمان همگی درک می‌کنند و می‌دانید مردم چین در چه وضع اسفناکی هستند و با نگاه به گذشته [حالا می‌توانید ببینید که] ح.ک.چ واقعاً پلید است. گرچه درحال حاضر، بسیاری از مردم چین در سرزمین اصلی چین هیچ‌یک از اینها را درک نمی‌کنند یا نمی‌بینند، چراکه به آنها عادت کرده‌اند. از همان روز اول آنها این‌گونه رشد کرده‌اند، و فکر می‌کنند جوامع طبیعی واقعاً این‌گونه هستند و فکر می‌کنند شاید این صرفاً شرایط بشری باشد. از این‌رو وقتی ح.ک.چ شیطانی چیزی می‌گوید، اصولاً حتی درباره‌اش فکر هم نمی‌کنند، [به خود می‌گویند،] «هرچه آن می‌گوید خوب است، باید خوب باشد و هرچه می‌گوید بد است، باید بد باشد، بنابراین وقتی می‌گوید فالون گونگ بد است، پس شما افراد فالون گونگ به احتمال خیلی زیاد این‌گونه هستید.» وقتی سعی می‌کنید حقایق را برای‌شان روشن کنید به شما گوش نمی‌دهند. با این شرایط، چه کاری می‌توانیم انجام دهیم؟ مریدان دافا مأموریتی برای نجات آنها دارند. بنابراین ما سرشت فرومایه حزب پلید را افشاء می‌کنیم، از گذشته تاکنون، و بدین‌وسیله به مردم دنیا کمک می‌کنیم ماهیت آن را ببینند و تصمیم بگیرند که آیا هنوز می‌خواهند به آنچه می‌گوید باور بیاورند. تجربه نشان داده است که وقتی مردم از این مسائل آگاه می‌شوند، پس از اینکه حقایق را دوباره به آنها بگوییم همه چیز را درک می‌کنند و مایل هستند که گوش کنند. این کاری است که نه شرح و تفسیر انجام می‌دهد.

با قضاوت بر اساس کناره‌گیری از ح.ک.چ و تغییر وضعیت در سرزمین اصلی چین، می‌توانید ببینید که هر کاری که در حال انجام آن هستی تغییرات عظیمی در وضعیت دنیا بوجود آورده است. شیطان ممکن است خیلی قوی به نظر بیاید، اما زمانی در گذشته که دو نیروی بزرگ مخالف هم در دنیا وجود داشت، بلوک حزب پلید آنقدر قوی بود که دنیای غرب در برخورد با آن ناتوان بود. و با این حال، وقتی خدایان خواستند آن متلاشی شود، فوراً سقوط کرد. به محض اینکه دیگر نیازی به آن نباشد از هستی باز خواهد ایستاد.

بخش اصلی مریدان دافا در حال تزکیه و آبدیده شدن در چین هستند. از این رو، آیا می‌تواند وضعیت سیاسی در چین و وجود ح.ک.چ تصادفی باشد؟ کل آن به اصطلاح جبهه سوسیالیست حزب پلید خلع سلاح شده است، اما چرا [این ح.ک.چ] خلع سلاح نشده است؟ آیا به خاطر این نیست که نیروهای کهن آن را این گونه برای مریدان دافا طرح‌ریزی کردند؟ بنابراین هیچ‌یک از اینها تصادفی نیست. گرچه مخالف نیروهای کهن هستیم و این آزار و شکنجه و هیچ‌یک از چیزهای را که بر ما تحمیل شده نمی‌پذیریم و به رسمیت نمی‌شناسیم، اما این مسائل یک تأثیر مخرب دارند. همان طور که آنها را نفی می‌کنیم، مسیری مستقیم را می‌پیماییم و همزمان به هر راه ممکن برای نجات همه موجودات، نجات مردم دنیا و نجات مردم چین می‌اندیشیم.

بسیاری از مردم امروزه، مخصوصاً مردم چین، پیش‌زمینه ساده‌ای ندارند. همان گونه که قبلاً ذکر کردم، بسیاری از مردم چین قبلاً پادشاهان ملیت‌های مختلف سراسر دنیا در دوره‌های مختلف بودند که بعداً در چین باز پیدا شدند. و البته این محدود به پادشاهان نیست - در اصل کل دربار پادشاهی در چین باز پیدا شدند. البته، یک فرد نه تنها گذشته خود در دنیای بشری را دارد، بلکه مکانی دارد که وجودش نهایتاً از آنجا می‌آید، که هر دوی آنها خارق‌العاده هستند. و به همین دلیل است که افرادی که مریدان دافا باید نجات دهند به هیچ وجه صرفاً موجوداتی عادی نیستند.

تزکیه‌کنندگان گذشته عادت داشتند درباره نجات موجودات ذی‌شعور صحبت کنند، اما آیا هیچ کسی واقعاً موجودات ذی‌شعور را نجات داده است؟ به غیر از موجودات روشن بین بزرگ با روشن بینی واقعی مانند شاکيامونی و عیسی، چه کسی موجودات ذی‌شعور را نجات داده است؟ هیچ کسی این کار را انجام نداده است. موجوداتی که شاکيامونی و عیسی نجات دادند به طور هدفمندی برای آنها قرار داده شده بودند، و آن یک بستر فرهنگی در تاریخ برای دافا بنیان گذاشت. همزمان، [آنچه از میان آن گذشتند] یک اشاره و نشانی از مشکلاتی بود که موجودات خدایی در مسیرشان با آن مواجه می‌شدند و آنها در تاریخ به نمایش درآمدند تا مردم امروز ببینند. و البته می‌خواستند که من آن را ببینم. همه آن درباره این بود. آنچه [آن موجودات روشن بین] در آن زمان با آنها سر و کار داشتند یک نژاد خالص بشر در دوران اولیه بود، با بدن بشری مرحله اولیه؛ در حالی که موجودات بشری‌ای که شما با آنها سر و کار دارید، ظاهر بشری و بدن بشری دارند، در صورتی که در واقع، موجودات داخل آنها دیگر آنقدر ساده نیستند.

پس مریدان دافا چه افرادی را نجات می‌دهند؟ مریدان دافا چه نوع افرادی را قرار است نجات دهند؟ مطمئناً این موضوع ساده‌ای نیست. چرا ما که اینقدر شدید مورد آزار و اذیت قرار می‌گیریم هنوز می‌خواهیم موجودات ذی‌شعور را نجات دهیم؟ چرا در حالی که چنین آزار و اذیت بی‌رحمانه‌ای را تجربه می‌کنیم، هنوز به فکر دیگران هستیم؟ [زیرا] این چیزی است که تاریخ به عهده شما گذاشته است، چون این افرادی که [باید نجات دهید] نماینده گروه‌های عظیمی از موجودات هستند. از این رو این صرفاً درباره مردم نیست، بلکه درباره امیدی است که موجودات کیهان به شما بسته‌اند، و به این حقیقت امید بسته‌اند که امروز دافا در سراسر دنیا به طور گسترده‌ای در حال اشاعه است. این فرصتی تقدیری برای آنان است. از این رو اگر هر موجودی این فرصت تقدیری را از دست بدهد، به احتمال زیاد برای همیشه از دست داده است.

سه قلمرو کوچک به نظر می‌رسد، و از نظر موجودات سطح بالا، اجتماع بشری کوچک به نظر می‌رسد، اما این مکان نقطه کانونی اصلاح فا شده است. قبلاً در این باره صحبت کرده‌ام که چرا فا را اینجا اشاعه می‌دهم. پس وقتی فا اینجا در حال اشاعه

است، آیا چیزهایی مانند این محیط پیرامون، موجوداتی که اینجا می‌آیند، یا هر چیزی که با آن مواجه می‌شوید می‌توانست موضوعات ساده‌ای باشند؟ مطلقاً خیر، گرچه این مسائل به‌گونه‌ای روی می‌دهند که خیلی متفاوت از مسائلی که در اجتماع روی می‌دهند یا متفاوت از وضعیت امور بشری گذشته نباشند. یک موجود بشری صرفاً یک موجود بشری است و قطعاً نمی‌تواند همین طوری خدایی شود. از گذشته‌های دور تا حال حاضر، آن [یک روند] آفرینش موجودی مانند این بوده است و شکل دادن آنچه انسان‌ها اکنون شبیه آن هستند، شامل افکار مردم، وضعیت کلی و روش زندگی‌ای که مردم امروز را مشخص می‌کند. این روندی است که روی داده است. در این محیط و موقعیت است که فا را اشاعه می‌دهیم، مردم را نجات می‌دهیم و موجودات ذی‌شعور را رهایی می‌بخشیم. گرچه بسیاری از عناصری که بخشی از آن روند بودند بر من و مریدان دافا تحمیل شدند، یعنی، به‌وسیله عواملی در کیهان کهن - اما تمایز آنها هنوز برای تان سخت است، چراکه آنها [با سایر چیزها] مخلوط شده‌اند. ما تمام نظم و ترتیب‌های نیروهای کهن را رد می‌کنیم و نمی‌پذیریم و مسیری که می‌پیماییم، مسیر خودمان است. از این‌رو آن مشکلات برای شما، مریدان دافا بروز نخواهند کرد، اغلب به شما گفته‌ام که فا را زیاد مطالعه کنید و افکار درست خود را حفظ کنید. وقتی این کارها را انجام می‌دهید، برای تان امکان‌پذیر است که مسیر خودتان را به‌درستی پیمایید و کارهای مقرر شده برای مریدان دافا را به‌خوبی انجام دهید. بدون توجه به اینکه چقدر مشغول باشید، باید فا را مطالعه کنید، بدون توجه به اینکه چه چیزی باشد.

درخصوص چیزهایی که در پیش رو قرار دارد، مسائل ممکن است سریعتر و سریعتر تغییر کنند. اما، همان‌طور که قبلاً وقتی فا را آموزش می‌دادم مطرح کردم، خواه تغییر در وضعیت اجتماع، منفی یا مثبت باشد، یا به‌عبارت دیگر، خواه آنچه روی می‌دهد بد یا خوب باشد، این آزمایشی برای مریدان دافای ما است و نه اینکه دلیلی برای رضایت و خشنودی شما باشد. اگر واقعاً مسائل بهتر شوند، نوع دیگری از آزمایش برای شما خواهد بود و باز هم نباید راضی و خشنود شوید. به هر شکلی باید کاری را انجام دهید که یک مرید دافا باید انجام دهد و افکار درست‌تان را حفظ کنید.

فعلاً همین اندازه می‌گویم. همان‌طور که مریدان دافا امروز کارهایی را برای دافا انجام می‌دهند، برخی از شما به‌طور همزمان مسئول کار کردن روی بسیاری از پروژه‌ها هستید. و کارهایی در منزل وجود دارد که باید اداره کنید، کارهای دافا، کارهای مرتبط با شغل‌تان، و کارهای اجتماعی یا سایر کارها، که همه آنها فشار سنگینی روی شما می‌گذارد. این را می‌بینم. اما بدون توجه به اینکه چه چیزی باشد، شما از عهده آن برآمده‌اید که به کارهای دافا به‌عنوان مهمترین کارها فکر کنید و در زمان‌های حساس به‌یاد آورده‌اید که یک مرید دافا هستید و باید مسائل را به‌خوبی اداره کنید. از آن منظر، همگی خارق‌العاده هستید. در هر رویدادی، استاد این را می‌بیند و از این آگاه است. در طول تاریخ، سال‌های بسیاری سپری شده است، سه‌قلمرو مدتهاست که وجود داشته است و در طول زمان، بسیاری از موجودات ذی‌شعور اینجا آمده‌اند، اما در تمام اعصار همه امیدها روی این یک لحظه گذاشته شده است. این لحظه بی‌نهایت با ارزش است. کامل کردن آخرین قدم این سفر به‌خوبی، چیزی است که باشکوه‌ترین است. به‌همین دلیل، گرچه در طول این روند وقت و زمان شما تنگ است، و خیلی خسته هستید و زمان کمی برای استراحت دارید، اما وقتی استاد می‌بیند که چه تعداد از شما از عهده این برآمده‌اید به‌خوبی عمل کنید نمی‌تواند خشنود نشود. و به‌همین خاطر است که از همگی شما تشکر می‌کنم. (تشویق بلند و طولانی)

بسیاری از افراد گفته‌اند که ما خودمان را درگیر سیاست می‌کنیم و برخی از شاگردان ما که با جدیت فا را مطالعه نکرده‌اند سردرگم شده‌اند و می‌گویند، «آیا نه شرح و تفسیر ما را درگیر امور سیاسی نمی‌کند؟» برای خاطر دافا است که اجتماع بشری وجود دارد و تاریخ برطبق آن نظم و ترتیب داده شد. می‌دانید، می‌توانیم به نمونه‌ای از فرزندگان گذشته، موجودات روشن‌بین بزرگ با روشن‌بینی راستین رجوع کنیم. برای مثال پنج‌هزار کلمه‌ای که لائو ذی‌منتقل کرد را در نظر بگیرید: اگر صرفاً چیزهای سطحی و بسیار واضحی که او درباره‌شان صحبت کرد را در نظر بگیریم، اکثراً درباره این است که چگونه به‌عنوان یک پادشاه فرمانروایی کرد، چگونه یک کشور را اداره کرد و مانند آن. اگر از منظر بشری به آن نگاه کنیم، آیا این سیاسی

نیست؟ اما این سیاسی نیست. البته می‌توانیم بسیاری از نمونه‌های تاریخی را در نظر بگیریم. آیا در این باره اندیشیده‌اید: آنچه این ح.ک.چ پلید انجام می‌دهد کارهای یک مذهب شیطانی است که کلیسا و دولت را یکی می‌کند و بدین وسیله کل جمعیت چین را در امور سیاسی می‌کشاند. وقتی به مردم کمک می‌کنیم از ح.ک.چ جدا شوند و آن را ببینند، آیا در واقع در حال کمک به مردم نیستیم که از امور سیاسی جدا شوند؟ (تشویق) حقیقت این است که هدف بنیادی ما این نیست که ح.ک.چ پلید را سرنگون کنیم و من علیه آن مبارزه نمی‌کنم - ارزش آن را ندارد! (تشویق) آن افرادی که در مسیر الوهیت هستند چگونه می‌توانند درگیر جنگیدن با مردم شوند؟ حتی با اینکه ح.ک.چ پلید یک روح شیطانی و ابلیس شرور است، اما هنوز ارزش آن را ندارد. اصلاح فا، اصلاح فا است و همان طور که مریدان دافا به نجات مردم می‌پردازند، باید تمام چیزهای شیطانی که مانع نجات مردم می‌شوند را متلاشی کنند.

این به خاطر نجات همه موجودات و نجات مردم در دنیای امروز است که به مردم کمک می‌کنیم ماهیت ح.ک.چ پلید را ببینند. البته، بدون توجه به اینکه ح.ک.چ چگونه سعی می‌کند چهره شیطانی رژیم تبهکار پلید خود را پنهان کند، وقتی مردم دنیا به ماهیت آن پی ببرند، متوجه خواهند شد که آن شیطانی است و دیگر با آن همکاری نمی‌کنند، بلکه برعکس انتخاب می‌کنند که از حزب کناره‌گیری کنند. و این وقتی است که آن از هستی باز می‌ایستد. اما این کاری نیست که در حال تلاش برای انجام آن هستیم - هدف ما نجات موجودات ذی‌شعور است. دیدن ماهیت بسیاری از چیزها در این اجتماع بشری، در این توهم اینجاسخت است، از این رو موضوع این است که مردم چگونه به مسائل می‌نگرند و آنها را درک می‌کنند.

البته، شما که مریدان دافا هستید - و این مخصوصاً برای بسیاری از شاگردانی که فا را با جدیت مطالعه کرده‌اند صحت دارد - این را درک کرده‌اید. در روند روشنگری حقایق، نمونه‌های بسیاری به ذهن‌تان رسیده که این را توضیح دهید و مسائل را به خوبی شرح دهید. از این رو مسیری که برگزیده‌ایم اشتباه نبوده و صرفاً موضوع این است که چگونه حتی بهتر عمل کنیم. امروز همین‌جا خاتمه می‌دهم. از همگی تشکر می‌کنم. (تشویق بلند و طولانی)

استاد منتظر شنیدن و دیدن کارهای خوبی است که انجام می‌دهید. (تشویق گرم)

آموزش فا در کانادا، ۲۰۰۶

لی هنگجی، ۲۸ مه ۲۰۰۶، تورنتو

شما همگی سخت کار کرده‌اید. (میریدان مشتاقانه دست می‌زنند و یک‌صد پاسخ می‌دهند: «درود استاد! استاد سخت کار کرده است!»)

این کنفرانس‌های گسترده‌فا، رویدادهای باشکوهی برای میریدان دافای خارج از چین هستند. تعداد زیادی از شاگردان جدید و شاگردانی از مسافت‌های دور، در هر کنفرانس گسترده‌فا شرکت می‌کنند، بنابراین جدای از برگزاری فعالیت‌های دیگر در هر کنفرانس فا، کنفرانس می‌بایستی حقیقتاً اثری واقعی بر تزکیه‌ شما داشته باشد و به ارتقاء آن کمک کند. در آن صورت، سفر برای افرادی از شما که شاگردان جدید هستید و کسانی که از مسافتی بسیار دور سفر می‌کنید ارزشمند خواهد بود. بنابراین کنفرانس‌های فای میریدان دافا صرفاً تشریفاتی که در هر سال می‌بایستی به‌انجام برسند نیستند، بلکه واقعاً به‌خاطر تزکیه‌ پویای حقیقی برگزار می‌شوند. آن‌ها همچنین فضایی هستند که به شما داده‌ام، تنها محیطی که میریدان دافا می‌توانند دور هم جمع شوند و از طریق تبادل نظر در یک گستره وسیع از یکدیگر یاد بگیرند. بنابراین باید مطمئن باشید که این هدف حقیقتاً برآورده شود و آن‌ها را به‌طور حقیقی موجب رشدتان در تزکیه سازید. فقط در آن هنگام یک کنفرانس معنی‌دار است.

شما می‌دانید، اکنون میریدان دافا درباره‌ این شیوه تزکیه‌ای که امروز [داریم] بسیار روشن هستند. فکر می‌کنم کسانی که این‌جا در جمع شنوندگان هستند، اکثراً قادر به برآورده کردن شرایط در ارتباط با این‌که چگونه میریدان دافا تزکیه می‌کنند هستند. شکل تزکیه در دافا شکلی است که در بین مردم معمولی انجام می‌شود و آن برای اولین بار تا این زمان، شکلی را پایه‌گذاری کرد که در آن، افراد در اجتماع بشری تزکیه می‌کنند. این شیوه از روز نخستی که انتقال فا را آغاز نمودم پایه‌گذاری شد. هرگز [چیزی شبیه] این قبلاً، از دوران کهن تا این زمان رخ نداده بود.

زمانی که فا را آموزش می‌دهم، مجبورم از چیزهایی در سطح پایین‌تر شروع کنم و به سمت بالا پیش‌برم. از [چیزهای] ابتدایی شروع می‌کنم، که آن‌را برای تعداد زیادی از مردم قابل فهم می‌کند. این دلیل آن است که چرا در آغاز، چیزهایی را در سطح بالا آموزش ندادم. در حقیقت، آفرینش تمامی سه قلمرو به منظور اشاعه‌ امروز دافا بود. در کیهان گذشته هیچ سه قلمرویی وجود نداشت و نوع بشر هستی نداشت. نوع بشر توسط خدایان خلق شد. این حقیقتی مسلم است. چرا موجودات فرا زمینی این قدر به‌طور پی در پی به زمین آمده‌اند؟ آن‌ها دلایل بسیاری داشته‌اند. و به غیر از آن، آن‌ها نسبت به بدن انسانی احساسی از بیم و احترام دارند، که در آن چیزهای بسیار زیادی را دیده‌اند که قبلاً هرگز ندیده بودند. دلیل آن این است که در کیهان گذشته، در این محیط - یعنی، این بدها، مکانی که سه قلمرو اکنون وجود دارد - انواع متنوعی از مخلوقات سطح پایین، شامل آن‌چه که ما امروز به عنوان موجودات فضایی به آن‌ها اشاره می‌کنیم، می‌زیستند. در حقیقت آن‌ها مخلوقات سطح پایینی هستند که به مهارت‌های تکنولوژیکی خاصی دست یافته‌اند. [اما سپس] ناگهان این بدن کیهانی دست‌خوش تغییرات عظیمی شد، و موجودات انسانی همچنان که کره زمین خلق شد موجودیت یافتند؛ موجودی مثل انسان پا به عرصه وجود گذاشت. آن موجودات [فضایی] فکر می‌کنند که، از دیدگاه تکنولوژیکی آن‌ها، ترکیب بدن انسانی، تمامی طراحی و عملکرد بدن انسانی، بسیار کامل است. البته چرا این طور است؟ زیرا آن توسط خدایان خلق شد. در مقایسه با آن مخلوقات ساده، آن موجودات سطح پایینی که در یک زمانی در این بُعد می‌زیستند، بدن انسانی چیزی کاملاً متفاوت است.

انسان توسط خدایان خلق شد، بنابراین ظاهر یک خدا و حتی ساختار درونی همانند خدایان را دارا می‌باشد؛ فقط این‌طور است که فاقد قابلیت انجام کارها بسان خدایان است. همچنین، این بُعد باعث می‌شود که موجودات قادر به مشاهده تصویر حقیقی چیزها نباشند و مخلوقات را در این بُعد در محیطی که به‌طور مشخصی مقرر و به‌طور ویژه‌ای ساخته شد دارد؛ این مکانی است ترکیب شده از خدایان بی‌شماری که هستی موجودات انسانی را تضمین می‌کنند. این محیط سبب می‌شود که موجودات انسانی در این بُعد فقط قادر به دیدن اشیاء در این بُعد باشند و نه اشیاء ورای این بُعد یا حتی اشیایی که در این بُعد به شیوه خاصی هستی دارند- هر چند تعداد کمی از مردم با بنیان زیربنایی خوبی وجود دارند که می‌توانند چنین چیزهایی را ببینند یا با آن‌ها ارتباط برقرار کنند. این مسئله این باور اکثریت مردم را تقویت کرده است که انسان، یگانه شکل حیات در کیهان است، و آن‌ها حتی فکر می‌کنند که شرایط برای وجود حیات در این جا، یگانه شرایط لازمه برای وجود حیات برای هر چیز زنده در تمامی کیهان است. در نتیجه، نوع بشر خودش را حتی بیشتر مهر و موم کرده است. بنابراین مهم نیست که نوع بشر چگونه به تحقیق چیزها می‌پردازد یا برای درک آن‌ها تلاش می‌کند، نمی‌تواند تصویر حقیقی کیهان را ببیند. این حالت از هستی در واقع طبیعی است، زیرا آن محدودیتی ایجاد شده توسط خدایان است. انسان در نظر گرفته شد که در این سطح و در قلمرویی شبیه این زندگی کند. به عبارت دیگر مردم اگر فقط ابزارهای بشری را برای کشف کیهان به کار ببرند، هرگز به تصویر حقیقی آن دست نخواهند یافت، هر قدر هم که تلاش کنند. آن نیز چیزی عرضه شده توسط خدایان است.

بنابراین هدف از همه این‌ها چه بود؟ برای این بود که قبل از این که دافا انتقال یابد، موجودات انسانی را در این حالت- یک حالت پایدار- نگه دارد و آن را در تمام مسیر تا روزی که دافا قرار بود آموزش داده شود حفظ کند. این دلیل آن است که چرا تمامی وقایعی که در تاریخ جهان در طی روند دوره‌های تاریخی مختلف اتفاق افتاده است، و به عقب برویم تا زمان خلق سه قلمرو و نوع بشر - شامل وضعیت آغازین امور پس از این که انسان نخستین بار پیدایش یافت و در امتداد تمام مسیر آن‌چه در طی چند هزار سال گذشته پس از ظاهر شدن فرهنگ متعارف بشر روی داد، به عنوان مثال، تمامی افراد مشهور و وقایع مهم در تاریخ - آن‌ها در حقیقت به‌منظور پایه‌گذاری یک فرهنگ، شیوه‌های تفکر و مفاهیم و ارزش‌های انسانی بودند به‌طوری که زمانی که دافا آموزش داده شود مردم قادر باشند فا و فرهنگ حقیقی تزکیه را تشخیص دهند. اگر همه این‌ها در تاریخ بنیان نهاده نشده بود، مریدان دافایی که امروز این‌جا نشسته‌اند در حالتی بدوی می‌بودند، حالتی شبیه همان که موجودات انسانی پس از این که خدایان آن‌ها را خلق کردند آن‌گونه بودند، و آن‌ها قادر به درک هیچ چیزی نمی‌بودند. اگر وضعیت این‌گونه می‌بود، آموزش فا غیرممکن می‌بود، و برای مردم امکان‌پذیر نمی‌بود که فا را درک کنند. "تزکیه چیست؟" - آن‌ها هیچ دیدگاهی نمی‌داشتند. با ساده‌ترین اصطلاح بیان کنیم، برای مردم امروز مثل این می‌بود که دارای هیچ فرهنگی نیستند. پس، چگونه این فا امروز آموزش داده می‌شد؟ هیچ راهی نمی‌بود. بنابراین تمامی این چیزها، از زمان‌های کهن تا امروز؛ به‌عنوان یگانه هدف پایه‌گذاری فرهنگ مورد لزوم برای اشاعه دافا اتفاق افتادند.

من در حال انجام آن در دو مرحله بوده‌ام. اولین مرحله شامل اصلاح فا می‌شود و مریدان دافایی که از طریق تزکیه اصلاح فا آن‌را با موفقیت طی می‌کنند مریدان دافای دوره اصلاح فا هستند. در آینده تعداد بیشتری خواهد بود، یعنی تزکیه‌کنندگان دوره‌ای که فا، جهان بشری را اصلاح می‌کند، مرحله بعدی. در آن مرحله تمامی کیهان، به استثناء نوع بشر، از میان اصلاح فا گذر کرده‌اند. اغلب درباره تداخل با اصلاح فا از جانب عناصر کیهان کهن، نیروهای کهن، و تعداد متنوعی از موجودات بد سطوح بالا صحبت کرده‌ام. در آن زمان هیچ‌کدام از آن چیزها هستی نخواهند داشت، به‌جز آن‌هایی که در یک سطح پایین هستند و به‌منظور کمک به رشد تزکیه‌کنندگان آینده به‌جای خواهند ماند. زمانی که هیچ مداخله‌ای از طرف عوامل کهن سطح بالا وجود ندارد اصلاح دنیای بشری توسط فا شبیه چه خواهد بود؟ درباره‌اش بیندیشید، با نبود هیچ مقاومتی از طرف آن عناصر نیروی کهن سطوح بالای دارای قدرت، و با در نظر گرفتن این که موجودات بشری ذاتاً ضعیف هستند، و این که موجودات در بُدهای پایین ترِ عالم و موجودات در بُدهای سه قلمرو هیچ توانایی مهمی ندارند، در آن برهه از اصلاح دنیای

بشری توسط فا، وضعیت مطمئناً متفاوت خواهد بود. درحال حاضر مردم می‌پرسند: وقتی حزب فرومایه از بین برود چه اتفاقی خواهد افتاد؟ پس از آن، امور چگونه خواهد بود؟ حکومت آینده‌ی چین شبیه چه خواهد بود؟ هیچ نیازی به فکر کردن یا انجام کاری در این رابطه نیست. البته، همان طور که به فا اعتبار می‌بخشید و حقیقت را آشکار می‌کنید می‌توانید با درک فعلی‌تان به طور غیرمستقیم به چیزها اشاره کنید. انجام آن اشکالی ندارد، زیرا این اشکال ندارد که بر اساس منطق و درک طبیعی‌ای که فرد دارد به طور غیرمستقیم به چیزها اشاره کرد. اما درخصوص آن چه که واقعاً اتفاق خواهد افتاد، آن به موجودات انسانی بستگی ندارد، و شبیه آن گونه که مردم هم‌اکنون آن را تصور می‌کنند نخواهد بود. در آن زمان اجتماع بشری کاملاً دگرگون خواهد شد، وضعیت امور تماماً تغییر خواهد کرد و ساختار اجتماع در مجموع تغییر خواهد کرد.

بنابراین در طی این دوره، مخصوصاً از آن جا که این دوره‌ای است که مریدان دافا درحالی که اصلاح فا درحال روی دادن است به فا اعتبار می‌بخشند، الزامات برای این گروه ترکیه‌کننده به طور خاصی بالا می‌باشد. از آن جا که این ترکیه‌کنندگان درحالی که اصلاح فا درحال روی دادن است این جا هستند، مقدار زیادی به دوش می‌کشند و مسئولیت‌هایشان عظیم است. بدون توجه به این که استاد چه تعداد زیادی بدن قانون دارد یا قدرتش در کیهان چقدر عظیم است، [با وجود این] بدن اصلی او در میان لایه‌های جداسازی‌های کیهان قدیم است و هر چیزی در اصلاح فا راه، از این دنیا هدایت می‌کند. نوع بشر و سه قلمرو در درجه اول به خاطر نیازهای اصلاح فا خلق شدند و بدن اصلی استاد این جا است، بنابراین نقطه کانونی مداخله شیطان نسبت به اصلاح فا نیز این جا است. مریدان دافا، این جا درحال اعتبار بخشی به فا، حفاظت از فا و در عین حال تزکیه خودشان هستند، بنابراین مسئولیت‌هایشان بدون شک عظیم است؛ و همچنین لازم است این جا موجودات ذی‌شعور را نجات دهند و این مسئولیت نیز برای مریدان دافا حیاتی است. این مسئله، مریدان دافای دوره اصلاح فا را تماماً خارق‌العاده تر می‌کند.

همان طور که گفته‌ام، اگرچه در تاریخ شکل‌هایی از انواع مختلف ترکیه وجود داشتند، اما آن‌ها فقط فرهنگی را بنا نهادند. ترکیه چیست؟ فقط آن چه امروز [شما این جا دارید] تزکیه حقیقی موجودات انسانی است. (تشویق) فقط این قالب امروز توسط خدایان کیهان به عنوان تزکیه حقیقی تشخیص داده می‌شود. (تشویق) تمام آن چیزها در گذشته برای پایه‌گذاری یک فرهنگ بود. هیچ موجود بشری که وارد سه قلمرو شده است تاکنون در خارج شدن از آن موفق نبوده است. هیچ موجودی که از دنیای پهناورتری به این جهان بشری آمد از عهده آن برنیامده است تا به آسمان‌ها برگردد- این هرگز اتفاق نیفتاده است. علی‌رغم تمامی حرف‌هایی که درباره تزکیه زده شده است. هیچ کسی هرگز در آن موفق نشده است. و هرچند آن‌ها درباره صعود به آسمان‌ها زیاد صحبت کردند، هیچ کسی هرگز در صعود به آن جا موفق نشده است. شما درباره روح کمکی می‌دانید. این روح‌های کمکی بوده‌اند که پس از به کار بردن بدن انسانی به عنوان مرکبی برای ترکیه، به آسمان‌ها صعود می‌کردند. پس از به کارگیری بدن انسانی به عنوان یک مرکب، روح کمکی تصویر یک انسان را به خود می‌گرفت و این دلیل آن است که چرا برخی از افراد مشاهده کرده‌اند که این یا آن شخص از طریق روش تزکیه‌ای مربوط به گذشته به آسمان‌ها عروج می‌کند. آن‌ها ممکن است بگویند که عروج یک فرد را پس از مرگش به آسمان‌ها دیدند، اما کسی که به آسمان‌ها صعود کرد نه روح اصلی فرد بود و نه حقیقتاً آن فرد. بنابراین هیچ یک از موجوداتی که به سه قلمرو آمده‌اند هرگز در برگشتن موفق نشده‌اند. آن‌هایی که موفق شدند همگی روح‌های کمکی بودند و آن چه بر سر بدن اصلی می‌آمد هرگز چیزی نبود که روح کمکی آن‌را مهم در نظر بگیرد. موجودات انسانی هرگز توسط هیچ یک از خدایان، مهم در نظر گرفته نشده‌اند.

قبلاً گفته‌ام که خدایان نیز، در دوره‌های زمانی مختلف خلق و برقرار شدند. خدایانی که قادر به نزدیک شدن به این مکان بودند درباره تصویر حقیقی کیهان و حتی تاریخ سه قلمرو و دلایل هستی آن روشن نبودند. و به‌ویژه آن خدایانی که قادر به تأثیرگذاری بر موجودات بشری هستند از سطح پایینی می‌باشند، و درباره این چیزها روشن نبودند. آن‌ها حتی نمی‌دانستند که چرا موجودات بشری وجود داشتند و این دلیل آن است که چرا موجودات بشری برای آنان اصلاً اهمیتی نداشتند. در گذشته وقتی

درحال آموزش دافا بودم، تعداد زیادی از خدایان گفتند، “حتی زمانی که موجودات بشری به این حد منحط شده‌اند درحال آموزش هستی و حتی درحال آموزش چنین فای عظیمی به آن‌ها هستی.” چگونه آن‌ها می‌توانستند از اهمیت حقیقی هستی بشر آگاه باشند؟ البته آن‌ها اکنون این را درک کرده و همگی می‌دانند. همان‌طور که اصلاح فای مرحله به مرحله پیشرفت می‌کند و حقیقت به‌طور بی‌وقفه‌ای ظاهر می‌شود، برخی از خدایانی که نقشی منفی ایفا کردند به درک اشتباهات‌شان رسیده و به تدریج حقیقت را دیده‌اند و در نتیجه روشن شده‌اند. اما بنیادی‌ترین موضوع، که این واقعیت است که نیروهای کهن در سطحی بنیادین تماماً بایستی انکار شوند، چیزی است که آن‌ها هنوز نمی‌توانند نهایتاً و به‌طور کامل بپذیرند. آن‌ها هنوز نمی‌توانند این حقیقت را ببینند. هنگامی که چیزها وارد مرحله پایانی شود و آن‌ها حقیقت را ببینند، خیلی دیر خواهد بود، و برای آن‌ها فاجعه به‌بار خواهد آورد.

از آن‌جا که این در دو مرحله انجام می‌شود، هرچند اجتماع بشری با وجود مشاهده آزار و شکنجه مریدان دافا کاملاً بی‌تفاوت است، و شیوه‌های امور که در اجتماع بشری هستند حکایت از این می‌کند که هیچ تأثیر مهمی بر اجتماع بشری وجود ندارد - هرچه باشد، تمامی مشاغل به‌طور دقیق و منظم درحال اجرا هستند، و این ماشین اجتماع بشری هنوز مثل سابق عمل می‌کند و به‌طور عادی درحال کار کردن است - به خاطر این است که امور مربوط به موجودات بشری تا زمانی که فای دنیای بشری را اصلاح کند قرار نیست انجام شود. درحال حاضر اصلاً هیچ کاری در ارتباط با موجودات بشری انجام نداده‌ام، و همان‌طور که مردم دنیا را نجات می‌دهید درحال انجام هیچ کاری به‌جز بیدار کردن و ترغیب وجدان‌ها و خوبی مادرزادی مردم نیستید. اهریمن، درحالی که مریدان دافا را آزار و شکنجه می‌کند، برای این که راهی برای موجه جلوه دادن خودش در آزار و شکنجه مریدان دافا داشته باشد، خواسته است که تمام مردم دنیا با مریدان دافا و دافا مخالفت کنند و هیچ موقعیت محکمی برای مریدان دافا در جهان بجا نگذارد. بنابراین در اجتماع انسانی انبوهی از دروغ‌ها را پرورانده و از تمامی ابزارهای تبلیغاتی چین استفاده کرده است تا بلوا ایجاد کند، تلاشی بیهوده می‌کند تا تمام مردم دنیا دروغ‌هایش را باور کرده و در آزار و شکنجه مریدان دافا شرکت کنند. به همین دلیل، بسیاری از موجودات ذی‌شعوری که حقیقت را نمی‌دانستند، تعداد زیادی از مردم دنیا، مسموم شدند. بنابراین آنچه این بیان می‌کند [این است که]، هدف از آشکارسازی حقیقت مریدان دافا در طی این دوره، نجات مردم و زدودن مسمومیت مردم توسط عوامل کهن و ارواح شیطانی حزب فرومایه می‌باشد. علت این است که، در طی اصلاح فای نیروهای کهن از بین می‌روند، حزب فرومایه و روح شیطانی نیز به‌طور حتم دور ریخته خواهند شد و تمامی آن‌هایی که در آن‌چه آن‌ها انجام می‌دهند دستی دارند دور ریخته خواهند شد. این قانونی تعیین شده در طول اصلاح فای است، و می‌بایستی بدین طریق انجام شود. اگر ما نرویم و فردی مثل آن را نجات ندهیم، او همراه با شیطان توسط تاریخ دور ریخته خواهد شد.

هنگامی که یک حیات حقیقتاً از بین می‌رود بسیار هولناک است. نوع مرگی که برای مردم قابل رؤیت است هولناک نیست، زیرا آن، مرگ وجود حقیقی فرد نیست. وقتی یک انسان می‌میرد، او فقط پوسته‌ای را که [از چیزهایی در] سطحی‌ترین بُعد مادی ساخته می‌شود درمی‌آورد، دقیقاً همانند درآوردن یک تکه لباس؛ در صورتی که حیات واقعی مجدداً وارد چرخه بازپیدایی شده است. البته برخی از تزکیه‌کنندگان پیشین که به‌خوبی تزکیه کردند در پایان زندگی‌شان یک روح کمکی از آن‌ها بلند شد و ترک کرد، اما آن خود فرد نبود. این چیزی است که پس از این که فرد می‌میرد اتفاق می‌افتد. فقط تزکیه بنیان نهاده شده توسط دافا می‌تواند حقیقتاً برای فرد موفقیت را به ارمغان آورد. در تمامی تاریخ هیچ‌کسی از این که چرا انسان به این‌جا آمد و از جایگاه انسان در جهان آگاهی نداشته است. و دقیقاً به‌خاطر این که این‌ها رموز و اسرار هستند، هیچ خدایی از پاسخ آن آگاهی نداشته است - موقعیتی که به‌طور مؤثری ثبات نوع بشر، ثبات سه قلمرو، و ایمنی موجودات بشری را تضمین کرده است.

این رموز و اسرار اکنون به تدریج آشکار می‌شوند، و خدایان و موجودات در آسمان‌ها نیز به تدریج درحال پی بردن به حقیقت و آگاه شدن از آن هستند. پاسخ‌ها به سؤالاتی از قبیل “چرا دافا آموزش داده شده است؟ چرا چنین فای عظیمی به نوع بشر آموزش داده شده است؟ چرا موجودات انسانی این قدر خوش‌بخت هستند؟” [برای آن‌ها درحال واضح شدن است]. آن

خدایان اغلب به من می‌گفتند، “فقط موجودات انسانی برای تو مهم هستند.” آن‌ها تلویحاً در حال گفتن این بودند که “ما برای تو مهم نیستیم. در اصلاح فا با ما بسیار سخت‌گیر هستی و با این وجود با موجودات انسانی بسیار ملایم هستی.” اکنون آن‌ها دیگر این را نمی‌گویند. هیچ‌کسی آن‌را دیگر نمی‌گوید. به عبارت دیگر، سه قلمرو، جهان بشری، و نوع بشر - کل این چیزها تمامی کیهان را تحت تأثیر قرار می‌دهند، و با نجات موجودات بی‌شمار بی‌کران در تمامی کیهان ارتباط دارند. در میان آن‌ها، موجودات سطح بالای بی‌شمار بی‌کران و موجودات بی‌نهایت سطح بالا وجود دارند. آیا این چیزی حیاتی نیست؟ اما یک موجود انسانی که در زمانی طولانی در حالتی از توهم بوده است نمی‌تواند از داخل سه قلمرو تصویر حقیقی چیزها را ببیند. با توجه به این‌که موجودات انسانی نمی‌توانند آن‌چه را که حقیقی است ببینند، در سه قلمرو بایستی موقعیتی برای‌شان فراهم می‌شد که با آن بتوانند یک شیوه زندگی بشری را حفظ کنند. و موجودات انسانی با بودن در حالت توهم، بی‌گمان در دام آن وضعیت گرفتار می‌شوند، در نتیجه به‌خاطر زنده ماندن، به یکدیگر آسیب می‌رسانند و برای چیزها رقابت و جنگ می‌کنند. بدون در نظر گرفتن این‌که آن‌چه انجام می‌دهند آرام یا پرتنش به نظر می‌رسد، تمامی آن‌ها به‌خاطر نفع شخصی و از روی انگیزه‌های خودخواهانه است. اما در هر موردی، از آن‌جا که این وضعیت برای موجودات انسانی برنامه‌ریزی شد، تا زمانی که در میان محدوده‌های برنامه‌ریزی شده آن وضعیت عمل کنند به‌عنوان خطا کار بودن آن‌ها در نظر گرفته نمی‌شود. با توجه به این‌که انسان‌ها برای مدتی طولانی در این محیط و این وضعیت توهم بوده‌اند، از زمانی که دافا اشاعه یافتن را آغاز کرد، مسئله این شد که آیا افراد می‌توانند ببینند که ماهیت این فاجعه چیست و آیا آن‌ها می‌توانند پوسته‌ای را که مدت زمان طولانی در آن مهر و موم شده بودند بشکافند. برای موجودات انسانی این مسئله از اهمیت بسیار بالایی برخوردار شده است. ممکن است این برای موجودات انسانی غیرمنصفانه به نظر برسد، اما در حقیقت منصفانه است.

بنابراین زمانی که موجودات انسانی به این‌جا آمده‌اند و بین دیگر موجودات بشری هستند، هر کسی این‌جا، در این محیط به فراسوی حد و مرزهای تعیین شده این وضعیت برود و در طول دوره حیاتش به انجام آسیب‌های جدی نسبت به دیگران و انجام کارهای بد ادامه دهد، این فرد در حال فاسد کردن این محیط و خراب کردن این وضعیتی است که موجودات انسانی قرار است داشته باشند، و در حال ارتکاب گناه علیه خود این قضیه بسیار مهم است. بنابراین درحالی‌که دافا اشاعه است و در طول دوره تزکیه مریدان دافا، وقتی به این مسئله می‌رسد که آیا مردم می‌توانند فا را کسب کنند و آیا قادر به تزکیه تا پایان هستند، مقدار کارمایی که در تاریخ به‌وجود آوردند قطعاً برای آن‌ها به‌عنوان موجودات انسانی یا به‌عنوان تزکیه‌کنندگان، باعث به‌وجود آوردن درجات متفاوتی از چالش‌ها می‌شود. به بیانی صریح‌تر، وقتی به این پرسش‌ها می‌رسد که آیا فردی می‌تواند فا را به‌دست آورد و این‌که آیا فرد می‌تواند تمام مسیر تزکیه کند، شکل‌های متفاوتی از مداخلات و مزاحمت‌ها برای افراد مختلف وجود خواهد داشت. تمامی آن مشکلات از اعمال گذشته خود فرد ناشی می‌شود، بنابراین هیچ‌کسی نباید شکایت کند. چه کسی می‌تواند فا را کسب کند؟ چه کسی می‌تواند این پوسته را بشکافد و بیرون بیاید؟ و چه کسی می‌تواند به‌طور حقیقی، به‌طور خردمندانه‌ای ماهیت این فا را ببیند؟ با نگاه از این منظر، چیزها در واقع برای موجودات ذی‌شعور منصفانه است.

برای موجودات انسانی، نگرشی که در برابر چیزی به این مهمی دارند بیشترین اهمیت را دارد. بنابراین این وضعیت توهم دارای اثری بر موجودات بشری است: وقتی به این مسئله می‌رسد که آیا می‌توانید تزکیه کنید، آیا می‌توانید حقیقت را ببینید، آیا می‌توانید تصویر حقیقی چیزها را ببینید، و آیا می‌توانید با این فا به‌طور اتفاقی آشنا شوید، این حقیقت که موجودات در وضعیت توهم هستند باعث می‌شود امور برای آن‌ها به‌طور وحشتناکی سخت شود. این دلیل آن است که چرا تمام نژاد بشر، جزء مریدان دافایی که ما داریم و امروز این‌جا نشسته‌اند نیستند. البته، همان‌طور که گفته‌ام، اشاعه دافا برای تمام موجودات منصفانه بوده است. مقام یا موقعیت اجتماعی فرد مهم نیست - فقط قلب فرد و نگرش نسبت به دافا اهمیت دارد. در حقیقت، کل اصلاح فا با این باگذشت‌ترین، بخشنده‌ترین شیوه انجام شده است. اشتباهاتی که موجودات در تاریخ انجام دادند علیه آنان به حساب نمی‌آید. مهم نیست در طول تاریخ گناهی به چه بزرگی مرتکب شدید یا چه اشتباهات بزرگی انجام دادید، هیچ‌یک از آن‌ها علیه شما

منظور نمی‌شود: تنها نگرش امروز شما نسبت به اصلاح فا و درک شما از دافا مهم است. این تنها چیزی است که به حساب می‌آید. اگر نتوانید حتی دافا را بپذیرید، پس فرصت‌تان را از دست می‌دهید. اگر بگویید، “من دافا را تأیید نمی‌کنم،” بسیار خوب، اگر دافا را تصدیق نکنید، درحال تأیید نکردن آینده هستید، چراکه آینده توسط این فا ساخته می‌شود.

تقریباً تمام کل کیهان در اصلاح فا کامل شده است. قبلاً آن را به صورت کفه ترازو توصیف کردم. میان کیهان قدیم و جدید، کیهان جدید دائماً درحال سنگین‌تر شدن بود، و بخشی که از میان اصلاح فا گذر کرده بود دائماً درحال افزایش یافتن بود، و آن قسمت گویی روی کفه ترازو درحال فشار دادن به پایین بود. اکنون آن دیگر موضوعی نیست، زیرا شکل‌گیری کیهان جدید اساساً به طور کامل انجام شده است. (تسویقی گرم) آن چه باقی می‌ماند عوامل پایانی هستند. و زمانی که تمامی آن چیزها حل و فصل شوند، مرحله نهایی اصلاح فا به پایان خواهد رسید. پس از این که اصلاح فا به پایان برسد، عصر کیهان جدید آغاز می‌شود. و در انتها فقط دنیای بشری برای اصلاح شدن باقی خواهد ماند. پهنه این زمین و سه قلمروی نوع بشر احاطه و مهر و موم خواهد شد و از کیهان جدید و بزرگ‌تر جدا خواهد شد. آیا دانشمندان امروزی کشف نکرده‌اند که راه شیری درحال بزرگ‌تر و بزرگ‌تر شدن و دور شدن بیشتر از جهان است و با شتابی سریع درحال دور شدن از آن است؟ این در واقع یک روند ترک کردن است. بعد از این که اصلاح فا در کیهان جدید تمام شود، تأثیری که تمامی موجودات سه قلمرو بر کیهان جدید خواهند داشت آلوده کردن خواهد بود، و این دلیل آن است که چرا سه قلمرو لازم است جدا شود، مهر و موم شود و در انزوا به آن رسیدگی شود و آن [مرحله‌ی] اصلاح دنیای بشری توسط فا است.

مریدان دافا در این دوره درحال تزکیه کردن هستند و مسؤولیت‌هایی که بر دوش می‌کشند تا این حد عظیم و سنگین هستند. اکنون شما این را به وضوح شنیده و آن را درک کرده‌اید- بنابراین منظور از هستی بشر و حالت تزکیه‌ای که مریدان دافا دارند این است. بدین ترتیب شما باید درباره قالب تزکیه کردن در این جهان روشن‌تر از همیشه باشید، زیرا فقط این تزکیه است و فقط این به طور حقیقی تزکیه ترتیب داده شده برای موجودات درون سه قلمرو است. هر چیزی که در گذشته ظاهر شد به منظور بنیان نهادن یک فرهنگ برای نوع بشر بود، در صورتی که این آن نقطه شروع نهایی است که به وسیله آن موجودات انسانی قرار است به طور حقیقی دوباره صعود کنند و این دلیل آن است که چرا الزامات برای تزکیه‌کنندگانی که درحال انجام این تزکیه هستند متفاوت است. سه کاری را که استاد در فا به شما آموخته است که به خوبی انجام دهید ساده به نظر می‌رسند، اما [چیزهایی از قبیل] این که آیا کوشا هستید و مقام باروری که به آن نائل خواهید شد به آن پیوند خورده است. دافا در اجتماع بشری پایه‌گذاری شده است و شکل تزکیه شما باعث شده تا بیشترین حد، با اجتماع بشری هم‌ساز باشید. بسیاری از افراد فکر می‌کنند که آن درخصوص آسان‌گیری در تزکیه و راحت کردن چیزها برای تزکیه‌مان است، اما شاگردان سعی آن‌را بدین طریق نمی‌بینند. بلکه آن، مسیری است که مریدان دافا درحالی که تزکیه می‌کنند باید در پیش گیرند. بنابراین هر کاری که انجام می‌دهید، خواه به خوبی متعادل کردن روابط خانوادگی‌تان درحالی که در بین مردم معمولی زندگی می‌کنید باشد، به خوبی هماهنگ کردن روابط‌تان در اجتماع باشد، چگونه در محل کارتان عمل می‌کنید، چگونه در اجتماع رفتار می‌کنید و غیره، هیچ‌یک از این‌ها چیزی نیستند که شما بتوانید فقط ماشین‌وار و بدون اشتیاق انجام دهید. تمامی این چیزها بخشی از شیوه تزکیه شما و مسائل جدی و مهمی هستند.

بسیاری از شاگردان درک می‌کنند که فقط انجام تمرینات و مطالعه فا تزکیه کردن است. بله، با آن‌ها شما مستقیماً با فا سروکار پیدا می‌کنید. اما همان‌طور که در زندگی روزانه‌تان به طور حقیقی به تزکیه خودتان می‌پردازید، اجتماعی که با آن در تماس هستید، محیط تزکیه شما است. محیط‌های کار و خانواده که اوقاتی را در آن می‌گذرانید هر دو فضایی هستند که قرار است خودتان را در آن مکان‌ها تزکیه کنید، بخشی از مسیری هستند که شما باید طی کنید، چیزهایی هستند که شما باید اداره کنید، و آن‌ها را به درستی اداره کنید. هیچ‌یک از این‌ها نمی‌بایستی نادیده گرفته و سرپوش گذاشته شوند. زمانی که تا به آخر

موفق شدید، [سؤال این خواهد بود]: مسیری را که استاد برای تان نظم و ترتیب داد چگونه طی کردید؟ وقتی همه چیز گفته و انجام شد، این چیزها بایستی به حساب آورده شوند. و در مسیر تزکیه تان نیز این چیزها می بایستی مورد توجه قرار گیرند. بنابراین نباید هیچ چیزی را نادیده بگیرید. تا جایی که به راحتی مربوط می شود، [در دافا] یک فرد می تواند بدون این که مجبور باشد که وارد یک صومعه شود، به کوهستانی دور افتاده برود، یا جهان مادی را ترک کند، تزکیه کند. اما از زاویه ای دیگر، تمام این ها لایه ای از سختی را اضافه می کنند: اگر قرار است آن را با موفقیت بگذرانید، باید در خصوص چیزهایی مثل تمامی موارد فوق به خوبی عمل نمایید، و در هر جنبه ای از زندگی تان به خوبی عمل کنید.

با بیان این موارد، افراد مختلف فا را در سطوح مختلف درک می کنند، و شاگردان جدیدتر وجود دارند. برخی از افراد شاید تصور کنند، “وقتی من از امور خانوادگی مراقبت می کنم درحال تزکیه کردن هستم. به حد کافی خوب است اگر من روابط نزدیک تری با والدین و خواهران و برادرانم ایجاد کنم.” آن وقت وابستگی جدیدی را پرورانده اید و به افراط رفته اید. شما باید هر کاری را به خوبی انجام دهید، اما نمی توانید زیاده روی کنید؛ زمانی که زیاده روی می کنید، این وابستگی دیگری است. هم چنین لازم است نگرش درستی نسبت به دافا داشته باشید و حقیقتاً خودتان را به عنوان یک تزکیه کننده در نظر بگیرید. برای مصمم بودن چگونه تلاش می کنید، فا را چگونه در نظر می گیرید، و چگونه تزکیه می کنید - شامل طول مدت و الویت دادن به مطالعه فای تان - نمی توانید هیچ یک از این ها را نادیده بگیرید، و آن ها در واقع مهم تر هستند، زیرا این مسیر تزکیه شما است، مسیری که باید آن را طی کنید. شما دقیقاً باید از میان اجتماع بشری تزکیه کنید، و شما دقیقاً قرار است به موازات اصلاح فا درحالی که درحال پیشرفت است وجود داشته باشید و نسبت به موجودات ذی شعور مسئول باشید. این دلیل آن است که چرا باید بدین شیوه تزکیه کنید.

قبلاً گفته ام که اگر همه شما برای تزکیه کردن به کوه های دور از دسترس، یا صومعه ها می رفتید، آن گاه با اجتماع تماسی نمی داشتید و قادر نبودید به طور مؤثری به نجات موجودات به این گستردگی بپردازید، درست است؟ بنابراین این که به شما توصیه شد که کارها را همان طور که اکنون درحال انجام آن هستید انجام دهید دلیلی برای آن وجود نداشت؟ انجام آن به این شیوه، شرایط مناسب بهتری برای نجات موجودات برای شما فراهم می کند، آیا این طور نیست؟ البته همان طور که به تزکیه می پردازید، شما - که تزکیه کننده هستید - مطمئناً با آزمون ها مواجه می شوید، زیرا لازم است صعود کنید. زمانی که فردی امور را به خوبی اداره نمی کند، دردسر و دشواری ها به طور پیوسته به وجود خواهد آمد. اما کسانی که کارها را به خوبی اداره می کنند، همان طور که تزکیه می کنند به طور پیوسته با آزمون ها مواجه می شوند. اگر به طور مطلق همه آن ها را به عنوان مداخله در نظر بگیرید و دردسر و دشواری ها را فقط به خاطر حل و فصل کردن آن ها حل و فصل کنید، پس قادر به حل و فصل کردن آن ها نخواهید بود، زیرا آن ها به خاطر رشد شما اتفاق می افتند. باید به آن ها با افکار درست نگاه کنید، [از خودتان پرسید،] “با این مشکلی که روبرو هستم، راه درست مواجه شدن با تمام چیزهایی که در ارتباط با این مزاحمت و مداخله است چیست، و در برابر هدف نجات موجودات ذی شعور چگونه باید آن را بسنجم؟ و چگونه باید در مسیری مسئولانه برای نجات موجودات ذی شعور به آن بپردازم، و وقوع این چیزها را به عنوان زمینه های خوبی برای آشکارسازی حقیقت، یا به عنوان فرصت هایی برای آشکارسازی حقیقت در نظر بگیرم؟” تحت شرایط عادی شاید دلیلی برای نزدیک شدن به مردم و آشکارسازی حقیقت برای آن ها نداشته باشید، و اگر بدون مقدمه چنین کنید ممکن است مایل نباشند با شما روبرو شوند. آیا تداخل و مزاحمت به شما فرصتی برای تماس با مردم نمی دهد؟ آیا نباید فرصت را غنیمت شمرده و حقیقت را برای آن ها آشکار کنید؟ بزرگترین مسئولیتی که مریدان دافا دارند، جدای از تزکیه خودشان، نجات موجودات است. بنابراین آیا می توانید آن را انجام ندهید؟ و چطور می توانید آن را به خوبی انجام ندهید؟ بنابراین نباید وقوع هر مشکلی را که با آن روبرو می شوید به عنوان مزاحمتی برای وظایف درست تان، مطالعه فا، یا آشکارسازی حقیقت تان در نظر بگیرید. مسئله بدین صورت نیست. زمانی که مشکلی به وجود می آید، فرصتی برای آشکارسازی حقیقت برای شما مهیا می کند.

آیا نگفته‌ام زمانی که در سه قلمرو به چیزها نگاه می‌کنید، امور برعکس هستند؟ بسیاری از چیزهایی که نوع بشر بد در نظر می‌گیرد خوب هستند. و بسیاری از چیزهایی که نوع بشر خوب در نظر می‌گیرد بد هستند. آیا پنداشت همگانی در جهان بشری وارونه نیست؟ موجودات انسانی فکر می‌کنند که این چیز بدی است که سختی‌هایی کشید. اما رنج بردن از سختی‌ها می‌تواند کارما و گناهان فردی معمولی را کاهش دهد. هنگامی که فردی در طول حیاتش مقداری سختی را تحمل می‌کند، در زندگی بعدی‌اش رحمت دریافت خواهد کرد. هنگامی که فردی در زندگی بعدی‌اش ثروت دارد یا از یک مقام بالا بهره‌مند می‌شود، آن مرهون انجام اعمال خوب و جمع کردن رحمت و تقوی در زندگی قبلی‌اش می‌باشد. اگر فردی به انجام اعمال بد ادامه دهد، حتی یک ذره رحمت یا تقوای بجای مانده نداشته باشد، و مقدار زیادی کارما جمع کرده باشد، پس در زندگی بعدی‌اش نه تنها هیچ رحمت و تقوایی ندارد، و از هیچ نیک‌بختی‌ای بهره نخواهد برد، بلکه مجبور خواهد بود برای کل آن کارما تاوان نیز بپردازد. بنابراین در کل زندگی‌اش گرفتار فقر خواهد بود و توسط دیگران پست شمرده خواهد شد. او ممکن است حتی فکر کند که دنیا در تمام اشکال نسبت به او بی‌انصاف است، درحالی‌که تماماً به‌خاطر این است که او در حال بازپرداخت قرض‌هایی است که در زندگی قبلی‌اش جمع کرده است. این صحبتی است در ارتباط با موجودات بشری. پس برای تزکیه‌کنندگان، آیا این محیط دقیقاً فرصت‌هایی برای رشد فرد فراهم نمی‌کند؟ مریدان دافا همگی می‌دانند که تحمل سختی‌ها کارما را از بین می‌برد، و این که علاوه بر آن، فرصت‌هایی را برای رشد فرد تدارک می‌بیند. آن‌ها قادرند آن‌را به درستی ببینند، و همراه با بازپرداخت کارمای‌شان قادرند فرصت را غنیمت شمرده و در ارتباط با کارهایی که باید انجام دهند به‌خوبی عمل کنند. اگرچه آن سخت است، اما آن‌ها آزمون‌هایی هستند که باید بر آن‌ها غلبه کنند. وقتی بتوانید درست به موضوع نگاه کنید، مشکل را در جای درست خودش قرار داده و آن‌را از طریق درستی حل کنید، از این آزمایش پیروز بیرون می‌آیید، سطح شما ترقی کرده، قلمرو شما ارتقاء یافته و گونگ‌تان افزایش می‌یابد، درست است؟ آیا کل روند تزکیه اصلاح فا این‌گونه عمل نمی‌کند؟

به‌خاطر بسپارید، آنچه برای موجودات بشری پنداشت همگانی است وارونه می‌باشد. بنابراین وقتی همان‌طور که تزکیه می‌کنید با چیزهای پردردسر مواجه می‌شوید، همه آن‌ها را به‌عنوان مشکلات، به‌عنوان مداخله در وظایف درست‌تان، یا به‌عنوان حملاتی علیه آن وظایف در نظر نگیرید، یا این که فکر کنید، “این کار که در حال انجام آن هستم بیشترین اهمیت را دارد، آن کار که در حال انجام آن هستم دارای حداکثر اهمیت است...” درواقع، بسیاری از چیزها ممکن است واقعاً آن‌طور که شما می‌بینید نباشند. رشد حقیقی شما همیشه اولین و مهمترین خواهد بود، و کمال تزکیه شما همیشه اولین و مهمترین است. اما نمی‌توانید فکر کنید که، “از آن‌جا که شما بیان کردید رشد و تزکیه من بیشترین اهمیت را دارد، هیچ‌کسی نباید با آن مداخله کند.” شما دوباره در اشتباه خواهید بود. آیا مداخله و مزاحمت، فرصت‌هایی را برای رشد فرد فراهم نمی‌کند؟ از دیدگاه من، به‌عنوان استاد شما، فکر می‌کنم که رشد شما مهمترین چیز است، اما به این معنی نیست که همان‌طور که رشد می‌کنید مسیری هموار در انتظار شما است. تصور کنید که با مقدار زیادی کارما به بهشت می‌رفتید و در حال کشیدن چمدان سنگینی می‌بودید (خنده حضار)، چگونه آن می‌توانست مجاز باشد؟ من مجبورم امتحان‌های خاصی را برای شما برنامه‌ریزی کنم و کاری کنم که از آن وابستگی‌های خودتان رها شوید، کاری کنم که از تمام آن کوله‌بار‌هایی یابید. همان‌طور که از میان امتحانی پس از دیگری گذر می‌کنید، باید به‌طور پیوسته وابستگی‌ها و افکار بشری را بیرون بریزید، و شما قادر نخواهید بود که آن چیزها را به امتحان‌های دیگر ببرید [و هنوز هم آن‌ها را بگذرانید]. بنابراین هنگامی که یک آزمون فرا می‌رسد، شما می‌گویید، “این دردسر است،” و برخی از افراد حتی به هر جایی برای پیدا کردن استاد می‌روند و می‌پرسند، “اوه، چگونه آن را برطرف کنم؟” خوب، چگونه می‌توانستم آن‌را برایتان حل کنم؟ اگر می‌شد که من آن‌را برطرف می‌کردم، شما نمی‌توانستید آن امتحان را بگذرانید. اگر آزمون‌ها را از میان برمی‌داشتیم، آیا قرار است درحالی‌که بار سنگینی از اسباب و اثاثیه با خود می‌کشید به جلو بروید؟ بنابراین من نمی‌توانم آن امتحان را برای شما از میان بردارم. (استاد می‌خندد) آیا این معنی می‌دهد؟ این دلیل آن است که چرا می‌گویم

هنگامی که به تزکیه می‌رسد، حقیقتاً باید پی ببرید که تزکیه چیست، به‌طور حقیقی و خردمندانه‌ای در برابر تزکیه خودتان مسئول باشید، هر چیزی که با آن مواجه می‌شوید به‌طور واقعی با افکار درست اداره کنید، و افکار درست قوی داشته باشید.

در آخرین کنفرانس فای کرانه غربی، آیا درباره این که چگونه بسیاری از تمرین‌کنندگان دافا قادر به پذیرش انتقاد نیستند صحبت نکردم؟ آن‌ها از مورد انتقاد واقع شدن اجتناب می‌کنند. به محض این که دیگران چیزی می‌گویند آن‌ها منفجر می‌شوند، ناراحت می‌شوند، یا شروع به مجادله با کسی می‌کنند. آن‌ها می‌خواهند فقط چیزهای خوشایند بشنوند. بنابراین شما فقط می‌خواهید مسیری هموار را طی کنید، آیا این‌طور نیست؟ آیا می‌خواهید با کوله‌باری از بار سنگین به آسمان‌ها بروید؟ آیا کاری که می‌خواهید انجام دهید در اصل این نیست؟ شما باید از تمامی افکار بد بشری و هر نوع از وابستگی که دارید رها شوید. آیا عدم تمایل به شنیدن انتقاد، یک وابستگی نیست؟ شما فقط می‌خواهید چیزهای خوشایند بشنوید، اما چگونه می‌تواند بدین صورت باشد؟ [برنامه‌ریزی‌هایی ترتیب داده می‌شوند] که دقیقاً دیگران چیزهای ناخوشایندی بگویند و ببینیم که آیا تکان می‌خورید. یک خدا هیچ توجهی به آن‌چه یک موجود بشری درباره او می‌گوید نمی‌کند - شما نمی‌توانید تأثیری بر او بگذارید. او کمترین تلاشی نمی‌کند پی ببرد کاری که شما انجام می‌دهید چگونه به او ارتباط پیدا می‌کند. ابتدا هیچ توجهی نمی‌کند، زیرا شما نمی‌توانید بر او تأثیر بگذارید. خدایان می‌توانند فکر بشر را کنترل کرده و انسان‌ها را برای انجام کارهای خاصی هدایت کنند، نه برعکس. چگونه ممکن است موجودات بشری بتوانند خدایان را تحت تأثیر قرار دهند؟ بنابراین اگر مایلید که موجودی خدایی شوید، آیا خود شما نباید بدان شکل باشید؟ آیا نباید از آن وابستگی‌ها رهایی یابید؟ و آیا نباید از آن احساسات‌تان که می‌تواند توسط موجودات بشری برانگیخته شود رها شوید؟

حتی هنگامی که مشکل توسط یک مرید دافا ایجاد می‌شود همین مصداق دارد. ممکن است بگویید، "این مشکلی به‌وجود آمده توسط مردم عادی نیست، بنابراین غلبه بر آن سخت است." مطمئناً این‌طور است. مریدان دافایی که در حال تزکیه کردن هستند خدایان نیستند، بلکه آن‌ها نیز موجودات انسانی‌اند. و وقتی این، موجودات انسانی هستند که تزکیه می‌کنند، همه نوع وابستگی بشری ظاهر می‌شود. بنابراین در این محیط تزکیه مریدان دافا، تنها می‌توان گفت که موجودات دائماً به سمت بالا در حرکت هستند؛ محیط نمی‌تواند به خلوص [محیط] خدایان ساخته شود. اما این محیط بسیار بهتر از محیط مردم عادی است. این تنها شیوه‌ای است که می‌تواند باشد، و همواره بهتر خواهد شد. این دلیل آن است که چرا در این محیط مریدان دافا، همه نوع وابستگی بشری به نمایش درآمده‌اند و حتی رفتارهای بسیار بدی روی داده است. آیا در مسیری که سفر کرده‌اید شاهد تمامی آن‌ها نبوده‌اید؟ این قابل انتظار است.

بله، تعداد زیادی از افراد هنگامی که دافا به‌طور منفی تحت تأثیر قرار می‌گیرد بسیار نگران هستند، و فکر می‌کنند، "چگونه این فرد تزکیه‌کننده توانست به این بدی عمل کند؟" بله، اگر هر کسی بدان شیوه فکر کند، شما قادر خواهید بود از این محیط حفاظت کرده و به‌طور پیوسته خلوص آن‌را ارتقاء دهید. اما مشکلات هنوز هم اتفاق خواهد افتاد، و وابستگی‌های بشری هنوز هم خودشان را نشان خواهند داد. من ناظر وضعیت کلی امور بوده‌ام، و می‌دانستم که این چیزها به‌طور حتم در محیط تزکیه پدیدار خواهند شد، اما هم‌چنین می‌دانم که این چیزها مسلماً در طی روند تزکیه‌تان به تدریج برداشته خواهند شد. از آن‌جا که در حال تزکیه کردن هستید، در نهایت همه رشد خواهند کرد، و این را نیز می‌دانم. زمانی که مردم در این محیط تزکیه می‌کنند آن این‌گونه است. اما وقتی می‌بینید که دیگران نام دافا را لکه‌دار می‌کنند هیچ‌یک از شما باید نه سست شوید و نه بی‌اعتنا باشید - این یک الزام برای شما است. با وجود مرید دافا بودن، آیا قرار نیست همه شما از فا حفاظت کرده و به آن اعتبار بخشید؟ این مسئولیت شماست. بنابراین درحالی که به تزکیه می‌پردازید، مسائل صرفاً به شکلی که شما آن‌ها را تصور می‌کنید نیستند. هر چند باید تزکیه را به‌عنوان مهمترین چیز در نظر بگیرید، اما نمی‌توانید فکر کنید که هیچ‌یک از چیزهای دیگر، مهم نیستند، فکر کنید که خانواده شما بی‌اهمیت است، اجتماع بی‌اهمیت است و غیره، و هیچ چیز دیگر، مهم نیست. به‌خوبی متعادل

کردن تمام بخش‌های زندگی‌تان، مسیری است که باید طی کنید. گفته‌ام که در تزکیه باید تا بیشترین حدی که ممکن است با روش جامعه معمولی مطابقت داشته باشید. البته، همه نوع افرادی وجود دارند. آن‌هایی که سعی می‌کنند به دافا آسیب برسانند در آن اردوگاه‌های کار که سعی می‌کنند شاگردان را “تغییر” دهند حتی چیزی گفتند، مبنی این‌که، “آیا استاد نگفته است که درحالی که تزکیه می‌کنید باید تا بیشترین حدی که ممکن است با اجتماع عادی مطابقت داشته باشید؟ شما باید برگردید تا فردی عادی باشید و مطالعه [دافا] را متوقف کنید. کتاب‌هایتان را تحویل دهید.” بله، همه نوعی افرادی وجود دارند. اما البته، آیا شما، در یک سطح بنیادین، یک تزکیه‌کننده هستید؟ اگر خودتان را حتی از فا جدا کنید، چگونه قرار است تزکیه کنید؟ بسیاری از افراد عادی مرا استاد صدا می‌کنند، اما آن‌ها تزکیه‌کننده نیستند. به عبارت دیگر این‌طور نیست که هر کسی که مرا استاد می‌نامد به‌عنوان یک تزکیه‌کننده به حساب می‌آید. شما باید خودتان را به‌طور حقیقی در زندگی روزمره‌تان تزکیه کنید، و حقیقتاً خودتان را به‌عنوان یک تزکیه‌کننده در نظر بگیرید.

هم‌اکنون مواردی را مطرح کردم. کنفرانس فای شما لازم است به نتایج واقعی دست یابد. به سخنان شاگردان گوش کردم. کنفرانس شما کاملاً پرشور بوده است، و این کاملاً عالی است. بنابراین خوشحالم. وقت بیشتری از شما نمی‌گیرم. فقط آمدم تا شما را ببینم. هرگاه که می‌آیم، اولاً، برای اشاره کردن به موضوعاتی است، و ثانیاً، برای دیدن همه است. آیا برخی افراد نگفته‌اند که شما استاد را این‌جا و فا را این‌جا دارید؟ خوب، پس تلاش کنید تا تمامی آن چیزهایی را که باید انجام دهید به‌خوبی انجام دهید. (تشیویتی پرشور طولانی)

آموزش فا در کنفرانس فا در پایتخت ایالات متحده

لی هنگجی، ۲۲ ژوئیه ۲۰۰۶

(تسویق گرم)

دروود بر همه! (مریدان می‌گویند، "دروود استاد")

افراد بسیاری به این کنفرانس فا آمده‌اند. شاگردان از مناطق بسیاری آمده‌اند. یک سالن کنفرانس نمی‌تواند همه را جای دهد، بنابراین چندین سالن کنفرانس آماده شده است. به‌عنوان مریدان دافا درحالی که تا امروز تزکیه کرده‌اید، به‌طور فزاینده‌ای درباره‌ی این که این دافا که تزکیه می‌کنید چیست روشن‌تر شده‌اید، درباره‌ی مسئولیت‌های مریدان دافا روشن‌تر شده‌اید و درباره‌ی اهمیت هرکاری که مریدان دافا امروز درحال انجام آن هستند روشن‌تر شده‌اید. و این دلیل آن است که چرا حتی تا بلوغ بیشتری رشد کرده‌اید و همان‌طور که به‌عنوان مریدان دافای دوره‌ی اصلاح فا، به نجات موجودات می‌پردازید، به تزکیه‌ی شخصی می‌پردازید و به اعتباربخشی به فا می‌پردازید، بهتر و بهتر عمل کرده‌اید. این مسئله در تغییراتی که در وضعیت کلی امور به‌وقوع می‌پیوندد به‌خوبی می‌تواند دیده شود.

بنابراین درخصوص وضعیت کلی امور درحال حاضر، اکنون، از زمانی که آزار و شکنجه‌ی شیطانی شروع شد کاملاً متفاوت است. آزار و شکنجه‌ی شیطانی فالون گونگ از عهده‌ی آن برنیامد که فالون گونگ را سرنگون کند، بلکه برعکس، خود آن‌ها سرنگون شده‌اند. (تسویق) این صرفاً آزار و شکنجه علیه گروهی از افراد در اجتماع عادی بشری نیست، و صرفاً آزار و شکنجه علیه گروهی از تزکیه‌کنندگان نیز نیست. این مقابله‌ای سرنوشت‌ساز بین خوبی و اهریمن در گیتی است و مقابله‌ای سرنوشت‌ساز بین موجوداتی که در طول روند اصلاح فا تحت تأثیر قرار گرفته‌اند و آن‌هایی که خودخواه هستند، کسانی که کارها را برای خاطر خودشان انجام می‌دهند و کسانی که منحرف شده‌اند، و خود اصلاح فا است. مدت‌ها پیش گفتم که اصلاح فا قطعاً موفق می‌شود و این که هیچ کسی نمی‌تواند آن را متوقف کند. (تسویق) این موضوع ساده‌ای مربوط به تزکیه نیست و موضوع ساده‌ای که ارتباطی با گروهی از شهروندان مهربان داشته باشد نیز نیست که این‌جا در اجتماع بشری فالون گونگ وجود دارد. بلکه این یک جهان ذره‌بینی از اصلاح فای گیتی است که در اجتماع بشری منعکس شد، و در اجتماع بشری، این مسئله، نقطه‌ی قانونی تمام چیزهایی است که در گیتی درحال به‌وقوع پیوستن است. از آنچه که در اجتماع عادی بشری درحال روی دادن است، می‌توانیم وضعیت کلی تمام اصلاح فای گیتی را ببینیم. اگرچه این نمایشی چشم‌گیر و باشکوه نیست، چیزی ژرف و تکان‌دهنده - همان‌گونه که در گیتی است - اما این تجلی مقابله‌ی سرنوشت‌ساز بین خوبی و اهریمن، فشرده شده در این اجتماع بشری است و یک شخص می‌تواند مداخله و مزاحمتی را که موجودات منحرف در طول روند اصلاح فا به‌وجود آورده‌اند ببیند.

قبلاً چیزی را گفتم، که این بود، "اگر آسمان‌ها بخواهند که چیزی تغییر کند، هیچ کسی نمی‌تواند آن را متوقف کند." (تسویق) پس در مورد تو چه‌طور، حزب شرور ناچیز؟ به چه حساب می‌آید؟ اگر تزکیه‌ی مریدان دافا امروز تمام می‌شود، اگر فقط همین تعداد افراد قرار بود نجات پیدا کنند - اگر تعداد مردم دنیا که قرار بود نجات یابند فقط همین اندازه می‌بود - و هر چیزی در این مرحله به پایان می‌رسید، کمتر از یک روز زمان می‌برد تا حزب شیطانی متلاشی شود. (تسویق) این بدین دلیل است که منظور از وجودش، علت این‌که چرا تاریخ در آغاز آن را به‌وجود آورد و روند برپا داشتن آن، تماماً برای خاطر اعتباربخشی امروز مریدان دافا به فا بود. این چیزی است که نیروهای کهن نظم و ترتیب دادند. وقتی دیگر هیچ فایده‌ای نداشته باشد، چرا نگه داشته شود؟ آن در گیتی چیزی به حساب نمی‌آید. فقط تزکیه‌ی مریدان دافا و نجات موجودات ذی‌شعور، حقیقی و واقعی است. فقط تعالی سطوح مریدان دافا و فقط تقوای عظیمی که مریدان دافا در طول این روند بنیان نهاده‌اند جاودانه هستند. آن‌ها برای آینده هستند. پس، چیزهای دیگر چه اهمیتی دارند؟ هیچ اهمیتی ندارند. هر کسی یا هر چیزی که در طول این دوره یک تأثیر مداخله و مزاحمت داشته است، همان‌طور که تاوان بدهی‌هایش را می‌پردازد متلاشی شده و کاملاً نابود خواهد شد.

البته، هر چیزی که مریدان دافا در طول روند تزکیه و اعتباربخشی به فا به‌نمایش می‌گذارند تنها می‌تواند به‌عنوان ظهور وضعیتی درحال تزکیه کردن در نظر گرفته شود. در طول این روند مطمئناً افرادی هستند که به‌خوبی عمل می‌کنند و افرادی که کمی بدتر عمل می‌کنند، افرادی که محکم نیستند و سست می‌شوند و البته افرادی نیز وجود دارند که خیلی ثابت‌قدم و خوب هستند. تمامی این‌ها نمودهایی در این

روند هستند و این دقیقاً چگونگی روند تزکیه است. این‌ها از شیوه‌های تزکیه پایه‌گذاری شده در گذشته که بر آزمایش‌های شین‌شینگ فرد تمرکز می‌کرد متفاوت است. همگی درباره آن شیوه‌های تزکیه گذشته می‌دانید. آزمایش‌های شین‌شینگی که در طول تزکیه کردن با آن‌ها برخورد می‌کردند، هر موردی که بود، همگی با موضوعات مربوط به فرد سر و کار داشت. اکنون امور متفاوت هستند. این فا عظیم است و منظور اصلی، اصلاح فای گیتی است. همان‌طور که مریدان دافا تزکیه خودشان را انجام می‌دهند آن‌چه که نشان داده می‌شود کاملاً متفاوت از چیزهای تزکیه‌های پیشین است، که هدف، کمال خود شخص بود.

مدت‌ها پیش گفتیم که تزکیه‌ای که مریدان دافا انجام می‌دهند شکلی از تزکیه را اختیار می‌کند که تا حد اکثر امکان با اجتماع عادی بشری هم‌ساز باشد، شخص درحالی تزکیه می‌کند که با شیوه مردم عادی حد اکثر مطابقت را دارد. پس این نوع تزکیه که با اجتماع عادی بشری هم‌ساز است این نوع حالت تزکیه را موجب می‌شود. این حالت تزکیه متفاوت از هر روش یا حالت تزکیه‌ای در تاریخ است. اگر سعی می‌کردید هر روش تزکیه یا شیوه تزکیه دیگری را به‌عنوان مرجع به‌کار ببرید، همانندی را نمی‌یافتید، چراکه این قبلاً هرگز وجود نداشته است. هرگز چیزی به عظمت اصلاح فا وجود نداشته و نه هرگز چیزی وجود داشته که چنین گروه عظیمی از موجودات را بسازد و تا چنین مقام کمال والایی برساند. همچنین، مهم‌ترین چیز این است که هیچ شخصی هرگز در تزکیه موفق نشده است؛ آن‌هایی که موفق شدند همگی روح‌های کمکی بودند. هرگز در تاریخ یک موجود بشری موجودی خدایی نشده است، بنابراین [آن‌چه که درحال انجام آن هستیم] به هیچ شکل تزکیه گذشته‌ای شبیه نیست. در این محیط تزکیه و در طول روند تزکیه مریدان دافا، مواردی وجود دارد که به‌خوبی همکاری می‌کنید و مواردی که به‌خوبی همکاری نمی‌کنید، و گاهی اوقات با جریان پیوسته‌ای از تضادها و تنش‌ها مواجه می‌شوید. مواردی نیز وجود دارد که مریدان دافا قادرند درحالی که با همدیگر رشد می‌کنند مشکلات را حل و فصل کنند و با این حال موج‌های تضاد و مانند آن مرتباً پدیدار می‌شود. گاهی اوقات نموده‌ها شدید هستند، گاهی اوقات ملایم، و گاهی اوقات پس از گذشت مدتی در تزکیه، مسائل، خود را تکرار می‌کنند و تضادها و تنش‌های جدید ظاهر می‌شوند، حتی تا نقطه‌ای که شدیدتر از گذشته هستند. آن‌گاه برخی افراد می‌اندیشند: “عجب... ما تزکیه می‌کنیم و تزکیه می‌کنیم و با این حال این تضادها و مسائل هنوز این‌چنین شدید هستند؟ چرا بعد از تمام این تزکیه کردن‌ها هنوز تضادهایی وجود دارد؟ ما تزکیه می‌کنیم و تزکیه می‌کنیم، پس چرا به‌نظر می‌رسد که حتی به خوبی گذشته هم نیستیم؟ بعد از این همه تزکیه کردن، چرا این‌طور است که نمی‌توانیم هیچ پیشرفتی را مشاهده کنیم؟” بسیاری از افراد این چنین اندیشیده‌اند. درواقع، این نتیجه‌گیری اشتباهی است و عدم کاملی از درک شکلی را که تزکیه مریدان دافا برمی‌گزیند منعکس می‌کند.

من بیان کردم که مریدان دافا قرار است در اجتماع عادی بشری تزکیه کنند و درحالی که این مسئله راحت‌ترین روش را در دسترس قرار داده- [افراد را قادر می‌سازد] بدون ترک دنیای مادی به‌سوی خدا و بودا شدن تزکیه کنند- همان‌طور که می‌دانید، چیزهای مختلفی که وقتی وابستگی‌های اجتماع عادی گونه به یکدیگر برخورد می‌کنند پدیدار می‌شود، و حالتی که افراد در بین حقایق اجتماع وقتی اخلاقیات افول می‌کنند و فرو می‌ریزند در آن هستند، چالش‌های عظیمی را پیش می‌کشند. و این به همین جا ختم نمی‌شود. در چشم خدایان، این مکان خطرناک و کثیف است، و کارما همه جا هست. کارمایی که مردم روی بدن‌شان حمل می‌کنند آن قدر زیاد است که حتی وقتی در خیابان راه می‌روند از آن‌ها می‌چکد. علاوه بر آن، اهریمن‌های شرور احساسات (چینگ) و اشباح پوسیده‌ای که دنیای بشری را پر می‌کنند وجود دارند. تمامی این چیزها ماده در پایین‌ترین سطح می‌باشد که منحرف شده است. پس محیطی شبیه این، از نقطه‌نظر تزکیه، فقط آزمایشی از این‌که آیا می‌توانید این‌جا پیشرفت کنید را پیش نمی‌کشند، بلکه علاوه بر آن، قسمتی از شما که پس از پیشرفت‌تان به‌طور موفقیت‌آمیزی تزکیه شده بود را به‌طور جدی آلوده می‌کرد. این چیزی کاملاً اجتناب‌ناپذیر می‌بود. آیا یک شخص می‌توانست بدین شکل تزکیه کند؟ شما به تزکیه ادامه می‌دادید، و مرتباً آلوده می‌شدید، مرتباً تزکیه می‌کردید، مرتباً آلوده می‌شدید، بارها و بارها. آیا می‌توانستید به این شکل در تزکیه موفق شوید؟ نمی‌توانستید. بنابراین وقتی درحال تعیین این شکل تزکیه بودم این مسئله را مد نظر قرار دادم. از این‌رو، در طول روند تزکیه، به محض این‌که یک تزکیه‌کننده یک قسمت را، همراه با صعود قلمرو خود و گذراندن برخی آزمایش‌ها، به‌طور موفقیت‌آمیزی تزکیه کرده باشد، آن قسمت به طریقی رها از قید زمان بلافاصله جدا می‌شود. (تشیویق) [آن قسمت]، دیگر هیچ تماسی با دنیای بشری نداشته و توسط مقدار عظیمی از مکان و زمان جدا می‌شود. برای مثال، ممکن است به زمانی میلیون‌ها یا ده‌ها میلیون سال بعد جدا شود. پس آیا می‌توانید او را آلوده کنید؟ او دور از دسترس است. او ممکن است فقط چند اینچ دور باشد، اما تفاوت‌های عظیم مکانی و زمانی باعث می‌شود این بُعد قادر نباشد یک ذره هم با آن قسمت از مریدان دافا که به‌طور موفقیت‌آمیزی تزکیه شده است مداخله کند. فقط درحال بیان توضیحی در این خصوص هستیم- آن جدا می‌شود. بنابراین همان‌طور که قسمت‌ها دائماً به‌طور کامل درحال تزکیه شدن هستند، دائماً درحال جدا شدن هستند؛ در عین حال، قسمتی که به‌طور کامل تزکیه نشده است، به‌طور پیوسته دست‌خوش تزکیه می‌شود تا مرحله‌ای که هیچ چیز باقی نماند و هر چیزی به‌طور موفقیت‌آمیزی تزکیه شده باشد. این مسیر تزکیه‌ای است که باید طی کنید.

پس همان طور که از میان این روند می‌گذرید، دربارهٔ این بیندیشید: آیا قسمتی از شما که خودش را در اجتماع عادی بشری نشان می‌دهد - قسمتی که به طور موفقیت‌آمیزی تزکیه نشده است - قسمتی از موجودی بشری که در حال تزکیه است نمی‌باشد؟ از آن‌جا که این موجودی بشری است که در حال تزکیه می‌باشد، او افکار و رفتار بشری دارد. از آن‌جا که این موجودی بشری است که در حال تزکیه می‌باشد، او انواع و اقسام افکار بشری بدی دارد که یا در گذر زمان شکل گرفته‌اند یا توسط آلوده شدن جدیدی از اجتماع به وجود آمده‌اند. پس به عنوان یک تزکیه‌کننده، [ممکن است فکر کنید،] "چه چیزی تزکیه کردن به حساب می‌آید؟" بسیار خوب، علاوه بر انجام کارهای دیگر، انجام دادن کارهایی که میدان دافا قرار است انجام دهند، از قبیل کارهایی که به فا اعتبار می‌بخشد و کارهایی که موجودات ذی‌شعور را نجات می‌دهد، مسئولیت‌گزیرناپذیر یک شخص و قسمتی از بنیان نهادن تقوای عظیم او است. اما این‌که قادر باشید خودتان را رشد دهید حیاتی‌ترین چیز است. این بدین دلیل است که اگر خودتان را رشد ندهید، قادر نخواهید بود هیچ‌یک از آن کارها را به خوبی انجام دهید. بنابراین وقتی با خودتان جدی باشید، نقاط ضعف‌تان را پیدا کنید، و به طور پیوسته از آن‌ها رها شوید، آن‌گاه در حال تزکیه کردن هستید. اگر در حالی که از میان یک آزمایش می‌گذرید چیزی را درک کنید و دربارهٔ آن روشن شوید، و امور را به خوبی اداره کنید، آن‌گاه صعود کرده‌اید. قسمت صعود یافته جدا می‌شود، و با صعود یافتن بیشتر، جداسازی بیشتری خواهد بود. در عین حال آن‌چه که باقی می‌ماند باز هم قسمتی است که به طور کامل تزکیه نشده است؛ از آن‌جا که این قسمتی است که هنوز به طور کامل تزکیه نشده است، آن قسمت هنوز در دنیای بشری قرار دارد. پس دربارهٔ این بیندیشید: آیا به نظر نمی‌رسد که این شخص همیشه در حال تزکیه کردن است - و این قدر بی‌ثمر تزکیه می‌کند - و هیچ رشد قابل ملاحظه‌ای نمی‌کند؟ چرا این طور است که او نمی‌تواند جنبهٔ خدایی‌اش را آشکار سازد؟ وقتی یک شخص به خوبی تزکیه کرده باشد، از لحاظ ظاهری، می‌توانید فقط ببینید که شخص کاملاً کوشا است. کوشا بودن بدین معنی است که او قادر است هر لحظه به دقت مواظب گفتار و اعمالش باشد، به دقت به افکارش توجه کند، و قادر است با خودش جدی باشد، و معمولاً قادر است به طور جدی مواظب خودش باشد. این توصیف کسی است که در تزکیه کوشا است. تا وقتی که یک شخص هنوز در حال تزکیه کردن است، جنبهٔ خدایی او نمی‌تواند تأثیرگذار باشد، و شما تجلی واقعی یک خدا را در اجتماع بشری نخواهید دید. تزکیه کردن به چنین شکلی مطمئن می‌سازد که جنبه‌ای که کاملاً تزکیه شده آلوده نخواهد شد، مطمئن می‌سازد که شخص می‌تواند در حالی که حقیقت را در این وضعیت توهم نمی‌بیند به تزکیه کردن ادامه دهد، و مطمئن می‌سازد که مریدان دافا قادر خواهند بود حتی به مقام دستیابی والاتری اعتبار بخشند. در عین حال، همچنین مطمئن می‌سازد که در طول این دوره، دنیای بشری توسط جنبهٔ خدایی تحت تأثیر قرار نمی‌گیرد و تغییر داده نمی‌شود. وقتی یک موجود بشری این چنین با پایداری و استقامت به پیش رود، قادر باشد که در این محیط سخت و آزار دهنده به طور خستگی‌ناپذیر تزکیه کند، و قادر باشد که کوشا باشد، حتی ترتیبی بدهد که موجودات ذی‌شعور را نجات دهد و حتی بهتر عمل کند، آیا این باشکوه نیست؟

این چیزی است که امروز مریدان دافا با آن مواجه هستند، و این شکلی از تزکیه است که توسط مداخله و مزاحمت از طرف نیروهای کهن و همراهان فراهم شد. بنابراین در طول روند تزکیه، تا وقتی که جنبه‌ای از شما که کاملاً تزکیه شده است به سمت دیگر رفته و جدا شود، هر چیزی که کاملاً تزکیه نکرده‌اید هنوز آشکار خواهد شد. وابستگی‌های بشری هنوز خود را نشان خواهند داد، درست همان طور که عناصر بد خود را نشان خواهند داد. هنگامی که تنش‌ها یا تضادها پدیدار می‌شوند، نمی‌توان گفت که مریدان دافا به خوبی تزکیه نکرده‌اند، و نه دربارهٔ آن گروه خاصی از تزکیه‌کنندگان می‌توان چنین و چنان گفت، و نمی‌توان گفت که افراد درگیر کوشا نیستند. شما هرگز نمی‌توانید جنبه‌ای را که کاملاً تزکیه شده ببینید. آن جنبه خدایی شده است، و فقط جنبه‌ای که کاملاً تزکیه نشده است خود را نشان می‌دهد. اما آن افراد واقعاً در حال تزکیه کردن هستند. نه تنها در حال تزکیه کردن هستند، بلکه در حال حاضر مقام دستیابی عظیم و تغییرات عظیمی در تمامی بدن‌شان را بنیان نهاده‌اند، همراه با بسیاری از قسمت‌های بدن‌شان که به خدایان تزکیه شده‌اند.

اگر دقیقاً به وضعیتی که این تضادها و مسائل بروز می‌کنند لحظه‌ای نگاه کنیم، آن‌ها هنوز هم با آن‌هایی که در اجتماع بشری اتفاق می‌افتند فرق می‌کنند. تضادها و تنش‌هایی که مریدان دافا با آن‌ها مواجه می‌شوند فقط برای خاطر تزکیه و برای خاطر اعتباربخشی به فا است. اگرچه وابستگی‌های بشری، وابستگی خودنمایی، وابستگی‌های فرد، و عناصری از موجودات بشری که می‌خواهند به خودشان اعتبار بخشند درگیر هستند، [مریدان دافا] دربارهٔ این چیزها می‌دانند و یک‌بار که شناسایی شوند، آن‌ها را اصلاح خواهند کرد. این کاملاً با مردم عادی فرق می‌کند. بنابراین مسائلی بین مریدان دافا خواهد بود، و بیش‌تر این‌که، چنین چیزهایی نقشی اضافی ایفا می‌کنند. یعنی، یک‌بار که تضاد و تنش ظاهر شود، افراد دیگر را تحت تأثیر قرار خواهد داد. وقتی دیگران متوجه آن شوند، تضاد یا تنش تشدید خواهد شد، که پس از آن باعث می‌شود تزکیه‌کنندگانی که درگیر آن هستند متوجه آن شوند. اگر [یک تزکیه‌کننده] بتواند وقتی از میان آن می‌گذرد به درون نگاه کند، قادر خواهد بود نقاط ضعف خود را پیدا کند. اگر تضاد یا تنش به سطح آورده نمی‌شد یا ظاهر نمی‌شد، نمی‌توانستید وابستگی‌هایتان را کشف کرده و آن‌ها را شناسایی کنید. وقتی همه چیز آرام و بی‌دردسر باشد، آیا می‌توانید خود را تزکیه کنید؟

امروزه بسیاری از گروه‌های مذهبی وجود دارند که می‌گویند: «اوه، نگاه کنید مسائل ما این‌جا چگونه خوب هستند. همه همدیگر را دوست دارند و مراقب هم هستند.» اما آن‌ها چه چیزی را دوست دارند؟ (حضار می‌خندند) آن‌ها وابستگی‌ها را دوست دارند، خوشحالی در این دنیای فانی را دوست دارند، و دوست دارند آن دل‌خوشی بشری را در بین مردم حفظ کنند. آیا این تزییه است؟ این طور نیست! مطلقاً این‌گونه نیست. این فقط حفاظتی است که برای حفاظت از وابستگی‌های بشری استفاده می‌شود. من امیدوار هستم که مسائل بین مریدان دافا [کم‌تر و کم‌تر شود] - هرچه کم‌تر بهتر. اما وقتی چیزهایی با آن ماهیت تا حد امکان کم باشد، آن به‌واسطه محیط و وضعیتی است که توسط قادر بودن شما به جستجوی درون و هشیار بودن هنگام بروز تنش‌ها ایجاد شده است. این آرزوی من است، و اگر همه می‌توانستند به آن برسند عالی می‌بود. اگر افراد نتوانند به آن برسند چه اتفاقی می‌افتد؟ حتی اگر نتوانند به آن برسند، این هنوز هم تزییه است. فقط این‌طور است که آن‌ها در این وضعیتی که محیط تزییه ما است به‌اندازه کافی کوشا نبوده‌اند؛ با این وجود، آن‌ها هنوز هم درحال تزییه کردن هستند. این دقیقاً حالت محیط تزییه‌ای است که مریدان دافا در مرحله کنونی دارند. بگذارید مجدداً به همه شما بگویم: وقتی تضادها و تنش‌هایی به‌وقوع می‌پیوندند، هیچ چیزی برای ترسیدن وجود ندارد - فقط تزییه کنید و به‌خوبی عمل کنید. حتی برای آن‌هایی که در چین هستند که به‌خوبی عمل نکرده‌اند یا به‌اندازه کافی خوب عمل نکرده‌اند، یا کسانی که حتی کارهای بسیار بدی انجام داده‌اند، قبل از این که این امر به پایان برسد آن چیزها هنوز هم نموده‌ایی در تزییه شخصی هستند. اما زمان، منتظر هیچ کسی نخواهد ماند و فرصت‌های کم‌تر و کم‌تری وجود دارد.

از آن‌جا که موجودی بشری به‌سوی خدا شدن تزییه می‌کند، در طول این روند زجرآور جان‌آزمین بردن وابستگی‌ها - همگی درباره این بیندیشید - او مستعد به نمایش گذاشتن چه نوع چیزهایی ممکن است باشد؟ امکان دارد که مستعد همه چیز باشد. اما یک‌بار که متوجه آن شود، می‌تواند آن را اصلاح کند. و چرا می‌تواند چنین کند؟ این برای خاطر یک فرد عادی خوبی بودن انجام نمی‌شود، بلکه برای این که تا مرحله کمال تزییه کند. (تشویق) این مقدس است، و این پیمودن مسیری به‌سوی خدا شدن است. این متفاوت از چیزی است که در هر عدم توافقی که مردم عادی ممکن است داشته باشند اتفاق می‌افتد. شکلی که به خود می‌گیرد هیچ تفاوتی نخواهد داشت، اما نقطه شروع و هدف متفاوت خواهد بود، و حتی کارهایی که افراد انجام می‌دهند و حالت ذهنی‌ای که افراد در طول آن روند در آن هستند دقیقاً مثل هم نیستند. بنابراین باید این را تشخیص دهید. از آن‌جا که با عمق بیشتری به قالب و حالت تزییه می‌پردازم و مسائل را تشریح می‌کنم، هنگامی که با یکدیگر همکاری می‌کنید [از حالا به بعد] نباید دیگر وابستگی حالت دفاعی در برابر دیگران گرفتن را داشته باشید. (تشویق) خواه آن سرزنش کردن‌تان از یکدیگر باشد، استفاده از وابستگی‌های بشری برای پس زدن یکدیگر، یا انواع و اقسام حالت‌ها باشد - می‌توانم به شما بگویم، تمامی آن‌ها وابستگی‌های جدیدی است که به‌واسطه عدم درک شما از شکل تزییه [دافا] ظاهر شده است. آیا مسئله این نیست؟ بله این است! بنابراین در نتیجه عدم درک این حالت تزییه، وابستگی جدیدی را رشد ندهید. خود این وابستگی مانع بزرگی برای پیشرفت در تزییه‌تان خواهد بود، بنابراین باید از این نیز رها شوید.

تعداد زیادی از تضادها و تنش‌ها همان‌گونه که تمرین‌کنندگان تزییه می‌کنند ظاهر می‌شوند. وقتی وابستگی‌های بسیار زیادی وجود دارد که نمی‌تواند رها شود، محیط [تزییه‌ی] شما خوب نخواهد بود. اگر برعکس آن باشد، پس آن عالی خواهد بود. اگر وقتی مشکلات و تضادهای خاصی ظاهر شود درون را جستجو نکنید، آن‌ها تشدید خواهند شد، و این مسئله به‌دلیل وابستگی‌های خود شما اتفاق می‌افتد. برخی بیشتر و بیشتر شدید می‌شوند، و درواقع آن‌ها به‌واسطه خوب تزییه نکردن فرد باعث می‌شوند. آن ادامه پیدا می‌کند تا این که [تضاد] نمی‌تواند حل و فصل شود و آن شخص سردرگم می‌شود و توسط وضعیتی که خود را در آن می‌یابد آذیت می‌شود. پس چه کاری باید انجام شود؟ [آن‌ها تصمیم می‌گیرند،] «بیا برویم استاد را پیدا کنیم.» هر زمان که مسائل از کنترل خارج می‌شوند، افراد به جستجوی استاد می‌روند. همیشه به این دلیل به جستجوی استاد می‌روند که نمی‌توانند بر آن غلبه پیدا کنند، یا نمی‌خواهند بر آن‌ها غلبه پیدا کنند. آیا این طور است که سعی می‌کنید کمک کنید استاد تزییه کند؟ (استاد می‌خندند) (حضار می‌خندند) یا این شما هستید که درحال تزییه می‌باشید؟ (تشویق)

تزییه درباره تزییه خود شخص است. مهم نیست چه حالتی پدیدار می‌شود، شما باید نگاه سختی به خودتان بیندازید. می‌توانم به شما بگویم، اگر یک شخص عادی قادر باشد هرگاه با مشکلات مواجه می‌شود به خودش نگاه کند، او چیزی خواهد شد که مردم عادی یک فرزانه می‌نامند. هنگامی که یک مرید دافا با مسئله‌ای مشکل سختی دارد و نیاز دارد که درباره مسائل فکر کند، او باید به مسائل با شروع از شخص خودش نگاه کند و کارها را هم‌سو با محیط مورد نیاز مریدان دافا و اصلاح فا انجام دهد. زمانی که مشکلی به‌وقوع می‌پیوندد، بدین دلیل است که آن شخص به‌طور سرسختانه‌ای مخالف اصول فا حرکت می‌کند. بروید و پیدا کنید که مشکل کجا نهفته است، از آن لجبازی و سرسختی دست بکشید، و مسائل را روشن کنید. زمانی که با مسئله‌ای مواجه می‌شوید، بهترین رویکرد این نیست که به جلو حمله کرده

و با دیگران کشمکش کنید، [با هل دادن] خود را به جلو برسانید، و به پیش بشتابید تا به طور جدی به یک راه حل برسید. از وابستگی تان دست بکشید، یک قدم عقب بروید، و سپس آن را حل و فصل کنید. (تسویقی) اگر هرگاه مسئله‌ای اتفاق بیفتد بلافاصله بپردازید به این که حق با چه کسی است، آن مشکل چه کسی است، و شما چگونه عمل کردید، آن گاه درحالی که در ظاهر به نظر می‌رسد که در حال حل و فصل تضاد یا تنش هستید، در حقیقت اصلاً این طور نیست. در ظاهر بسیار منطقی به نظر می‌رسد، اما در حقیقت اصلاً منطقی نیست. شما یک قدم عقب نرفته‌اید و وابستگی خود را کاملاً دور بیندازید، و پس از آن درباره‌ی موضوع بیندیشید. فقط پس از این که شخص به آرامی و به صورت مسالمت‌آمیزی از یک تضاد عقب بکشد و سپس به آن نگاه کند می‌تواند به طور واقعی آن را حل و فصل کند.

اگر با هر چیزی که مواجه می‌شوید بتوانید بدان شیوه با خودتان رفتار کنید، حداقل راهی برای حل و فصل کردن مشکل پیدا خواهید کرد. در غیر این صورت چگونه می‌توانستید آن را حل و فصل کنید؟ وقتی شخصی به جلو حمله کرده و اهل کشمکش و جر و بحث باشد، هر چه بیشتر بخواهد آن را حل و فصل کند، کم‌تر قادر خواهد بود. در آن حالت هنوز هم در واقع از آن وابستگی دست نکشیدید و [با هل دادن] خود را به جلو می‌رسانید، و اصرار دارید که پی ببرید چه کسی درست و چه کسی اشتباه است؛ حتی با وجود این که مرتکب اشتباهاتی شده‌اید، اصرار می‌کنید که به اشتباهات دیگران پی ببرید. وقتی رویکرد، آن باشد، قادر نخواهید بود مشکل را حل و فصل کنید. بسیاری از مسائل این گونه ختم می‌شوند. و وقتی مشکل نتواند حل و فصل شود، می‌خواهید بروید استاد را بیابید. اغلب برای این که چرا نمی‌خواهم شاگردان را ملاقات کنم دلایلی وجود دارد، گرچه در حقیقت واقعاً دوست دارم با شما باشم. (تسویقی) شما دیده‌اید مردم در اجتماع امروزی چگونه شده‌اند. حتی نمی‌خواهم به افکار و رفتار آلوده‌شان نظر بیندازم. ترجیح می‌دهم با مریدان دافا در ارتباط باشم. اما به محض این که با شما ملاقات می‌کنم، سؤالات بسیاری را مطرح می‌کنید (حضار می‌خندند)، و بسیاری از چیزهایی را که قرار است همان‌طور که تزکیه می‌کنید روی آن‌ها کار کنید به من تحمیل می‌کنید. بنابراین چاره‌ای برای من باقی نمی‌ماند، و از این رو جرأت نمی‌کنم با شما ملاقات کنم. (حضار می‌خندند)

اگر همگی شما قادر باشید که درون را جستجو کنید، بسیاری از مشکلات حل و فصل می‌شوند، تنش‌های بسیار زیادی وجود نخواهد داشت، و در نتیجه چنین مسائل شدیدی که فوران می‌کنند وجود نخواهد داشت. حتی با وجود این که استاد این را گفته است، بعد از همه این‌ها، این موجودات بشری هستند که در حال تزکیه می‌باشند. حتی با وجود این که مریدان دافا تا این مسافت سفر کرده‌اند و تا جایی که امروز هستند تزکیه کرده‌اند، بعد از همه این‌ها، هنوز هم این موجودات بشری هستند که در حال تزکیه می‌باشند. قسمت‌های خوب، خدایی هستند و جدا شده‌اند، بنابراین وابستگی‌های بشری هنوز هم نمایان می‌شوند. این تا مرحله‌ای پیش می‌رود که برخی از تمرین‌کنندگان از من می‌پرسند: “استاد، چنین مدت زیادی است که تزکیه کرده‌ام. چرا آن افکار بد من هنوز هم این قدر قوی هستند؟ چرا این طور است که هنوز هم نمی‌توانم آن‌ها را برانم؟” این صحت دارد. تا وقتی که تزکیه‌تان را تمام نکرده باشید، در بین آلودگی‌ای [که توصیف کردم] هستید. تا وقتی که تزکیه‌تان را کامل نکرده باشید و عناصر کهن شما کاملاً از بین نرفته باشد، آن عناصر آشکار خواهند شد. فقط وقتی آن‌ها رفته باشند دیگر مشکلات وجود نخواهند داشت. حتی با وجود این که این را گفتم، هیچ کسی نباید شل شود، فکر کند: “اوه، پس این طور است. در این صورت هیچ چیزی ندارم که درباره‌ی آن نگران باشم. (حضار می‌خندند) اگر پدیدار شد، بگذار باشد. دیگر خودم را با آن به زحمت نمی‌اندازم.” این عملی نخواهد بود! تزکیه اولین و مهم‌ترین چیز است. من گفتم که اگر قادر نباشید آن را سرکوب کنید، اگر وقتی با تنش‌ها یا تضادها مواجه می‌شوید، نتوانید به درون نگاه کنید و درون خودتان را جستجو کنید، اگر نتوانید خود را تغییر دهید و وابستگی‌های بشری را از بین ببرید، آن گاه قسمت‌هایی را که کاملاً تزکیه شده‌اند و قسمت‌هایی را که خدایی شده‌اند نخواهید داشت، و کاری که انجام می‌دهید نمی‌تواند تزکیه کردن نامیده شود. بنابراین باید به طور پیوسته قسمتی از خود را که کاملاً تزکیه نشده است تزکیه کنید، طوری که به خدایی بودن برسد و کاملاً تزکیه شود، و باید با خودتان جدی باشید - فقط آن گاه این تزکیه است. در غیر این صورت تزکیه چه معنی دارد؟

شما می‌دانید، بسیاری از مذاهب به عصر پایان دارما رسیده‌اند. این طور نیست که مردم واقعاً می‌خواهند به شکلی که عمل می‌کنند عمل کنند؛ این به واسطه این است که سردرگم و سرگشته شده‌اند. مردم، فعالانه انجام دادن کارها را به عنوان تزکیه در نظر می‌گیرند، و حفظ کردن قالب‌های مذهبی را به عنوان تزکیه در نظر می‌گیرند. در حقیقت، خدایان هیچ اهمیتی به آن چیزها نمی‌دهند. آن‌ها فقط بهتر شدن ذهن و قلب مردم را مهم در نظر می‌گیرند، چرا که آن، بهبود و رشد واقعی است. محیط [به وجود آمده توسط قالب‌های مذهبی] صرفاً به منظور مهیا کردن فضایی است برای تزکیه‌کنندگان یا آن‌هایی که به بودا و خدا اعتقاد دارند که در آن با همدیگر رشد کنند، و برای این است که مردم بتوانند از یکدیگر یاد بگیرند. این دقیقاً شبیه جمع شدن مریدان دافا دور هم برای برگزاری کنفرانس فای جمع شدن دور هم برای مطالعه فای و تبادل تجربه، و انجام تمرین‌ها با همدیگر است. مریدان دافا نسبتاً زمان کمی را در چنین فضایی می‌گذرانند، و با این حال

آن‌ها یگانه فرصت‌هایی هستند که برای گفتگو در مورد مسائل و یاد گرفتن از همدیگر دارید. بیشتر فرصت‌ها [برای ارتباط] و بیشتر زمان‌ها، در اجتماع عادی سپری می‌شوند، و تنش‌ها و تضادهایی که با آن‌ها مواجه می‌شوید عمده‌تاً در اجتماع عادی ظاهر می‌شوند. این دقیقاً شکلی است که تزکیه شما [برمی‌گزیند]. در این صورت نمی‌تواند گفته شود که شما به‌خوبی تزکیه نکرده‌اید و نه می‌تواند گفته شود که مریدان دافا کوشا نیستند. تضادها و تنش‌هایی بین افراد خواهد بود. آن‌چه که مهم است این است که چگونه آن‌ها را اداره می‌کنید.

هم‌اکنون درباره‌ی این موضوع، بیش‌تر با شما صحبت کردم. در واقع تمامی فایه‌ی که آموزش داده‌ام از آن یک جلد فا است. نگاه دقیقی به جوآن فالون بیندازید، و [خواهید دید که] تمامی فایه‌ی که بعد از انتشار این کتاب آموزش دادم توضیح جوآن فالون است. اگر این را باور نمی‌کنید، باید بروید و نگاه کنید. تزکیه کردن بر طبق جوآن فالون به موفقیت شما در تزکیه منجر خواهد شد. (تسویق)

بگذارید از این فرصت استفاده کرده تا مسئله‌ای را ذکر کنم. وقتی مریدان دافا کارها را با همدیگر انجام می‌دهند، باید واقعاً با یکدیگر به‌خوبی همکاری کنید. تغییرات در وضعیت کلی امور بزرگ بوده است. شما دیده‌اید که بسیاری از چیزها هنوز با موانع مواجه می‌شوند، اما یک‌بار که تمامی آن موانع از سر راه برداشته شوند، این امر به پایان خواهد رسید. وضعیت جاری امور دقیقاً به‌واسطه‌ی این است که آن چیزها هنوز پاک نشده‌اند و این‌که هنوز افراد زیادی وجود دارند که به‌خاطر دروغ‌ها از دست رفته‌اند و این‌که هنوز بسیاری از افراد هستند که مایل نیستند حقیقت را بدانند. اما این وضعیت به‌طور پیوسته در حال محو شدن است، شبیه یخ که ذوب می‌شود. یک‌بار که تماماً محو شود، دیگر این محیط وجود نخواهد داشت. آن‌هایی که می‌خواهند تزکیه و رشد کنند هیچ محیطی برای این کار نخواهند داشت. آن‌هایی که می‌خواهند موجودات ذی‌شعور را نجات دهند پی خواهند برد که موجودات بشری همگی، مسائل را می‌فهمند، و بنابراین نیازی به انجام آن کار نیست. به‌عبارت دیگر، یک‌بار که به چنین مرحله‌ای برسد، هیچ کاری برای انجام دادن باقی نخواهد ماند. بنابراین دقیقاً به‌خاطر این‌که در حال حاضر کارهای زیادی وجود دارد که نیاز است انجام شود و بسیاری از مردم هنوز [از این‌که واقعاً چه می‌گذرد] آگاه نیستند است که موقعیتی داریم که امروز در حال دیدن آن هستیم و برای شما نیاز است که کارها را انجام دهید. تغییرات در این وضعیت به نوبه‌ی خود از هر آن‌چه که مریدان دافا در جهت روشن کردن حقیقت و نجات موجودات ذی‌شعور در آن مشارکت می‌کنند جدایی‌ناپذیر است. البته، تأثیر وضعیت اصلاح فایه‌ی قسمتی از آن است، اما اگر مریدان دافا همگی، حقیقت را برای تک‌تک افراد آشکار نکنند، یا حقیقت را برای اجتماع آشکار نکنند، آن‌گاه در خصوص روند تبدیل اذهان مردم عادی در لایه‌ی سطحی، آن چیزی نیست که خدایان برای آن‌ها به‌طور انفرادی انجام دهند. بنابراین کارهایی که درگیر لایه‌ی سطحی موجودات بشری می‌شود باید توسط مریدان دافا انجام شود.

افرادی با روابط تقدیری و آن‌هایی که می‌توانند نجات یابند می‌توانند - توسط بدن‌های قانون استاد، خدایان راستین، یا میدان عظیمی که مریدان دافا در دنیا شکل داده‌اند - واداشته شوند که در هر موقعیت و مناسبتی درست در مقابل شما ظاهر شوند، به‌طوری که برای آن‌ها فرصتی برای دانستن حقیقت فراهم کند. اما شما باید آن‌را به انجام برسانید، و اگر شما بیرون نباشید که کارها را انجام دهید، این عملی نیست. حتی با وجود این‌که وضعیت کلی امور دست‌خوش تغییرات عظیمی شده است، فشار [چیزهایی که هنوز] در مقابل شما [قرار دارد] کم نشده است. نجات مردم در حال حاضر موضوعی اضطراری است؛ هنوز هم مردم زیادی هستند که حقیقت را ندیده‌اند. آن‌چه که برای چگونگی مردم عادی صحت دارد، همانی است که چگونه حکومت‌های گوناگون رفتار خواهند کرد؛ بدون توجه به این‌که آن‌ها درک درستی دارند یا نه، و بدون توجه به این‌که چه نوع افکاری دارند، وقتی حقایق به آن‌ها ارائه شود متقاعد خواهند شد و باید به چیزها به‌درستی بنگرند. خواه این تزکیه باشد یا نجات موجودات ذی‌شعور - هدف ذهن شخص است، نه برخی نهادها. بدین صورت که ملیت خاصی در نظر گرفته شده باشد که نگه داشته شود یا برخی دیگر دور ریخته شوند، امور تعیین نشده‌اند. قطعاً این‌طور نیست. مهم نیست یک شخص از چه کشوری هست یا در کدام گوشه‌ی دنیا زندگی می‌کند، [کوشش‌های ما] فقط ذهن فرد را هدف قرار می‌دهد، نه برخی نهادها را.

بسیاری از مریدان دافای ما صحنه‌هایی واقعی از آینده را دیده‌اند؛ آن‌ها کاذب نیستند. آن چیزها قدم به قدم، همراه با تغییراتی که با گذر زمان روی می‌دهند پیوسته نزدیک‌تر می‌شوند. بنابراین، به‌عنوان مریدان دافا باید در خصوص کارهایی که قرار است انجام دهید به‌خوبی عمل نمایید. درباره‌ی چیزهایی که قرار است در آینده اتفاق بیفتد نگران نباشید، این کافی است اگر دروناً بدانید که چه کار باید بکنید، فا را در ذهن تان داشته باشید، هر کاری را که لازم است انجام داده شود انجام دهید، و هر کاری را که مایلید انجام دهید، تا وقتی که دافا به آن نیاز دارد، انجام دهید. (تسویق) در خصوص هیچ چیزی به افراط و تفریط نروید؛ کارها را به‌طور منطقی و با ذهنی شفاف انجام دهید. /بن، تقوای عظیم یک مرید دافا است. هر کسی که از عهده‌ی آن بریاید که در حالی که این شکل تزکیه‌ی اجتماع عادی‌گونه را پیروی می‌کند پایدار بماند، آن شخص به‌طور واقعی در حال انجام بهترین کار در این قالب از تزکیه است. اگر با این قالب، کسی رفتاری را به نمایش بگذارد که هم‌سو با این قالب نبوده و با آن اختلاف داشته باشد، آن‌گاه چه بسا آن شخص به‌حد کافی خوب عمل نکرده است. از آن‌جا که تزکیه‌ی مریدان دافا با این قالب شبیه این اجرا می‌شود، این قالب قادر است مریدان دافا را تکوین دهد، و آن می‌تواند مقام‌های دست‌یابی بی‌اندازه سطح

بالای آینده را به وجود بیاورد. جدا شدن از این قالب یا انطباق نداشتن با آن، مانع تزکیه شما می‌شود؛ در واقع آن چیزها حاصل وابستگی‌ها است.

امروز این چیزها را به شما گفته‌ام و درباره این موضوعات با شما صحبت کرده‌ام زیرا در حال حاضر چیزهای زیادی هستند که به حد کافی خوب انجام نشده‌اند، و مشکلات برجسته بسیاری وجود دارد. حالت‌هایی بوده‌اند که همان‌طور که با هم کار می‌کنید کمتر رضایت‌بخش بوده، و بنابراین استاد به این مسائل اشاره کرده است. امروز بیش‌تر آمدم که همگی شما را ببینم. کنفرانس فا فرصت خوبی برای شما است تا بحث و گفتگو کرده و از یکدیگر یاد بگیرید. استاد بیش‌تر صحبت نخواهد کرد. در همین جا خاتمه می‌دهم. متشکرم! (تسویق گرم)

از دیدن شما بسیار خوشحال هستم. (تسویق) هر زمان که شما را می‌بینم، [می‌توانم بگویم که] تغییرات چشم‌گیری در موقعیت بزرگ‌تر و وضعیت کلی امور بوده است. هر بار همین‌طور است، بنابراین خواهیم گفت که محیط مریدان دافا می‌تواند مردم را تعدیل کند. به‌عنوان یک مرید دافا در این اجتماع، مهم نیست خود را در چه نوع موقعیت یا گوشه اجتماع می‌یابید، شما در حال ایفای نقش مثبتی هستید. بدون توجه به این که در حال آشکارسازی حقیقت و اعتباربخشی به فاهستید یا انجام کارهایی که مستقیماً به دافا ارتباط دارد، در هر حال در حال نجات موجودات ذی‌شعور هستید و در حال ایفای نقش عظیمی هستید (تسویق)، و این به‌خاطر این است که افکار درست شما و میدان پر از محبت و نیک‌خواهی شما در حال ایفای نقش مثبتی هستند. امیدوارم که در زمانی که پیش رو داریم حتی بهتر عمل کنید. (تسویق) هر چیزی که مریدان دافا به آن نائل شده‌اند به‌زودی آشکار خواهد شد. متشکرم! (تسویق طولانی)

⁻¹ یا پادشاه فا

۲- یادداشت مترجم: واژه چینی اینجا، رولای، می‌تواند به‌صورت «پس می‌آید» ترجمه شود، مانند در «فردی که پس می‌آید.» از این‌رو توضیح ارائه شده در این متن اینجا، به حس و معنی دو کلمه چینی رو و لای مربوط می‌شود. در ترجمه، مطابق معمول از واژه سانسکریت «تاناکاتا» استفاده شده است.